

فهرست مطالب

مقدمه	۶
اقسام حجّ	۶
اجزاء عمره تمتع	۷
اجزاء حج تمتع	۷
احکام عمره تمتع	۸
۱- احرام	۸
احکام میقات ها	۸
محرمات احرام	۱۰
محل کشتن کفّارات	۲۴
۲- طواف عمره تمتع	۲۴
شرایط صحت طواف	۲۴
۱- نیت	۲۵
۲ - طهارت از حدث اکبر و اصغر	۲۵
۳ - طهارت از خبث	۳۱
۴ - ختنه بودن برای مردان	۳۳

- ۵ - داشتن ساتر عورت..... ۳۴
- واجبات طواف..... ۳۴
- احکام طواف..... ۳۶
- شک در عدد اشواط (دور ها)..... ۳۹
- ترک یا فراموش کردن طواف..... ۴۰
- ۳- نماز طواف..... ۴۲
- ۴ - سعی بین صفا و مروه..... ۴۴
- شک در عدد اشواط سعی..... ۴۹
- (۵) تقصیر..... ۵۰
- اعمال حج..... ۵۲
- (۱) احرام..... ۵۲
- (۲) وقوف در عرفات..... ۵۴
- (۳) وقوف در مشعر الحرام..... ۵۶
- (۴) رمی جمره عقبه..... ۶۰
- (۵) ذبح و نحر در منی..... ۶۳
- مصرف قربانی..... ۷۰

- ۶) حلق یا تقصیر.....۷۲
- ۷.۸.۹) طواف حجّ و نماز طواف وسعی۷۴
۱۰. ۱۱) طواف نساء و نماز آن۷۶
- ۱۲) بیتوته در منی۷۹
- ۱۳) رمی جهرات۸۱
- احکام مصدود۸۳
- احکام محصور۸۶
- مسائل متفرقه۹۰
- مستحبات سفر۹۲
- مستحبات احرام۹۲
- مکروهات احرام۹۵
- مستحبات دخول حرم۹۶
- مستحبات دخول مکه معظمه۹۷
- آداب مسجد الحرام و مکه معظمه۹۷
- آداب و مستحبات طواف۱۰۱
- مستحبات نماز طواف۱۰۴

- ۱۰۸ مستحبات احرام تا وقوف بعرفات
- ۱۰۹ مستحبات وقوف به عرفات
- ۸ - این دعا را بخواند: ۱۱۱
- ۱۱۵ مستحبات وقوف بمزدلفه
- ۱۱۷ مستحبات رمی جمرات
- ۱۱۸ مستحبات هدی
- ۱۱۹ مستحبات حلق
- ۱۱۹ مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی
- ۱۲۰ مستحبات منی
- ۱۲۱ مستحبات دیگر مکه معظمه
- ۱۲۳ مستحبات وقوف بمزدلفه
- ۱۲۵ مستحبات رمی جمرات
- ۱۲۶ مستحبات هدی
- ۱۲۷ مستحبات حلق
- ۱۲۸ مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی
- ۱۲۸ مستحبات منی

- ۱۲۹..... مستحبات دیگر مکه معظمه
- ۱۳۲..... دعاء الحسین (ع) یوم عرفه
- ۱۴۸..... دعاء علی بن الحسین (ع) (در صحیفه سجادیه) در روز عرفه
- ۱۵۹..... استفتائات جدید در مناسک حج

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، الصلاة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين
محمد (ص) و آله الطاهرين.

قال الله تبارك و تعالى: و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه
سييلا.

هرکسی که قدرت و توان رفتن به مکه معظمه را داشته باشد به امر
خداوند تبارک و تعالی حج بیت الله الحرام بر او واجب است

اقسام حج

حج بر سه قسم است: حج قرآن، حج افراد، حج تمتع.

حج قرآن و افراد فریضه کسانی است که در مکه و اطراف آن باشند تا
حدود ۱۶ فرسخ و کسانی که بیش از ۱۶ فرسخ از مسجد الحرام دور
باشند فریضه شان حج تمتع می باشد.

چون خوانندگان این مناسک فریضه شان تمتع است ما فقط به بیان حج
تمتع می پردازیم و آن مرکب از دو عمل است: اول عمره، دوم حج .

اجزاء عمره تمتع

(مسأله ۱): عمره تمتع پنج جزء دارد:

۱ - احرام

۲ - طواف

۳ - نماز طواف

۴ - سعی بین صفا و مروه

۵ - تقصیر، یعنی کوتاه کردن مقداری مو یا ناخن.

اجزاء حج تمتع

(مسأله ۲): حج تمتع ۱۴ جزء دارد:

۱ - احرام بستن در مکه معظمه

۲ وقوف در عرفات

۳ - وقوف در مشعر الحرام

۴ - رمی جمره عقبه در منی

۵ - قربانی کردن در منی

۶ - تراشیدن سر در منی

۷ - طواف زیارت

۸ - دو رکعت نماز طواف

۹ - سعی بین صفا و مروه

۱۰ - طواف نساء

۱۱ - دو رکعت نماز طواف

۱۲ - ماندن در منی شب یازدهم

۱۳ - رمی جمره های سه گانه روز یازدهم

۱۴ - رمی جمره های روز دوازدهم

احکام عمره تمتع

۱- احرام

احکام میقات ها

(مسأله ۳): کسانی که جهت انجام دادن حج تمتع عازم شده اند باید در یکی از میقاتهای پنج گانه احرام ببندند:

۱ - مسجد شجره، برای کسانی که از مدینه عازم شده اند

۲ - جحفه، برای کسانی که با هوا پیما به جده می روند و اهالی شام

۳ - قرن المنازل، برای کسانی که از طائف عازم شده اند

۴ - وادی عقیق، برای اهل عراق

۵ - یلملم، برای کسانی که از یمن عازم شده اند.

(مسأله ۴): کسانی که با هوا پیما وارد جده می شوند اگر وقت زیاد باشد به مدینه منوره می روند جهت زیارت حضرت رسول (ص) و زیارت ائمه بقیع (ع) و از آنجا که عازم مکه می شوند باید درمسجد شجره احرام ببندند یعنی لباسهای دوخته را از بدن بیرون می آورند و دو قطعه پارچه سفید می پوشند و بنا بر احتیاط زنها بادو قطعه لباس سفید اگر چه دوخته باشد خود را محرم نمایند ومستحب است برای مرد و زن که پیش از احرام بستن غسل نمایند.

(مسأله ۵): اگر وقت تا روز عرفه کم باشد حجاجی که به جده آمده اند باید به جحفه بروند و در آنجا احرام ببندند.

(مسأله ۶): کسانی که از طائف عازم مکه شده اند باید در قرن المنازل احرام ببندند.

(مسأله ۷): در هر یک از مواقیت که باشد، بعد از پوشیدن دو پارچه لباس احرام، نیت می کند: احرام می بندم از جهت عمره تمتع ازفرض حجه الاسلام قربۀ الی الله. بعد بلا فاصله می گوید:

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ
وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ.

(مسأله ۸): اگر انسان نایب از کسی شده باشد چنین نیت می کند: احرام می بندم به نیابت از فلان از جهت عمره تمتع از فرض حجه الاسلام قربة الی الله (و به جای فلان نام شخص را بگویند). و اگر حج تمتع استحبابی باشد می گویند: احرام می بندم از جهت عمره تمتع از حج تمتع قربة الی الله.

(مسأله ۹): زن اگر حائض باشد و در مسجد شجره یا مسجد جحفه از دحام زیاد نباشد در حال عبور از مسجد احرام ببندد و اگر از دحام زیاد باشد و عبور از مسجد بدون مکث ممکن نباشد از پهلوی مسجد در حالتی که شانه اش به طرف مسجد باشد احرام ببندد

محرمات احرام

(مسأله ۱۰): بعد از احرام بستن باید از ۲۴ چیز اجتناب کند:

۱ - شکار حیوان صحرايي مثل آهو و حیوان آبی مثل مرغابی و پرندگان جائز نیست و همچنین خوردن گوشت شکار اگر چه کسی دیگر یا شخص مَحِلُّ شکار کرده باشد جائز نیست و همچنین جوجه حیوان شکار شده و تخم آن.

(مسأله ۱۱): حیوان صحرائی اگر مؤذی و درنده باشد مثل شیر، پلنگ و امثال آنها، شکارش جهت ترس از اذیت جائز است.

۲ - مقاربت با زن و هر نوع تمتع و نگاه کردن از روی شهوت و لمس کردن با شهوت.

۳ - عقد نمودن زن برای خود یا دیگری و گواه عقد شدن و خواستگاری هم خلاف احتیاط است.

۴ - استمناء یعنی کاری کند که از او منی خارج شود و کفاره آن یک شتر است.

(مسأله ۱۲): گرفتن بینی از بوی بد حرام است ولی تند رفتن جهت فرار از بوی بد اشکال ندارد.

۵ - پوشیدن لباس دوخته برای مردان مثل پیراهن، عبا و شلوار وزیر شلواری و جامه دکمه دار و زره و هر جامه ای که آستین داشته باشد، حرام است، بلکه احوط اجتناب از مطلق لباس دوخته است، اگر چه آستین نداشته باشد و همچنین است شبیه دوخته، مانند نمدی که چوپانان آن را می پوشند، ولی همیان، که پول را در آن می گذارند و فتق بند، اگر چه دوخته باشد اشکال ندارد ولی احوط در فتق بند دوخته، فدیة دادن است.

(مسأله ۱۳): کفاره لباس دوخته یک گوسفند است.

۶ - سرمه کشیدن با سرمه سیاه بطور مطلق و همچنین غیر سیاه اگر بقصد زینت باشد، و اگر سرمه سیاه بطور مطلق و همچنین غیر سیاه اگر به قصد زینت باشد و اگر سرمه غیر سیاه را بدون قصد زینت بکشد عیبی ندارد و کفاره هم بر او نیست.

(مسأله ۱۴) کفاره سرمه کشیدن بنا بر احتیاط یک گو سفند است.

۷ - نگاه کردن در آینه اگر به قصد زینت باشد حرام است و کفاره اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است و مستحب است تجدید تلبیه.

(مسأله ۱۵): اگر نگاه کردن در آئینه به قصد زینت نباشد مانند راننده ای که در آینه نگاه می کند تا پشت سرش را ببیند جائز است.

(مسأله ۱۶): عینک زدن اگر به قصد زینت نباشد برای مرد و زن عیبی ندارد اگر چه ترک آن بهتر است.

۸ - پوشیدن چکمه و جوراب برای مرد حرام است و کفاره اش بنا بر احتیاط یک گوسفند است ولی زن می تواند آنها را بپوشد.

۹ - دروغ دشنام و تفاخر.

(مسأله ۱۷): دروغ و دشنام در هر حال حرام است ولی در حال احرام حرمتشان شدید و مؤکد است. فخر نمودن و مباحات کردن نیز اگر موجب

توهین دیگری باشد حرام است و اگر موجب توهین نباشد، در غیر حال احرام جائز است و در حال احرام احوط ترک است.

۱۰ - جدال نمودن.

(مسأله ۱۸): جدال نمودن به کلمه (لا والله) و (بلی والله) بر محرم حرام است پس محرم نباید به این دو کلمه قسم یاد کند، بلکه مقتضای احتیاط ترک قسم به مطلق اسم جلاله است.

(مسأله ۱۹): اگر ضرورتی ایجاب کند، قسم خوردن جائز است. به عنوان مثال اثبات حق و از بین بردن باطل اگر بدون قسم ممکن نباشد قسم خوردن اشکالی ندارد.

(مسأله ۲۰): اگر دو مرتبه در مقام مجادله جدال کند و صادق باشد، کفاره ندارد بلکه تنها استغفار کافی است و اگر سه مرتبه جدال کند کفاره یک گوسفند است.

(مسأله ۲۱): اگر به دروغ احوط این است که برای بار اول یک گوسفند و برای بار دوم یک گاو و برای بار سوم یک شتر کفاره دهد.

۱۱ - کشتن حشرات بدن و انداختن آنها از بدن یا لباس مثل شپش، کیک و کنه و اگر از پشه ضرری متوجه انسان نباشد مقتضای احتیاط

نکشتن آن است. و اگر محرم یکی از آنها را بکشد احتیاطاً یک کف طعام صدق بدهد.

۱۲ - زینت کردن

(مسأله ۲۲): زینت نمودن برای محرم چه مرد باشد چه زن حرام است مثل انگشتر بدست نمودن و حنا بستن بقصد زینت ولی اگر انگشتر را جهت استحباب در دست کند و حنا را جهت تداوی استعمال کند، مانعی ندارد.

۱۳ - استفاده از زیور آلات برای بانوان جهت زینت حرام است و مقتضای احتیاط ترک آن است اگر چه برای زینت نباشد ولی زیور آلات را که قبل از احرام بطور عادت در برداشته باشد بیرون آوردنشان واجب نیست ولی نشان دادن آنها برای مردان حتی برای شوهرش حرام است.

(مسأله ۲۳): اگر پوشیدن انگشتر یا زیور برای زینت باشد بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره دهد.

۱۴ - مالیدن روغن به بدن.

(مسأله ۲۴): مالیدن روغن به بدن در احرام حرام است اگر چه خوشبو و معطر نباشد ولی در صورت درمان و ضرورت جایز است.

(مسأله ۲۵): کفاره مالیدن روغن به بدن در صورتی که از روی علم و عمد باشد یک گوسفند است و اگر از روی جهل و نادانی باشد بنا بر احتیاط کفاره اش اطعام فقیر است.

۱۵ - جدا نمودن مو از بدن

(مسأله ۲۶): جدا کردن مو از بدن توسط خود محرم یا شخص دیگر جائز نیست چه دیگری محل باشد یا محرم و فرق بین کندن و بریدن نیست.

(مسأله ۲۷): در سه مورد ازاله مو جائز است:

۱ - آنکه در پلک چشم روئیده باشد و انسان را ناراحت کند

۲ - آنکه ضرورت ایجاب کند که مو را جدا نماید، مثلاً اینکه بلندی و زیادی مو باعث سر درد یا ناراحتی دیگر شود.

۳ - آنکه شپش بدن محرم زیاد شود پس در این سه مورد ازاله عمدی مو اشکالی ندارد.

و همچنین اگر مو خود بخود هنگام وضو یا غسل جدا شود، اشکال ندارد.

(مسأله ۲۸): اگر محرم بدون ضرورت سر خود را بتراشد کفاره اش یک گوسفند است و اگر از جهت ضرورت سر خود را بتراشید کفاره اش یک

گوسفند یا سه روز روزه یا دادن دوازده مد طعام به شش مسکین است به هر مسکین یک و نیم کیلو.

(مسأله ۲۹): اگر محرم موی زیر هر دو بغل خود را بکند یا بتراشد کفاره اش یک گوسفند و اگر موی یک طرف را زائل کند نیز مقتضای احتیاط کفاره اش یک گوسفند است و اگر موی ریش خود یا غیر آن را بکند یا بتراشد باید یک مشمت طعام به فقیر کفاره دهد.

(مسأله ۳۰): اگر محرم موی سر کسی دیگری را بتراشد کفاره ندارد.

(مسأله ۳۱): خوراندن سر توسط محرم در صورتی که مو نریزد و خونی نشود اشکالی اشکالی ندارد ولی اگر با دست به سر یا ریش بکشد و یک یا دو تا مو جدا شود بنا بر احتیاط یک مشمت طعام کفاره دهد.

۱۶ - پوشانیدن سر برای مردان.

(مسأله ۳۲): مرد محرم باید سرش برهنه باشد و پوشانیدن تمام سر یا بعضی از قسمتهای آن و حتی گوشها جائز نیست.

(مسأله ۳۳): محرم نمی تواند غسل ارتماسی کند زیرا فرو بردن سر در آب و مایعات جائز نیست.

(مسأله ۳۴): پوشاندن سر همچنانکه با کلاه و عمامه حرام است، همچنین بنابر احتیاط با گل و حنا و علف جائز نیست.

(مسأله ۳۵): زن محرمه نیز بنا بر احتیاط نباید سر خود را زیر آب کن اگر چه پوشانیدن سر بر او جایز است.

(مسأله ۳۶) اگر محرم غفلت کند و سر را زیر آب نماید باید فوراً بیرون آورد و احتیاط مستحب آن است که بعد از آن لبیک گوید.

(مسأله ۳۷): محرم هنگام حمل اثاثیه خود نباید آن را بر سر بگذارد ولی بستن دست جهت درد سر و یا انداختن بند مشک بر سر اشکال ندارد.

(مسأله ۳۸): هرگاه محرم سر خود را بپوشاند بنابر احتیاط یک گوسفند کفاره دهد. ولی در مورد اضطرار کفاره واجب نیست.

(مسأله ۳۹): پوشاندن بعضی از قسمتهای سر نیز بر احتیاط کفاره اش یک گوسفند است و بنابر بر احتیاط مستحب اگر پوشاندن سر را تکرار کند کفاره نیز تکرار می شود.

(مسأله ۴۰): اگر کسی تمام یا قسمتی از سر را بشوید نباید با حوله و دستمال آن را خشک کند.

(مسأله ۴۱) گذاشتن سر روی بالش و امثال آن هنگام خواب مانعی ندارد.

(مسأله ۴۲): پوشاندن صورت برای مرد محرم مانعی ندارد.

(مسأله ۴۳): بانوان در حال احرام نباید صورت خود را با پوشه و یا نقاب و امثال آن بپوشانند و پوشاندن بعضی از قسمتهای صورت نیز جایز نیست.

(مسأله ۴۴): زن محرم هنگام نماز که سر را می پوشاند واجب است از باب مقدمه کمی از صورت را نیز بپوشاند تا یقین کند همه سر پوشانده شده است ولی بعد از نماز باید فوراً آن را بر دارد.

(مسأله ۴۵): گذاشتن صورت هنگام خواب برای زن روی بالش مانعی ندارد.

(مسأله ۴۶): بانوان محرمه می توانند از مرد اجنبی رو بگیرند به این نحو که گوشه ای از چادر یا عبا یا مقنعه را که بر سر دارند به پایین بکشد و احتیاط این است که قسمت پایین آمده است را بوسیله دست یا چیزی دیگر از صورت دور نگهدارند که به صورت نجسبند.

(مسأله ۴۷): کفاره پوشاندن صورت بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

۱۸ - زیر سایه رفتن مردان

(مسأله ۴۸): مردان محرم هنگام سیر نباید زیر سایه بروند و یا چتر و امثال آن را بر سر بگیرند و فرق بین سایه سقف ماشین کشتی قطارها و پیما و محمل و چتر نیست و احوط این است که زیر سایه چیزی که بالای سر نیز نباشد نرود پس نباید کنار شتر و ماشین و امثال آن حرکت

کند که سایه از طرف راست یا چپ بر او بیفتد ولی سایه انداختن بواسطه دست اشکال ندارد و همچنین احرام بستن زیر سقف مسجد شجره نیز، اشکالی ندارد.

(مسأله ۴۹): زیر سایه رفتن فقط برای مردان حرام است و برای بانوان و کودکان به هر نحو جائز می باشد.

(مسأله ۵۰): زیر سایه رفتن در حال سیر و گشت جائز نیست ولی در مکه نشستن زیر سقف اتاق و در منی و عرفات نشستن زیر خیمه، اشکالی ندارد.

(مسأله ۵۱): محرم اگر از جهت سر ما یا گرما باران و غیره، ناچار شود در حال سیر زیر سقف و سایه بروود مانعی ندارد ولی کفاره باید بپردازد.

(مسأله ۵۲): کفاره رفتن زیر سایه یک گوسفند و اگر در احرام واحد، چند مرتبه زیر سایه طی مسافت و سیر کند یک کفاره کفایت می کند ولی احتیاط در تکرار کفاره است به تعداد روزهای که زیر سایه سیر نموده است.

۱۹ - بیرون آوردن خون از بدن.

(مسأله ۵۳): محرم نباید خون از بدن بیرون بیاورد و از خوردن و فصد و حجامت پرهیز کند و ازمسواک نمودن که باعث بیرون آمدن خون از دهان شود بنابر احتیاط خودداری کند.

(مسأله ۵۴): در مواقع ضروری و علاج و ناراحتی خون بیرون آوردن اشکالی ندارد، و اگر بدون ضرورت و علاج، خون بیرون آورد، احتیاط استحبابی در کفاره دادن گوسفند است.

۲۰ - ناخن گرفتن

(مسأله ۵۵): گرفتن ناخن از دست یا پا به هر وسیله که باشد (قیچی، ناخن گیر، چاقو و امثال آن) جائز نیست مگر اینکه ماندنش موجب اذیت باشد مثلاً از جا کنده شده باشد و اگر قطع نکند موجب ناراحتی باشد که در این صورت بریدنش جائز است.

(مسأله ۵۶): کفاره گرفتن هر ناخن یک مد (سه ربع کیلو) طعام است و اگر تمام ناخنهای دست را در یک نوبت بگیرد باید یک گوسفند کفاره دهد و همچنین است ناخن های پا، و اگر تمام ناخن های دست و پا را در یک مجلس بگیرد، کفاره اش یک گوسفند است.

(مسأله ۵۷): اگر ناخن های دست را در یک مجلس و ناخن های پا را در مجلس دیگر بگیرد باید دو گوسفند کفاره دهد.

(مسأله ۵۸): اگر محرم به فتوای کسی که ناخن گرفتن را جائز می داند ناخن بگیرد و خون بیرون آید، کفاره اش بنابر احتیاط بر فتوی دهنده است.

(مسأله ۵۹): ناخن گرفتن عمدی کفاره دارد ولی اگر به جهت فراموشی یا جهل یا سهواً انجام گیرد، کفاره ندارد

(مسأله ۶۰): اگر ناخن را از جهت اضطراری بگیرد باید کفاره آن را بنابر احتیاط، به تفصیل سابق بدهد.

۲۱ - کندن دندان

(مسأله ۶۱): کندن دندان در صورتی که موجب بیرون آمدن خون شود، بلا اشکال جائز نیست، و اگر موجب بیرون آمدن خون نشود که بعضی از فقها از محرمات احرام شمرده اند و کفاره اش را یک گوسفند دانسته اند و دلیلش ظاهر نیست ولی احتیاط در ترک آن است.

۲۲ - برداشتن سلاح

(مسأله ۶۲): برداشتن سلاح مانند تفنگ، شمشیر، نیزه و سایر ادوات جنگی که عرفاً سلاح گفته می شود، بر محرم حرام است و مقتضای احتیاط اجتناب کردن حتی از کلاه خود، سپر زره است ولی بودن سلاح در

نزد محرم اگر حمل نکند اشکال ندارد، اگر چه احتیاط در این است که سلاح را نزد خود نگهداری نکند.

(مسأله ۶۳): حرمت حمل سلاح اختصاص به حال اختیار دارد، ولی اگر چه به جهت دفاع، مضطر به حمل سلاح باشد اشکال ندارد
(مسأله ۶۴): کفاره حمل سلاح بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

۲۳ - استعمال بوی خوش از قبیل انواع عطرها، عود، عنبر، مشک و ورس و زعفران و مطلق گیاهی که در آن بوی خوش است، بنا بر احتیاط بر محرم حرام است چه به مالیدن به بدن یا لباس باشد و چه به خوردن.

(مسأله ۶۵): خوردن میوه های خوشبو مانند سیب، پرتقال و به، اشکالی ندارد ولی از بوئیدن آنها وقت خوردن باید اجتناب کند.

(مسأله ۶۶): بر محرم واجب نیست که هنگام سعی بین صفا و مروه اگر عطر فروشی آنجا باشد و یا در همان هنگام بوی عطر به او برسد، بینی خود را ببندد ولی بوئیدن خلوق کعبه که یک نوع عطر است اشکالی ندارد.

(مسأله ۶۷): هر گاه محرم عمداً مقداری زعفران، ورس، عنبر و یا مشک را بخورد باید یک گوسفند کفاره دهد. و اگر خوردن چیزهای نام برده را تکرار کند، کفاره نیز تکرار می شود.

(۲۴) کندن گیاه یا درخت حرم.

(مسئله ۶۸): کندن و بریدن هر چیزی که در حرم روئیده باشد، مثل درخت و گیاه بر محرم و غیر محرم حرام است، و اما چیزی که بواسطه راه رفتن متعارف کنده شود، اشکالی ندارد.

(مسئله ۶۹): درختی که ریشه و ساقه اش در حرم و شاخ و برگش در خارج حرم باشد، یا بالعکس، حکمش در حکم درختی است که تمامش در حرم باشد.

(مسئله ۷۰): اگر خانه ای را در محدوده حرم بخرد و دارای درخت و گیاه باشد، نباید آن درخت و گیاه را بکند یا قطع کند، ولی اگر درخت را خودش نشانیده یا کاشته باشد میتواند آن را بکند یا قطع کند.

(مسئله ۷۱): چند چیز در حال احرام جائز است:

(۱) راه رفتن متعارف، اگر چه بواسطه آن گیاه کنده شود.

(۲) رها کردن حیوانات، اگر چه گیاه را قطع کند یا بکند.

(۳) کندن و قطع کردن اذخر که گیاه معروفی است.

(۴) قطع کردن نخل و درخت میوه دار.

(۵) قطع کردن علفهایی که خوراک شتر است.

(۶) قطع کردن علفهایی که بعد از تملک خانه در آن بروید.

(مسئله ۷۲): کفّاره کندن درخت، قیمت همان درخت است، ولی برای کندن گیاه کفّاره وارد نشده است. محرم بعد از کندن گیاه استغفار کند.

محل کشتن کفّارات

(مسئله ۷۳): اگر شخص محرم به احرام عمره، مرتکب شکار شود، کفّاره آن را در مکه معظمه نحر یا ذبح نماید، و احوط این است که کفّاره غیر شکار را نیز، در مکه معظمه انجام دهد.

(مسئله ۷۴): اگر محرم به احرام حج، مرتکب شکار شود ذبح یا نحر را باید در منی انجام دهد، و احوط این است که کفّاره غیر صید را نیز، در منی انجام دهد.

۲- طواف عمره تمتع

(مسئله ۷۵): حجاج بعد از وارد شدن به مکه معظمه، باید به دور خانه کعبه ۷ شوط طواف کنند.

شرایط صحت طواف

(مسئله ۷۶): در صحت طواف پنج چیز شرط است:

۱- نیت

اول نیت و طواف بدون قصد قربت باطل است، و بهتر است این طور نیت کند:

"هفت شوط دور خانه کعبه طواف می کنم از جهت عمره تمتع از فرض حجه الاسلام قریه الی الله"

(مسأله ۷۷): اگر در طواف یا بقیه اعمال حج و عمره و قصد قربت نداشته باشد، باطل است چه قصد ریا کند یا قصد ورزش و امثال آن.

۲ - طهارت از حدث اکبر و اصغر

طهارت از حدث اکبر و اصغر پس هرگاه بدون طهارت طواف کند باطل است چه اینکه عمداً باشد یا از نادانی و یا از جهت فراموشی.

(مسأله ۷۸): اگر وضو گرفته باشد و شک کند حدثی از او سرزده است یا نه حکم به بقاء طهارت اومی شود و اگر حدثی از او سر زده باشد و شک کند آیا بعد از آن وضو گرفته یا نه حکم می شود طهارت ندارد و باید وضو بگیرد.

(مسأله ۷۹): اگر عمداً طواف را ترک کند، چه جاهل به حکم باشد یا موضوع عمره باطل می شود و بطلان عمره تمتع وقتی موجب بطلان حج تمتع می شود و بطلان عمره تمتع وقتی تحقق پیدا می کند که اگر

آن را انجام دهد وقت وقوف در عرفات فوت می شود و در این صورت باید عدول به حجّ افراد کند، و حجّ تمتّع را در سال آینده بجا آورد.

(مسأله ۸۰): هرگاه طواف را از روی فراموشی ترک کند چند صورت دارد:

۱ - اینکه وقتی متوجه شود که وقت برای طواف باقی این صورت باید اول طواف را انجام دهد و بعد از نماز طواف احتیاطاً سعی را هم اعاده کند.

۲ - وقتی متوجه شود که وقوفین را انجام داده باشد و در این صورت باید اول قضاء طواف عمره را انجام دهد و بعد از آن طواف حجّ را انجام دهد.

۳ - وقتی یادش بیاید که از مکه خارج شده باشد و یک ماه یا بیشتر گذشته باشد و برایش بر گشتن به مکه ممکن باشد در این صورت باید احرام ببندد و بیاید طواف را قضاء کند و احتیاطاً سعی را نیز انجام دهد.

۴ - وقتی متوجه شود که به وطن خویش برگشته است در اینصورت اگر با همسر خود نزدیکی کرده باشد شخصی را نایب بگیرد و یک گوسفند کفاره دهد و آن را در مکه ذبح کند و طواف نایب کافی است و احوط این است که نایب بعد از طواف سعی را نیز به نیابت انجام دهد، و اگر با همسر خود نزدیکی نکرده باشد نایب برای طواف بگیرد و کفاره لازم نیست.

(مسأله ۸۱): هر گاه در هنگام طواف از محرم حدثی سر زند چند صورت دارد:

۱ - آنکه حدث بعد از شوط چهارم بدون اختیار صادر شود، در این صورت طواف را قطع می کند و بعد از تحصیل طهارت، از همانجا که قطع نموده، تمام می کند و طوافش صحیح است.

۲ - آنکه صدور حدث پیش از رسیدن به نصف باشد که در این صورت، طواف باطل است و بعد از تحصیل طهارت، طواف را از اول شروع می کند.

۳ - آنکه حدث بعد از نصف و پیش از تمام نمودن شوط چهارم باشد و یا بعد از تمام نمودن شوط چهارم و اختیاری باشد، مقتضای احتیاط در این دو صورت این است که، بعد از تحصیل طهارت طواف خود را از جایی که قطع کرده تمام کند و بعد از آن، طواف را اعاده کند.

(مسأله ۸۲): در صورت سوم می تواند یک طواف کامل انجام دهد به قصد ما فی الذمه، به این معنی که اگر در ذمه اش طواف کامل است به این طواف ذمه اش فارق شود و اگر در ذمه اش اتمام طواف سابق است، آن طواف کامل شود و زیادتی بر آن لغو باشد.

(مسئله ۸۳): هر گاه بعد از طواف شک کند که طواف را با طهارت انجام داده یا بدون طهارت، به شک خود اعتنا نکند، اگر چه احوط اعاده طواف است، ولی برای نماز طواف حتماً تحصیل طهارت بنماید.

(مسئله ۸۴): هر گاه مکلف نتواند تحصیل طهارت بواسطه آب نماید، مثلاً اینکه استعمال آب برایش ضرر داشته باشد، باید تیمم نماید و طواف را انجام دهد، و اگر قادر به تیمم کردن هم نباشد، باید نایب بگیرد و احتیاطاً خودش هم طواف را بدون طهارت انجام دهد.

(مسئله ۸۵): اگر مرد جنب باشد یا زن حیض و نفاس پاک شده باشد، باید غسل کنند و طواف را انجام دهند و اگر غسل ضرر داشته باشد یا از جهات دیگر غسل نتوانند باید با تیمم طواف کنند و احتیاطاً نایب هم بگیرند، و اگر تیمم هم نتوانند، نایب گرفتن متعین است.

(مسئله ۸۶): هر گاه زن هنگام بستن احرام، برای عمره تمتع، یا پس از بستن احرام حیض ببیند و وقت باقی باشد که بعد از پاک شدن و غسل نمودن، اعمال عمره را انجام دهد، باید صبر کند تا بعد از غسل اعمال را انجام دهد.

(مسئله ۸۷): هر گاه پیش از بستن احرام، حیض ببیند و بداند که قبل از روز نهم پاک نمی شود، در این صورت حجّ تمتعش به حجّ افراد بدل می شود و واجب است بعد از اعمال حج، عمره مفرده را انجام دهد، و

همچنین اگر بعد از بستن احرام، خون ببیند و بداند که پیش از روز نهم پاک نمی شود، باید اول حجّ افراد را بجا آورد و بعد از آن عمره مفرده را انجام دهد.

(مسأله ۸۸): اگر زن در حین طواف حیض شود، مشهور بین فقهاء این است که اگر حیض شده پیش از گذشتن از نصف طواف باشد، طوافش باطل میشود، و چنانچه بعد از گذشتن از نصف طواف باشد، آنچه بجا آورده صحیح است، و واجب است بعد از پاکی و غسل نمودن، باقیمانده را بجا آورد، ولی احوط در هر دو صورت این است که بعد از پاک شدن، یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و اتمام بجا آورد، به این معنی که چنین نیت کند که اگر یک طواف کامل بر من واجب است، که این طواف است، و اگر بجا آورند کمبود طواف سابق بر من واجب است، هر مقداری که از این طواف کمبود طواف سابق را تکمیل می کند، بکند و باقی مانده زیادی باشد، البته این در صورتی است که وقت گنجایش این کار را داشته باشد، و در غیر این صورت سعی و تقصیر نموده و برای حجّ محرم شود و لازم است پس از بازگشت از منی و قبل از طواف حجّ قضا طواف عمره را به نحوی که گفته شد بجا آورد.

(مسأله ۸۹): هر گاه زن بعد از طواف و پیش از نماز آن یعنی بین طواف و نمازش حیض شود، طوافش صحیح است و نماز طواف را پس از پاکی و

غسل و غسل بجا آورد، ولی اگر وقت نداشت و سعی و تقصیر را بجا آورده و نماز طواف را پیش از طواف حجّ قضاء نماید.

(مسأله ۹۰): هرگاه زنی بعد از طواف و نمازش احساس کند که حائض شده و نداند که اول آمدن خون پیش از طواف و یا پیش از نماز طواف و یا بعد از نماز بوده طواف و نمازش صحیح می باشد و اگر بداند که پیش از نماز بوده و وقت تنگ باشد سعی و تقصیر نماید و نماز طواف را تا پس از پاکی به تأخیر اندازد عمره اش صحیح است.

(مسأله ۹۱): هرگاه زنی به مکه برسد و بتواند اعمال عمره را بجای آورد ولی با علم و عمد بجا نیاورد و حیض شود و وقت هم تنگ باشد ظاهراً عمره اش فاسد است و احتیاط این است که عدول به حجّ افراد کند و حجّه الاسلام را که به ذمه اش باشد در سال آینده انجام دهد.

(مسأله ۹۲): طواف مستحبی را می تواند بدون طهارت انجام داد و طهارت در آن شرط نیست ولی نماز مستحبی بدون طهارت باطل است مثل نماز طواف واجب.

(مسأله ۹۳): کسی که وضوء یا غسل جبیره انجام دهد میتواند طواف کند و طوافش صحیح است و همچنین کسی که وظیفه اش تیمم باشد طوافش با تیمم صحیح است و میتواند نماز طواف را خودش بخواند و هم نائِب بگیرد.

(مسأله ۹۴): کسی که اسهال باشد مقتضای احتیاط واجب این است که خودش طبق وظیفه خویش تحصیل طهارت کند و طواف نماید و نائب بگیرد و نماز طواف را هم خودش بخواند و هم نائب بگیرد.

(مسأله ۹۵): زنی که مستحاضه به استحاضه قلیله باشد برای هر کدام از طواف و نماز طواف جداگانه وضو بگیرد و اگر استحاضه متوسطه باشد یک غسل می کند و باری هر کدام از طواف و نماز طواف وضوء جدا گانه می گیرد.

اگر استحاضه اش کثیره باشد باید برای هر کدام از طواف و نماز طواف غسل کند و وضو بگیرد.

۳ - طهارت از خبث

(مسأله ۹۶): شرط سوم از شرائط طواف، طهارت از خبث می باشد یعنی طواف باید با بدن و لباس طاهر صورت بگیرد و اگر بدن یا لباس نجس باشد بنابر احتیاط طواف باطل است.

(مسأله ۹۷): اگر خون کمتر از درهم باشد در نماز بخشوده است ولی بنابر احتیاط در طواف بخشوده نیست.

(مسأله ۹۸): خون و خونابه زخم و دمل که اجتناب از آن سخت باشد و مشقت داشته باشد در طواف چه در بدن یا لباس، مانعی ندارد.

همچنین حمل متنجس در طواف مانعی ندارد و هرچیزی که در نماز سائر نیست مثل همیان و کلاه و جوراب نجس در طواف اشکالی ندارد.

(مسأله ۹۹): هرگاه طواف کننده، نجاست لباس یا بدن را نداند و بعد از فراغ از طواف، بداند که در هنگام طواف بدن یا لباسش نجس بوده طوافش صحیح است، و همچنین در نماز طواف هرگاه نجاست را پیش از فراغ از نماز نداند، نمازش صحیح است.

(مسأله ۱۰۰): هرگاه نجاست بدن یا لباس را فراموش کند و طواف نماید و بعد از طوافش یادش بیاید، طوافش صحیح است، ولی احتیاط استحبابی در اعاده طواف است

(مسأله ۱۰۱): هرگاه نجاست را فراموش کند و بعد از نماز طواف یادش بیاید، باید نماز طواف را اعاده کند.

(مسأله ۱۰۲): هرگاه نجاست بدن یا لباس را نمی دانسته و در حین طواف متوجه آن شود و یا اینکه نجاست در حین طواف به لباس یا بدنش برسد، اگر جامه پاک همراه داشته باشد باید فوراً آن را عوض کند و طواف را به اتمام رساند و اگر جامه پاک همراه نداشته باشد و این اتفاق بعد از اتمام شوط چهارم باشد، طواف را قطع نموده و بعد از ازاله نجاست باقیمانده طواف را انجام دهد، و اگر علم به نجاست یا حدوشش پیش از اتمام شوط چهارم باشد، باید باز هم طواف را قطع کند و نجاست را ازاله نماید، و بنابر

احتیاط یک طواف کامل به قصد تام یا اتمام انجام دهد. به این معنا که اگر وظیفه اش طواف کامل باشد این طواف کامل، و اگر وظیفه اش اتمام طواف سابق باشد، چند شوط این طواف، متمم آن و بقیه زائد و لغو باشد.

۴ - ختنه بودن برای مردان

(مسأله ۱۰۳): در طواف برای مردان، مختون بودن شرط است بلکه طفل ممیز اگر احرام را خودش انجام دهد باید مختون باشد، و اگر ممیز نباشد یا احرامش را ولی انجام دهد اعتبار ختنان در او ثابت نیست، اگر چه احوط است.

(مسأله ۱۰۴): هرگاه محرم ختنه نشده بالغ یا طفل ممیز باشد و طواف نماید طوافش باطل است، و اگر طواف را ختنه شده اعاده نکند، مانند کسی خواهد بود که طواف را ترک کرده باشد و احکام آینده بر او جاری خواهد شد.

(مسأله ۱۰۵): هرگاه مکلف ختنه نشده مستطیع شود واجب است اول خود را ختنه کند و بعد به حجّ برود، و اگر جمع بین هردو در یک سال ممکن نباشد، اگر چه از جهت ضیق وقت باشد باید خود را ختنه کند و حجّ را در سال آینده انجام دهد، و اگر ختنه کردن برای او مشقت یا ضرر کلی داشته باشد باید حجّ را بجا آورد ولی احتیاط این است که عمره و حجّ شخصاً طواف نموده و برای طواف نائِب هم بگیرد ولی نماز طواف را

خودش انجام دهد و احتیاط استجابی این است که نماز طواف را نایب نیز بخواند.

۵ - داشتن ساتر عورت

(مسأله ۱۰۶): در صحت طواف ستر عورت شرط است و ساتر باید میاح باشد و احتیاط این است که ساتر دارای تمام شرائط لباس نماز گزار باشد.

واجبات طواف

(مسأله ۱۰۷) شش چیز در طواف واجب است:

۱ - آنکه از محاذی حجر الاسود شروع کند، و احوط و اولی این است که تمام بدن خود را به تمام حجر الاسود بگذارند، و برای این احتیاط همین مقدار کفایت می کند که قبل از حجر الاسود بایستد و نیت نماید که طواف را از جایی که محاذی واقعی حجر الاسود می باشد، بجا می آورم و زیاده بر آن مقدمه علمیه باشد، به این معنی که وقتی از جلوتر شروع کرد علم پیدا می کند که اولین جزء طوافش با اولین جزء حجر الاسود محاذی و برابر شده است.

۲ - هر شرط و دوری به حجر الاسود ختم شود در شوط آخر احتیاطاً قدری از حجر الاسود بگذرد و زیادی را مقدمه علمیه حساب کند.

۳ - آنکه کعبه را در جمیع احوال طواف طرف چپ خود قرار دهد، و ظاهر این است که میزان در قادر دادن کعبه طرف چپ صدق عرفی است و از

طواف نمودن پیغمبر اکرم (ص) سواره این مطلب به خوبی آشکار می شود.

(مسأله ۱۰۸): در عصر حاضر که به جهت کثرت حجاج، در طواف از دحام زیاد است حاجی باید در هنگام طواف از بوسیدن ارکان یا خانه کعبه صرف نظر کند زیرا در وقت بوسیدن رو به کعبه می شود و اگر به همان حالت، مقداری از طوافش واقع شود طوافش باطل می شود و بوسیدن مستحب، سبب بطلان طواف می شود.

(مسأله ۱۰۹): حاجی در هنگام مسیری را اختیار کند که اختیار خود حرکت نماید و اگر با فشار جمعیت اختیار از او سلب شود و رفتنش به اراده خودش نباشد طوافش باطل می شود.

۴ - آنکه حجر اسماعیل را داخل مطاف قرار دهد، به این معنی که دور حجر اسماعیل بگردد و داخل حجر نشود.

۵ - آنکه طواف کننده از بیرون دور خانه خدا طواف کند نه درون خانه خدا و دور تا دور خانه خدا بطور شیب بنائی که به آن شاذروان می گویند طواف کننده نباید روی آن راه برود و اگر روی آن راه برود طوافش باطل است.

۶ - آنکه هفت دور متوالی پی در پی دور خانه خدا بچرخد و کمتر از هفت دور کافی نیست و عمداً هم اگر بیش از هفت دور طواف کند، طوافش باطل است. چنانچه خواهد آمد.

احکام طواف

(مسأله ۱۱۰): مشهور بین فقها این است که طواف باید بین مقام ابراهیم (ع) و خانه خدا باشد یعنی از هر طرف این مسافت در نظر گرفته شود و مسافت آن بیست و شش و نیم تقدیر شده است و نظر به این اینکه حجر اسماعیل داخل مطاف است و خود بیست ذراع می باشد پس در طرف آن بیش از شش و نیم ذراع نباید دور شود.

اشکالی نیست که عمل به قول مشهور موافق احتیاط می باشد و در حال اختیار مراعات شود ولی اگر ازدحام زیاد باشد که طواف در محدوده مذکور در معرض این باشد که حرکت و دور زدن اختیاری از انسان سلب شود طواف کردن از خارج محدوده جائز بلکه متعین است

(مسأله ۱۱۱): هرگاه طواف کننده از مطاف بیرون رفته و وارد کعبه شود طوافش باطل و اعاده آن لازم است ولی اگر این کار بعد از تجاوز نصف طواف باشد بهتر است طولف را تمام کند سپس اعاده نماید.

(مسأله ۱۱۲): اگر هنگام طواف روی شاذروان رفت، آن مقدار از طواف که روی شاذروان بوده باطل است و احتیاط این است که آن مقدار را که

روی شادروان رفته اعاده کند و طواف را تمام نماید و بعد اصل طواف را اعاده کند و احتیاط این است که هنگام طواف دست خود را در طرف شادروان به دیوار کعبه یا ارکان آن دراز نماید.

(مسأله ۱۱۳): هرگاه طواف کننده به حجر اسماعیل برود شوطی که رفتن در جر در آن بوده باطل و لازم است اعاده شود و بهتر این است که طواف را تمام نموده سپس اعاده کند و بنابر احتیاط بالارفتن بر دیوار حجر در حکم رفتن در حجر است، و احوط این است که در حال طواف دست بر دیوار حجر نگذارد.

(مسأله ۱۱۴): هرگاه طواف کننده پیش از تجاوز از نصف طواف، از مطاف بدون عذر خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود طوافش باطل و اعاده اش لازم است، و اگر موالات فوت نشود یا خروج بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده سپس اعاده کند.

(مسأله ۱۱۵): اگر در اثناء طواف حدثی از سر زند جائز است بیرون رود و تطهیر نموده بر گردد و طواف خود را تمام کند همچنان که گذشت و همچنین است بیرون رفتن برای تطهیر بدن یا لباس.

(مسأله ۱۱۶): اگر زنی هنگام طواف حیض شود واجب است طواف را قطع نموده فوراً از مسجد خارج شود و حکم او در مسأله "۸۸" گذشت.

(مسئله ۱۱۷): اگر طواف کننده جهت حدوث مرض مثل در دل و درد سر و مانند آن ناچار از مطاف خارج شود، اگر قبل از اتمام شوط چهارم باشد، طوافش باطل و اعاده لازم است. و اگر بعد از آن بوده احتیاط اینست که برای اتمام آن نائِب بگیرد و بعد از زوال عذر، باقیمانده را انجام دهد و اصل طواف را اعاده کند.

(مسئله ۱۱۸): طواف کننده می تواند جهت عیادت مریض یا حاجت خصوصی خودش یا برآوردن حاجت برادر مؤمن خود از مطاف بیرون رود، ولی اگر یک یا دو شوط طواف واجب را انجام داده باشد، بعد از برگشتن باید طواف را اعاده کند، و اگر بیرون رفتنش بعد از شوط سوم باشد احتیاط این است که یک طواف کامل بقصد اعم از تمام یا اتمام بجا آورد.

(مسئله ۱۱۹): نشستن هنگام طواف جهت استراحت و رفع خستگی جائز است ولی باید به اندازه ای نباشد که موالات عرفیه از بین برود که در این صورت طوافش باطل شده باید از سر بگیرد.

(مسئله ۱۲۰): اگر مقداری از طواف را سهواً کم کند، اگر پیش از فوت موالات یادش آمد، و از مطاف بیرون نرفته باشد فراموش شده یک شوط باشد، یک شوط را بجا آورد و طوافش صحیح است.

(مسئله ۱۲۱): اگر یک شوط را فراموش کند و یادش نیاید، تا اینکه به وطن مراجعه کند و سپس یادش بیاید باید شخصی را نائِب بگیرد که آنرا

به نیابت او انجام دهد، و اگر فراموش شده دو یا سه شوط باشد باید بر گردد و شخصا انجام دهد و احوط این است که بعد از آن طواف را اعاده کند و نماز طواف را نیز احتیاطاً بخواند.

(مسأله ۱۲۲): اگر طواف خود را از روی سهو، بیشتر از هفت شوط بنماید پس اگر زیادی کمتر از یک شوط باشد، آن را رها کند و نماز طواف را بخواند طوافش صحیح است و اگر زیادی یک شوط یا دو شوط باشد، احتیاط این است که باقی آن را تا یک طواف کامل شود به قصد قربت مطلقه انجام دهد و چهار رکعت نماز طواف را نیز به قصد قرینه مطلقه بخواند.

شک در عدد اشواط (دور ها)

(مسأله ۱۲۳): هرگاه بعد از اتمام و تجاوز از محل شک کند که آیا طوافم هفت شوط یا کمتر یا بیشتر بوده اعتنا به شک خود ننماید مثلاً اینکه بعد از داخل شدن به نماز طواف شک کند که هفت شوط گردش نموده یا شش شوط یا هشت شوط به آن اعتنا نکند.

(مسأله ۱۲۴): هرگاه برابر حجرالاسود برسد و شک کند که همین شوط هفتم بود یا هشتم بنا را بر هفت بگذارد و طوافش صحیح است.

(مسأله ۱۲۵): در غیر شک بین ۷ و ۸ که بیان شد طواف فریضه شک بردار نیست. پس اگر انسان در عدد شوطها شک کند طوافش باطل است

و باید آن را از اول اعاده کند، ولی در شک بین ۷ و ۸ پیش از رسیدن به حجر الاسود در شوط اخیر مقتضای احتیاط اتمام آن و اعاده اصل طواف است.

(مسئله ۱۲۶): طواف کننده میتواند بر رفیق و همراه خود در حفظ شماره شوط اعتماد کند در صورتیکه رفیق او یقین به عدد اشواط داشته باشد مثلاً اگر رفیق می گوید این شوط ششم است یک شوط دیگر طواف می کند و طوافش صحیح است.

(مسئله ۱۲۷): هرگاه در طواف مستحبی شک کند بنا را بر کمتر بگذارد و طوافش صحیح است.

ترک یا فراموش کردن طواف

(مسئله ۱۲۸): هرگاه طواف عمره تمتع را عمدا ترک کند چه اینکه علم به وجوب آن داشته یا نداشته باشد و قبل از وقوف عرفات تدارک نتواند، عمره اش باطل می شود و واجب است حج تمتع را در سال آینده انجام دهد.

(مسئله ۱۲۹): اگر طواف را عمدا ترک کند عمره اش باطل می شود و احرامش نیز محکوم به بطلان است ولی احتیاط این است که عدول به حج افراد نماید و اعمالش را تمام کند.

(مسأله ۱۳۰): هرگاه طواف حجّ را عمدا ترک کند حجّش باطل می شود و باید حجّ را در سال آینده بجا آورد و اگر ترک آن از جهت جهل به حکم باشد یک شتر کفاره هم بدهد.

(مسأله ۱۳۱): هرگاه از روی فراموشی طواف را ترک کند بعد از آنکه یادش آمد باید تدارک کند و اگر وقتش گذشته باشد باید قضا نماید و حجّش محکوم به صحت می باشد و احتیاط اینست که بعد از قضا نمودن طواف، سعی را نیز بجا آورد.

(مسأله ۱۳۲): هر گاه طواف را فراموش کند و بعد از برگشتن به وطن یادش بیاید حجّش صحیح است و باید کسی را نائب بگیرد تا طوافش را بجا آورد و احوط این است که نائب بعد از طواف سعی را نیز به نیابت انجام دهد.

(مسأله ۱۳۳): هرگاه طواف را فراموش کند و به وطن بر گردد و موقعه با اهلش بنماید و بعد یادش بیاید اگر فراموش شده طواف حجّ باشد یک گوسفند قربانی کفاره به منی بفرستد، و اگر فراموش شده طواف عمره باشد گوسفند کفاره را به مکه بفرستد.

(مسأله ۱۳۴): هرگاه طواف را فراموش کند و وقتی یادش بیاید که قضایش ممکن باشد با همان احرام قضایش را انجام دهد ولی اگر از مکه

خارج شده باشد و یا یک ماه یا بیشتر گذشته باشد باید برای داخل شدن به مکه احرام ببندد و با همان احرام قضاء طواف را انجام دهد.

(مسئله ۱۳۵): زن و بوی خوش بر فراموش کننده طواف بر حرمت باقی میماند تا اینکه خودش در صورت امکان یا نائیش طواف را انجام دهد.

(مسئله ۱۳۶) هر گاه به جهت مرض یا شکستگی نتواند طواف را انجام دهد باید از دیگری کمک بگیرد اگر چه به سوار شدن بر دوش او باشد و اگر به کمک دیگری نیز نتواند طواف را انجام دهد باید نائب بگیرد.

۳- نماز طواف

(مسئله ۱۳۷): واجب سوم از واجبات عمره تمتع دو رکعت نماز طواف است که مثل نماز صبح می باشد و جائز است که مخفی یا بلند بخواند.

(مسئله ۱۳۸): واجب است نماز طواف را پشت مقام حضرت ابراهیم نزدیک به آن بخواند و در صورت ازدحام و عدم امکان احتیاط این است که پشت مقام با مراعات الاقرب فالاقرب انجام دهد.

(مسئله ۱۳۹): نماز طواف مستحب را در هر نقطه از مسجد که بخواند صحیح است.

(مسئله ۱۴۰): کسی که عمدا نماز طواف را نخواند حجتش باطل است زیرا بدون نماز طواف سعی باطل است.

(مسأله ۱۴۱): نماز طواف باید بعد از طواف فوراً خوانده شود و تاخیر در آن به نحوی که در عرف گفته شود بین طواف و نماز فاصله انداخته جائز نیست.

(مسأله ۱۴۲): اگر نماز طواف را فراموش کند و بعد از سعی بین صفا و مروه یادش بیاید باید فوراً به مقام ابراهیم بر گردد و نماز طواف را بخواند و اعاده سعی واجب نیست اگر چه احوط است.

(مسأله ۱۴۳): هرگاه در حین سعی یادش بیاید که نماز طواف را نخوانده باید برگردد و نماز طواف را بخواند سپس از جایی که سعی را قطع نموده شروع کند و به اتمام رسانده و سعیش صحیح است.

(مسأله ۱۴۴): اگر بعد از خروج از مکه یادش بیاید که نماز طواف را نخوانده اگر مشقت ندارد باید برگردد و نماز را در مقام ابراهیم بخواند و اگر مشقت دارد، و در همانجا که یادش آمده بخواند.

(مسأله ۱۴۵): اگر نماز طواف را از جهت نادانی و جهالت نخوانده، مثل کسی که آن را فراموش کرده باشد و تفصیل گذشته می آید و فرق بین جاهل قاصر و مقصر نیست.

(مسأله ۱۴۶): هرگاه نماز طواف را فراموش کند و بمیرد بر ولی لازم است که آن را قضاء نماید.

(مسئله ۱۴۷): هرگاه قرائت نماز گزار غلطی نداشته باشد در صورتی که نتواند آن را درست کند، نمازش مثل بقیه نمازها صحیح است.

اگر قدرت به تصحیح قرائت داشته باشد واجب است آن را تصحیح کند، و اگر در این کار اهمال و سهل انگاری نمود تا وقت ضیق شد، احوط این است که خودش نماز طواف را بخواند و نایب نیز بگیرد.

(مسئله ۱۴۸): هرگاه نداند قرائتش غلط دارد و در ندانستن خود معذور باشد و نماز طواف را بخواند و بعد از آن بفهمد که قرائتش درست نیست نمازش محکوم به صحت است و محتاج به اعاده نیست، ولی اگر معذور نبوده و در تعلیم سهل انگاری و مسامحه کرده لازم است پس از تصحیح قرائت نماز را اعاده کند و حکمش مثل کسی است که نماز طواف را فراموش کرده باشد.

۴ - سعی بین صفا و مروه

(مسئله ۱۴۹): بعد از فراغ از نماز طواف واجب است هفت شوط بین صفا و مروه سعی "گردش" نماید، و آن یکی از ارکان است که اگر عمدا ترک شود حجّ باطل است چه اینکه علم به وجوبش داشته باشد یا جاهل باشد.

(مسئله ۱۵۰): سعی بین صفا و مروه عبادت است و در آن قصد قربت معتبر است و بهتر است در صفا بایستد و چنین نیت کند: "فَهت شوط سعی می کنم بین صفا و مروه از جهت فمره تمتّع از فرض حجة الاسلام

قربۀ الی الله تعالی و اگر در حجّ باشد بگوید: حجّ تمتّع از فرض حجّه الاسلام."

(مسأله ۱۵۱): طهارت از حدث یا خبث در سعی معتبر نیست، ولی سعی با طهارت افضل است.

(مسأله ۱۵۲): اگر سعی را قبل از طواف یا نماز آن، عمدا بجا آورد باید آن را بعد از نماز طواف اعاده کند، و اگر طواف یا نماز طواف را فراموش کند و سعی را بجا آورد حکم آن گذشت.

(مسأله ۱۵۳): بعد از نیت نمودن در صفا رفتن بسوی مروه را شروع کند همین که به مروه رسید یک شوط تحقق پیدا می کند و از آنجا بطرف صفا می رود و هنگامی که به صفا رسید، دو شوط تحقق پیدا میکند و وقتی که در دفعه دوم به مروه رسید سه شوط حساب میشود و دفعه دیگری که به صفا رسید، چهار شوط تکمیل شده و دیگر بار که به مروه برسد، پنج شوط میشود و در مرتبه دیگری که به صفا برسد شش شوط تحقق پیدا کرده و وقتی که به مروه رسید شوط هفتم تکمیل می شود.

(مسأله ۱۵۴): سعی را نمی شود از مروه شروع کند و اگر چنین کند، سعی باطل است و باید از صفا شروع کند و فرق نیست در بطلان سعی بین صورت عمد و جهل، و باید هر مقدار شوط را که انجام داده الغا کند و از صفا شروع نماید.

(مسأله ۱۵۵): در سعی پیاده رفتن افضل است و سواره رفتن نیز جایز است چه بر حیوان باشد یا چرخ که در آنجا متداول است.

(مسأله ۱۵۶): در هنگام رفتن از صفا باید روبروی مروه برود و در رفتن از مروه به صفا باید رو به صفا برود و اگر به نحو عقب گرد برود باطل است و اگر به چرخ یا حیوان سوار شود نیز باید در رفتن به سوی مروه رو به مرو و در رفتن به صفا رو به صفا باشد و اگر به چرخ سوار شود و در رفتن به سوی مروه پشت به مروه باشد و در رفتن به صفا پشت به آن باشد سعی باطل است.

(مسأله ۱۵۸): نشستن در صفا یا مروه جهت استراحت و رفع خستگی اشکالی ندارد و همچنین نشستن بین صفا و مروه جائز است و احوط این است که در صورت عدم خستگی از نشستن بین صفا و مروه خود داری کند.

(مسأله ۱۵۸): سعی بین صفا و مروه از ارکان حجّ است و اگر آنرا عمداً با علم یا جهل به حکم، تا زمانی که تدارکش پیش از وقوف به عرفات ممکن نباشد، ترک کند، حجّش باطل است و در سال آینده باید حجّ نماید.

(مسأله ۱۵۹): هر گاه سعی از روی فراموشی ترک شود، هر وقت که یادش بیاید باید بجا آورد، اگر چه بعد از فارغ شدن از اعمال حجّ باشد، و

اگر شخصاً نتوانست یا برایش حرجی باشد، باید نایب بگیرد و حَجَّش محکوم به صحّت می باشد.

(مسأله ۱۶۰): هر گاه انسان شخصاً، پیاده و یا سواره نتواند سعی را انجام دهد، باید نایب بگیرد و در صورتی که نایب انجام بدهد، حَجَّش صحیح است.

(مسأله ۱۶۱): بعد از طواف و نماز آن بنا بر احتیاط، بلافاصله سعی را انجام دهد و اگر گرما شدت داشته باشد و یا خسته شده باشد، تأخیر انداختن آن تا سرد شدن هوا بلکه تا شب جائز است و اما تا فردا تأخیر آن بدون عذر جائز نیست.

(مسأله ۱۶۲): زیاد نمودن در سعی، از روی علم و عمد، موجب بطلان سعی می باشد مثل طواف: ولی اگر از روی جهل به حکم، زیاد نموده باشد سعیش صحیح است، اگر چه احتیاط در اعاده است.

(مسأله ۱۶۳): کسی که از روی جهل به حکم، معتقد باشد که رفتن و برگشتن، یک شوط حساب می شود و چهارده مرتبه سعی نموده باشد، هفت مرتبه آن صحیح و هفت مرتبه دیگر زیادی و ملغی است.

(مسأله ۱۶۴): هر گاه از روی خطا، در سعی خود زیادی نمود سعیش صحیح است و زیادی ملغی می باشد، ولی اگر زیادی یک شوط باشد،

مستحب است شش شوط دیگر بر آن بیفزاید تا یک سعی کامل غیر از سعی اول شود و ختم سعی دوم به صفا خواهد بود.

(مسأله ۱۶۵): اگر زیادی خطا، پیش از یک شوط باشد می تواند آن را ملغی کند و دست بردارد و اتمام نمودن آن تا هفت شوط، به قصد رجا و احتمال مطلوبیت مانعی ندارد.

(مسأله ۱۶۶): هرگاه عمداً با علم به حکم و یا جهل به آن، از سعی خود کم کند و تا پیش از وقوف به عرفات تدارک نتواند، حجتش فاسد شده و لازم است سال بعد اعاده نماید، و اقوی این است که احرامش نیز باطل می شود، ولی احوط و اولی این است که عدول به حج افراد نموده و با نیت اعم از حج و عمره مفرده تماشش نماید.

(مسأله ۱۶۷): هرگاه کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم باشد، واجب است هر وقت یادش بیاید، اگر چه بعد از فراغت از اعمال حج باشد، تدارک نماید و در صورتی که خودش تدارک نتواند یا تدارکش سخت و دشوار باشد، واجب است نایب بگیرد چه در راه مراجعت به وطن باشد و یا به وطن رسیده باشد، و احتیاط این است که نایب یک سعی تمام، به قصد اتمام یا تمام انجام دهد یعنی قصدش این باشد که اگر منوب عنه مشغول الذمه به یک سعی کامل است، این سعی کامل و اگر مشغول الذمه به چند شوط باشد، این چند شوط متمم سعی او باشد.

(مسأله ۱۶۸): اگر فراموش شده، پیش از شوط چهارم باشد مثلاً اینکه چهار شوط را فراموش کرده باشد، احوط این است که یک سعی کامل انجام دهد به قصد تام یا اتمام، و اگر مراجعتش غیرممکن باشد یا دشوار، نائب بگیرد و او نیز هفت شوط سعی به قصد تمام یا اتمام دهد و اگر ماه ذیحجه گذشته باشد در سعی نیت قضا نماید.

(مسأله ۱۶۹): هر گاه از روی فراموشی مقداری از سعی را در عمره تمتع کم نمود و به اعتقاد اینکه از سعی فارغ شده با عیالش نزدیکی کند یا ناخن بگیرد و یا موی خود را بچیند، باید یک گاو کفّاره بدهد و واجب است سعی را چنانچه گفته شد تمام کند.

شک در عدد اشواط سعی

(مسأله ۱۷۰): شک در عدد اشواط سعی، بعد از تقصیر اعتبار ندارد. ولی عده ای از فقهاء گفته اند که شک در عدد اشواط، بعد از شک در عدد اشواط، بعد از سعی، اگرچه پیش از تقصیر باشد به آن اعتنا نمی شود اگر از سعی خارج شده باشد، ولی احتیاط این است که به این شک اعتنا کند، مثلاً به اعتقاد اینکه هفت شوط تمام شده از سعی خارج شود و پیش از تقصیر، شک کند که همین شوط هفتم بود یا پنجم، باید سعی را از سر بگیرد.

(مسأله ۱۷۱): هرگاه در مروه شک کند که همین شوط را که انجام داده هفتم است یا نهم، به شک خود اعتنا نکند و سعی صحیح است، و اگر

همین شک پیش از رسیدن به مروه عارض شود سعیش باطل است و باید به صفا برود و سعی را از سر بگیرد.

(مسأله ۱۷۲): شک در عدد اشواط سعی، مثل شک در عدد اشواط سعی، مثل شک در عدد اشواط سعی، پس حاجی باید شمار شوطهای سعی را با انگشت یا چیز دیگر ضبط کند تا مبتلی به اعاده نشود.

(۵) تقصیر

(مسأله ۱۷۳): بعد از هفت شوط سعی بین صفا و مروه، واجب است تقصیر نماید، یعنی گرفتن مقداری از ناخن دست یا پا یا چیدن مقداری از موی سر یا ریش یا سبیل، و قصد قربت در آن واجب است و بهتر است چنین نیت کند: "تقصیر می کنم از جهت عمره تمتع از فرض حَجَّةُ الْاِسْلَامِ قَرَبَةً اِلَى اللّٰهِ".

(مسأله ۱۷۴): کندن مو در تقصیر کفایت نمی کند.

(مسأله ۱۷۵): بیرون آمدن از احرام عمره تمتع باید به تقصیر باشد و تراشیدن سر، عوض تقصیر کافی نیست بلکه حرام و موجب کفاره است و کفاره آن یک گوسفند است و احتیاط این است که اگر جهلا نیز سر خود را بتراشد، گوسفند کفاره دهد.

(مسأله ۱۷۶): هر گاه بعد از سعی و پیش از تقصیر با زنی نزدیکی کند، بنا بر احتیاط باید شتر کفّاره بدهد و در صورت عجز، یک گاو و در صورت عجز از آن یک گوسفند و فرق بین عالم به حکم و جاهل نیست .

(مسأله ۱۷۷): تقصیر پیش از اتمام سعی، حرام و موجب کفاره است .

(مسأله ۱۷۸): بعد از تمام شدن سعی، تقصیر واجب است ولی تأخیر آن تا پیش از احرام حجّ جائز است و مکانش نیز اختصاص به مروه ندارد و می تواند در مروه یا منزل و یا جای دیگر انجام دهد.

(مسأله ۱۷۹): هرگاه تقصیر را عمدا ترک کند تا برای حجّ احرام ببندد، عمره اش فاسد و باطل خواهد بود و ظاهر این است که حجّ تمتعش بدل به حجّ افراد می شود و لازم است بعد از حجّ عمره مفرده بجا آورده و احتیاط این است، که حجّ تمتّع را در سال بعد انجام دهد.

(مسأله ۱۸۰): هرگاه بعد از سعی تقصیر را فراموش کند و احرام حجّ را ببندد و یادش بیاید، عمره اش صحیح است و احتیاطا یک گوسفند کفّاره بدهد.

(مسأله ۱۸۱): همینکه محرم در عمره تمتّع تقصیر نموده آنچه به جهت احرام بر او حرام شده بر او حرام بود حلال میشود، بجز سر تراشیدن که می آید.

(مسأله ۱۸۲): هرگاه عمره تمتّع را در ماه شوال بجا آورد، تا زمانی که سی روز از عید فطر نگذشته باشد، تراشیدن سر جایز است، و اما بعد از سی روز، احتیاط این که سر را نتراشد، و اگر از روی عمد و علم بتراشد احتیاط این است که یک گوسفند کفّاره بدهد.

(مسأله ۱۸۳): طواف نساء در عمره تمتّع واجب نیست و بجا آوردن آن به قصد رجاء اشکال ندارد.

اعمال حجّ

(۱) احرام

در مسأله دوم اعمال حجّ را به طور اجمالی بیان کردیم که چهارده چیز بر حاجی واجب است.

(مسأله ۱۸۴): از واجبات حجّ، اول احرام بستن است و بهترین وقت آن روز ترویبه (هشتم ذی الحجّه) است، اگر چه تأخیر آن تا وقتی که وقوف اختیاری عرفه فوت نشود جایز است.

(مسأله ۱۸۵): تقدین احرام حجّ تا سه روز جایز است، خصوصاً برای مریضان و اشخاص پیر که از ازدحام بترسند، و این افراد پیش از خروج عموم حجاج، احرام میبندند و به عرفات می روند.

(مسأله ۱۸۶): هرگاه احرام حج را از روز ترویبه تأخیر کند جائز است، ولی نباید به قدری تأخیر کند که وقوف اختیاری عرفه را درک نکند.

(مسأله ۱۸۷): احرام حج، در کیفیت و واجبات و محرمات، مانند احرام عمره است و فرق بین هر دو تنها در نیت می باشد و بهتر است به این نحو نیت کند: ((احرام می بندم از جهت حج تمتع از فرض حَجَّةِ الْاِسْلَامِ قَرَبَةً اِلَى اللّٰهِ لَبَّيْكَ اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ و احوط والی اضافه نمودن این جمله است : اِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ، وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ)).

(مسأله ۱۸۸): مکه فعلا توسعه یافته و بزرگ شده است و احرام باید از مکه قدیمه بسته شود، و افضل احرام بستن در مسجدالحرام است و مستحب است در مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل دو رکعت نماز بخواند و احرام ببندد.

(مسأله ۱۸۹): کسی که احرام حج را از روی علم و عمد ترک کند واجب است تدارکش نماید، و اگر پیش از وقوف به عرفات، امکان تدارک پیدا نکند، حَجَّش فاسد است و لازم در سال بعد، اعاده حجه الاسلام نماید.

(مسأله ۱۹۰): حاجی وقتی که احرام حج را بست، احتیاط این است که پیش از رفتن به عرفات، طواف مستحبی نکند، و اگر طواف نمود احوط این است که تلبیه را تجدید کند.

(۲) وقوف در عرفات

(مسأله ۱۹۱): واجب دوم از واجبات حج تمتع وقوف (بودن) در عرفات است با قصد قربت، و بهتر است بگوید: ((می باشم در این مکان از هنگام زوال تا غروب شرعی از جهت حج تمتع از فرض حجه الاسلام قربه الی الله)). (و مراد از وقوف، بودن در عرفات است چه ایستاده باشد یا بنشیند یا حرکت کند و یا سواره باشد).

(مسأله ۱۹۲): برای صحرای عرفات، حدودی معین شده که نام آنها بطن عرنه، ثویه، نمره تا ذی المجاز و از مازمین تا اخر موقف می باشد و این حدود از موقف خارج است و توقف در آنجا کفایت نمی کند، و شناخت آن حدود توسط اهل خبره وساکنین مکه، تحقق پیدا می کند.

(مسأله ۱۹۳): جبل رحمت در موقف، داخل است ولی وقوف بالای کوه مکروه میباشد و مستحب است در دامنه کوه، طرف چپ آن وقوف کند.

(مسأله ۱۹۴): وقوف در عرفات باید از روی اختیار باشد، پس اگر در تمام وقت، خواب یا بیهوش یا غافل باشد وقوف تحقق پیدا نکرده است، ولی اگر بعد از زوال قصد وقوف بیاید و بعد از آن به خواب رود یا بیهوش یا غافل شود، وقوفش صحیح است.

(مسأله ۱۹۵): مقتضای احتیاط این است که شخص مختار از اول شمس، تا غروب شرعی در عرفات باشد، اگر چه تأخیر از اول زوال تا مقدار یک ساعت جائز است.

(مسأله ۱۹۶): اگر حاجی اختیاراً تیمم ساعت قبل از غروب به عرفات بیاید، حجّش صحیح است ولی از جهت تأخیر انداختن وقوف، گناهکار می باشد.

(مسأله ۱۹۷): معلوم شد که وقوف اختیاری در عرفات، از زوال تا مغرب شرعی می باشد، و اگر کسر از جهت اضطرار یا نسیان یا جهل یا عذر دیگر، نتواند آن را درک کند واجب است بر او وقوف اضطراری و آن وقوف در عرفات، پاره ای از شب عید می باشد و حجّش صحیح است و اگر آنرا عمدا ترک کند، حجّش فاسد است.

(مسأله ۱۹۸): اگر حاجی وقوف اختیاری و اضطراری عرفه را جهت عذری درک نکند ولی وقوف در مشعر الحرام را درک کند، حجّش صحیح است.

(مسأله ۱۹۹): کوچ کردن از عرفات، پیش از غروب شمس از روی علم و عمد حرام است ولی موجب بطلان حجّ نیست، پس اگر پشیمان شود و برگردد چیزی بر او نیست و اگر بر نگردد، یک شتر کفاره دهد و آن را در منی نحر کند، و اگر قدرت نداشته باشد هجده روز روزه بگیرد، و احتیاط این است که پی در پی باشد

(مسئله ۲۰۰): هرگاه از جهت نسیان یا جهل به حکم، پیش از غروب عرفات کوچ کند و بعد از آن متوجه شود یا علم به حکم پیدا کند واجب است برگردد، و اگر برنگردد بنا بر احتیاط کفاره بدهد، ولی اگر تا مغرب متوجه نشود و یا علم به حکم پیدا نکند، کفاره بر او نیست.

(مسئله ۲۰۱): هرگاه هلال نزد قاضی اهل سنت ثابت شود و بر طبق آن حکم کند و در نزد شیعه ثابت نشود، مباحث آنها و وقوف با آنها و ترتیب جمیع اثار ثبوت هلال بسبب به مناسک حج، واجب است و کفایت از حجه الاسلام می کند و مخالفت با آنها حتی به عنوان احتیاط جائز نیست، و در این امر فرق بین علم به مخالفت حکم قاضی اهل سنت با واقع و شک به مخالفت نیست و در هر دو صورت حجّ از جهت تقیه صحیح است.

(۳) وقوف در مشعر الحرام

(مسئله ۲۰۲): واجب سوم از واجبات حجّ تمتع، وقوف در مشعرالحرام (مزدلفه) است و حدود آن از مازمین (دوراه باریک) تا حیاض تا وادی محسر می باشد و این حدود، داخل در موقف نیست ولی در هنگام ازدحام و ضیق وقت، بلا رفتن تا مازمین جائز است.

(مسئله ۲۰۳): وقوف در مشعر الحرام نیز عبارت است و مقصد قربت در آن معتبر است و احوط این است که شب عید را در مشعرالحرام با قصد قربت به روز برساند.

(مسأله ۲۰۴): وقوف در مشعر الحرام از طلوع افتاب روز عید قربان واجب است ولی آنچه رکن است وقوف مختصری است که اگر بین طلوعین وقوف نمود و سپس عمداً کوچ کرد حجّش صحیح است گرچه فعل حرامی بجا آورده است.

(مسأله ۲۰۵): اگر حاجی وقوف بین طلوع فجر تا طلوع افتاب را اصلاً ترک کند، یعنی پیش از طلوع فجر عمداً از مشعر خارج شود، حجّش باطل است و باند در سال آینده حجّ را انجام دهد، ولی زنان و کودکان و مریضان و پیرمردان و شخصی که از دشمن میترسد، از این حکم مستثنی هستند و برای آنها جائز است بعد از دشمن میترسد، از این حکم مستثنی هستند و برای آنها جائز است بعد از مقداری وقوف نمودن در شب عید، پیش از طلوع فجر به سوی منی کوچ کنند.

(مسأله ۲۰۶): هرگاه حاجی در شب عید در مزدلفه (مشعرالحرام) وقوف نماید و از جهت ندانستن حکم مسأله پیش از طلوع فجر کوچ کند، ظاهراً حجّش صحیح است و یک گوسفند کفاره بدهد.

(مسأله ۲۰۷): کسی که از جهت فراموشی یا جهل یا عذر دیگری، نتواند وقوف اختیاری بین طلوعین را در مزدلفه (مشعر الحرام) درک کند، واجب است وقوف اضطراری بنماید و ان، وقوف مختصری است بین طلوع شمس و ظهر روز عید، و اگر عمداً آنرا ترک کند حجّش فاسد است.

(مسئله ۲۰۸): وقوف در عرفات و مشعر، هر کدام دو کدام دو قسم است (اختیاری و اضطراری) پس اگر مکلف، اختیاری هر دو را درک کند بدون شبهه، حجّش صحیح است و اگر هیچ یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر را درک نکند، حجّش باطل است و با همان احرام حج، عمره مفرده را انجام دهد و در صورتی که استطاعتش باقی بماند و یا حجّ از سالهای قبل بر ذمه اش مستقر باشد، سال بعد حجّ را بجا آورد.

(مسئله ۲۰۹): هرگاه مکلف وقوف اختیاری عرفات و اضطراری مشعر را درک کند، مثلاً از ظهر روز نهم تا غروب در عرفات باشد و بین طلوع آفتاب روز عید و ظهر، مقداری در مشعر بماند حجّش صحیح است بلا اشکال، و همچنین حجّش صحیح است اگر درک کند وقوف اضطراری عرفه و اختیاری مشعر و در این دو صورت هیچ شکی در صحت حجّ نیست.

(مسئله ۲۱۰): هرگاه مکلف، وقوف اضطراری عرفات و اضطراری مشعر را درک کند حجّش صحیح است ولی احتیاط این است که اگر استطاعتش باقی باشد یا حجّ بر ذمه اش از سالهای قبل مستقر باشد، در سال آینده حجّ را انجام دهد

(مسئله ۲۱۱): هرگاه مکلف، فقط وقوف اختیاری مشعر را درک کند و وقوف عرفات، حتی وقوف اضطراری آن را درک نکند، حجّش صحیح است

(مسأله ۲۱۲): هرگاه مکلف فقط وقوف اضطراری مشعر را درک کند و وقوف عرفات مطلقاً از او فوت شده باشد، بعید نیست حجّش صحیح باشد ولی احتیاط این است که بقیه اعمال را به قصد ما فی الذمه بجا آورد و حجّ را در سال آینده انجام دهد و حتی الامکان، این احتیاط ترک نشود.

(مسأله ۲۱۳): هرگاه مکلف فقط وقوف اختیاری عرفه را درک کند و مشعر را اصلاً درک نکند، مشهور صحت حجّ است ولی اظهار بطلان است، مگر اینکه شب از مشعر عبور کرده باشد و ترک وقوفش در مشعر از جهت جهل به حکم یا موضوع باشد مثلاً اینکه نداند وجوب وقوف در مشعر را یا اینکه وجوب را بداند و نداند که اینجا مشعر است و در اینجا باید یک گوسفند کفاره دهد و حجّش صحیح است، و اگر از مشعر عبور نکرده باشد حجّش باطل است و منقلب میشود به عمره مفرده، و اعمال عمره مفره را انجام دهد.

(مسأله ۲۱۴): هرگاه مکلف تنها وقوف اضطراری عرفه را درک کند حجّش باطل است و باید با همان احرام، عمره مفرده را انجام دهد و ملخص کلام این است که صور متصوره درک وقوف نه صورت است:

(۱) درک وقوف اختیاری عرفات و مشعر.

(۲) درک وقوف اختیاری عرفه و اضطراری مشعر.

(۳) درک وقوف اختیاری مشعر و اضطراری عرفه.

(۴) درک تنها وقوف اضطراری عرفه و مشعر.

(۵) درک تنها وقوف اختیاری مشعر.

در این پنج صورت حجّش بلا اشکال صحیح است.

(۶) درک تنها وقوف اضطراری مشعر، که در این صورت نیز بعید نیست که حجّش صحیح باشد، اگرچه احتیاط در اعاده حجّ در سال آینده است.

(۷) درک تنها وقوف اختیاری عرفه با عبور از مشعر در شب عید، که اقوی صحت حجّ است.

(۸) درک وقوف اختیاری عرفه با عدم عبور از مشعر در شب عید، که در این صورت حجّش باطل است.

(۹) درک تنها وقوف اضطراری عرفه که در این صورت نیز بودن شک، حجّش باطل است و بدل به عمره می شود.

(۴) رمی جمره عقبه

(مسأله ۲۱۵): زمانی که افتاب روز عید طلوع کند، حجاج به منی کوچ می کنند و رمی جمره عقبه انجام می دهند و آن واجب چهارم از واجبات حجّ می باشد.

(مسأله ۲۱۶): رمی جمره عقبه شش شرط دارد:

۱) (نیت و قصد قربت، و بهتر است چنین نیت کند: " هفت ریگ به جمره عقبه می زنم از جهت حج تمتع از فرض حَجَّةُ الْاِسْلَام قَرِبَةً لِلَّهِ "

۲) (عدد ریگها باید هفت باشد و کمتر از آن کفایت نمی کند و چیزهای دیگر مثل آهن و شیشه و امثال آن نیز کفایت نمی کند.

۳) (زدن ریگ ها یکی پس از دیگری باشد و زدن دو تا یا بیشتر باهم، کفایت نمی کند.

۴) (رسیدن ریگ ها به جمره، پس مجرد پرتاب کردن کفایت نمی کند اگر اصابت به جمره نکند.

۵) (رسیدن به جمره به سبب پرتاب کردن باشد، پس اگر ریگ را به جمره بگذارد کافی نیست ولی اگر ریگ را پرتاب کند و در هوا به ریگی که بقیع حجاج پرتاب می کنند، برخورد کند و بعد به جمره اصابت نماید اشکال ندارد. و اگر ریگ به دیوار پهلوی جمره اصابت کند و یا به انسان دیگری برخورد نماید و بعد به جمره برسد کفایتش محل اشکال است و احتیاط واجب آن است که در عوض آن، ریگ دیگری پرتاب کند.

۶) (آنکه رمی جمره بین طلوع و غروب آفتاب، در روز باشد ولی زنان و پیرمردان و بیماران که کوچ نمودن از مشعر در شب برایشان جائز است رمی جمره نیز در شب، برایشان جائز است.

(مسئله ۲۱۷): هر گاه شک کند ریگی را که پرتاب کرده به جمره رسیده یا نه، باید ریگ دیگری پرتاب کند تا یقین کند که هفت ریگ به جمره رسیده است.

(مسئله ۲۱۸): در این زمان که بر ارتفاع جمره افزوده اند، رمی برمقدار زائد، محل اشکال است و مقتضای احتیاط واجب اکتفا نکردن به آن است، و اگر از جهت ازدحام نتواند رمی انجام دهد، نایب بگیرد تا همان جمره سابق را رمی کند و خودش مباشرةً به مقدار زائد رمی کند.

(مسئله ۲۱۹): سنگهای رمی باید از داخل حرم باشد پس اگر از خارج حرم باشد کفایت نمی کند و مستحب آن است که از مشعر باشد، و احوط آنست که بکر باشد، یعنی قبلاً در رمی استعمال نشده باشد.

(مسئله ۲۲۰): هرگاه کسی از روی ندانستن مسئله یا فراموشی، روز عید رمی جمره عقبه را ننماید باید هر وقت که یادش بیاید یا مساله را بفهمد یا روز سیزدهم، باید رمی نماید و اگر شب، یادش بیاید باید روز بعد آنرا تدارک کند.

(مسئله ۲۲۱): هرگاه تا روز سیزدهم یاش نیامد و یا حکم مسئله را ندانست و بعد از آن متوجه شد، احتیاط این است که رمی را خودش انجام دهد و در سال نیز خودش یا نایبش بجا آورد.

(مسأله ۲۲۲): هرگاه بعد از خروج از مکه یادش آمد رمی نکرده است لازم نیست برگردد، بلکه در سال بعد خودش یا نائیش، بنابر احتیاط آنرا انجام دهد.

(مسأله ۲۲۳): هرگاه از روی نادانی یا فراموشی، روز عید رمی نکنند و پس از طواف حج، مسأله را بدانند و یادش بیاید و تدارک کند، اعاده طواف بر او لازم نیست ولی احوط است.

(مسأله ۲۲۴): هرگاه رمی جمره را عمداً ترک کند و طواف حج را انجام دهد، ظاهر این است که طوافش باطل است و واجب است که بعد از تدارک رمی، طواف را انجام دهد.

(مسأله ۲۲۵): مستحب است ریگ های جمره، رنگین و نقطه دار و سست باشد و بزرگیش به مقدار یک بند انگشت باشد و نیز مستحب است اینکه رمی کننده، با طهارت و پیاده باشد.

۵) ذبح و نحر در منی

(مسأله ۲۲۶): بعد از رمی جمره عقبه در روز عید، قربانی کردن واجب است و آن واجب پنجم از اعمال حج تمتع می باشد و قصد غربت در آن معتبر است و بهتر این است که چنین نیت کند: " قربانی می کنم این گوسفند یا گاو یا شتر را از جهت حج تمتع از فرض حَجَّةُ الْاِسْلَامِ قَرَبَةً اِلَى اللّٰهِ "

(مسأله ۲۲۷): واجب است قربانی را در روز انجام دهد و اگر ترس از دشمن داشته باشد، می تواند در شب انجام دهد.

(مسأله ۲۲۸): ذبح یا نحر قربانی واجب است که در منی باشد، و اگر از جهت تغییر محل قربانی، ذبح و نحر در منی ممکن نباشد، و تأخیر انداختن آن تا اواخر ذی الحجه، موجب عسر و حرج نوعی باشد، می تواند ذبح و نحر را در خارج منی انجام دهد و اگر تأخیر موجب عسر و حرج نباشد، صبر می کند و طواف و سعی را بعد از ذبح انجام می دهد، اگر چه بعد از ایام تشریق باشد.

(مسأله ۲۲۹): دانسته باشد که وجوب قربانی، بعد از رمی جمره عقبه می باشد ولی اگر از جهت فراموشی یا جهل، قربانی را پیش از رمی جمره عقبه انجام دهد، صحیح است و محتاج به اعاده نیست.

(مسأله ۲۳۰): احتیاط واجب آن است که ذبح یا نحر در روز عید باشد و از آن تأخیر نیندازد، ولی اگر فراموش کند و یا جاهل به حکم باشد و تأخیر اندازد، باید در ایام تشویق انجام دهد و از آن عملاً تأخیر نکند (ایام تشویق، یازدهم، دوازدهم، و سیزدهم می باشد) و اگر عذر ادامه یابد، تا آخر ذیحجه هر وقت متذکر شود انجام دهد و اگر عذر ادامه یابد، تا تا ذیحجه منقضی شود، باید در ذیحجه سال آینده خودش یا نائش انجام دهد.

(مسئله ۲۳۱): هر گاه قربانی را فراموش کند و طواف زیارت را انجام دهد و بعد از آن متوجه شود باید به منی برگردد و قربانی بنماید و اعاده طواف واجب نیست ولی احوط است، و اگر عمداً طواف را بر قربانی تقدیم اعاده طواف بعد از قربانی واجب است، زیرا مقدم نمودن طواف، بر قربانی جائز نیست.

(مسئله ۲۳۲): بر هر فرد از حجاج در حجّ تمتّع قربانی واجب است و یک قربانی از دو نفر کفایت نمی کند.

(مسئله ۲۳۳): قربانی یا شتر، یا گاو و یا گوسفند باشد، و اگر شتر باشد باید پنج سال را تمام نموده داخل در سال ششم باشد، و اگر گاو باشد باید یکسال را تمام نموده داخل در سال دوم باشد و اگر بز باشد نیز باید در سال دوم داخل شده باشد ولی احتیاط در گاو و بز این است که دو سال را تکمیل نموده، داخل سال سوم شده باشد و اگر گوسفند باشد باید هشت ماه داشته باشد و کمتر از آن کافی نیست و احتیاط این است که یکسالش تمام و داخل سال دوم باشد.

(مسئله ۲۳۴): هر گاه پس از قربانی کردن معلوم شد اینکه قربانی به سن معتبر نبوده باید قربانی دیگر که دارای سن معتبر باشد بنماید.

(مسئله ۲۳۵): قربانی باید صحیح و سالم باشد و قربانی، شاخ شکسته و لنگ و گوش بریده و لاغر در نزد عرف و کور و شل و اخته شده، کفایت نمی کند.

(مسئله ۲۳۶): قربانی اگر موجوء (رگ مالیده) و مرضوض (تخم کوبیده) و گوش سوراخ یا مشقوق (شق شده) و یا پیر که مغز استخوانش آب شده و یا در اصل خلقت شاخ و یا دم نداشته و یا مریض باشد، کفایت می کند ولی احوط این است که از این عیبها هم سالم باشد.

(مسئله ۲۳۷): هر گاه قربانی را به عقیده اینکه سالم است، خریداری نماید و قیمتش را بپردازد، بعد معلوم شود عیبی دارد، بعید نیست که مجزی باشد ولی احوط عدم اکتفاء به آن است.

(مسئله ۲۳۸): شرائط و اوصافی که برای قربانی ذکر شد، اختصاص به حال تمکن دارد پس اگر واجد شرائط میسر نشود، هرآنچه میسر شود کافی است.

(مسئله ۲۳۹) هر گاه قربانی را به عقیده اینکه چاق است ذبح نماید و بعد از آن معلوم شود که لاغر بوده کافی است و لازم نیست که قربانی چاق دیگری تهیه نماید.

(مسأله ۲۴۰): هرگاه ذبح یا نحر کند و بعد از آن شک نماید که آیا قربانی واجد شرائط بوده، یا نه، اگر احتمال می دهد که شاید احراز شرائط را هنگام ذبح نموده باشد کافی است و حکم به صحت قربانی می شود.

(مسأله ۲۴۱): هر گاه بعد از قربانی شک کند که در منی واقع شده یا در خارج منی، پس اگر احتمال می دهد که شرطیت منی را احراز کرده است کافی است.

(مسأله ۲۴۲): هر گاه شک کند که آیا قربانی کرده است یا نه، پس اگر شک بعد از حلق باشد، بنا را بر این که قربانی کرده است بگذرد، و اگر شکش پیش از تراشیدن سر باشد، باید قربانی بنماید.

(مسأله ۲۴۳): هر گاه شک کند که آیا این قربانی را که تهیه نموده چاق است یا لاغر و به امید اینکه چاق باشد و شاید امتثال امر خداوند شود آنرا ذبح یا نحر نماید، پس اگر به شک خود باقی باشد کفایت نمی کند و همچنین است اگر کشف شود که لاغر است، و اگر کشف شود که چاق بوده کفایت می کند.

(مسأله ۲۴۴): هر گاه حیوان سالمی را برای قربانی خریداری نماید و بعد از آن مریض شود یا بعضی از اعضایش بشکند و یا عیب دیگری بر او عارض شود، برای قربانی کافی است و لازم نیست آنرا عوض نماید و قربانی دیگری بخرد.

(مسأله ۲۴۵): هر گاه قربانی خرید و آن قربانی گم شد، باید قربانی دیگری عوض آن بخرد، پس اگر اولی پیش از کشتن دومی پیدا شود، اولی را بکشد و نسبت به دومی مخیر است که بکشد یا نکشد و در حکم سایر اموال او خواهد بود و احتیاط استحبابی در ذبح آن است، و اگر اولی بعد از ذبح دومی پیدا شود، احتیاط این است که اولی را نیز ذبح کند.

(مسأله ۲۴۶): اگر حاجی نتواند قربانی پیدا کند باید پولش را نزد امینی بگذارد تا قربانی بخرد و تا آخر ذیحجه، از جانب از ذبح کند و اگر ماه ذیحجه گذشت نباید قربانی کند مگر در ذیحجه سال آینده، و روزه بدل هدی بر او واجب نیست.

(مسأله ۲۴۷): کسی که نه قربانی دارد و نه پولش را، بجای قربانی باید ده روز روزه بگیرد، سه روزش را در حج یعنی روزهای هفتم و هشتم و نهم ذیحجه روزه بگیرد و هفت روز دیگر را در وطن بعد از مراجعت روزه بگیرد و احتیاط این است که پی در پی بگیرد و اما سه روز اول را که در ایام حج می گیرد، باید پی در پی باشد.

(مسأله ۲۴۸): اگر حاجی قدرت به قربانی نداشت و روز هفتم و هشتم و نهم را در مکه روزه گرفت و بعد از اعمال حج به وطن برنگشت و در مکه ماند واجب است صر کند تا حجاج به اوطانشان برگردند و آن وقت هفت روز باقی مانده را روزه بگیرد و یا ماه صبر کند و بعد از آن هفت روز، روزه بگیرد.

(مسأله ۲۴۹): کسی که وظیفه اش روزه گرفتن است، اگر نتواند روز هفتم را روزه بگیرد، باید روز هشتم و نهم را روزه بگیرد، و یک روز باقی مانده را بعد از بازگشت از منی روزه بگیرد، و اگر روز هشتم را نیز نتواند روزه بگیرد، هر سه روز را تا برگشت از منی به تأخیر بیندازد، و احتیاط این است که بعد از بازگشت، هرچه زودتر روزه ها را بگیرد و بدون عذر نباید تأخیر کند.

(مسأله ۲۵۰): اگر بعد از بازگشت از منی نتواند روزه بگیرد، این سه روز را در راه بازگشت به وطن روزه بگیرد در سفر، و اگر در سفر نگرفت باید بعد از مراجعت به وطن روزه بگیرد ولی بین سه روز و هفت روز، فاصله بیندازد و ده روز راه، پی در پی نگیرد.

(مسأله ۲۵۱): اگر تا اول محرم سه روز را روزه نگرفت، روزه از او ساقط می شود و باید در سال آینده قربانی بنماید.

(مسأله ۲۵۲): کسی که نه قربانی دارد و نه پولش راه، و سه روز، روزه گرفت و بعد از آن قربانی برایش میسر شد، بنابر احتیاط قربانی بر او واجب است.

(مسأله ۲۵۳): کسی که نمی تواند به تنهایی، قربانی تهیه کند ولی می تواند با دیگری شرکت نماید، احوط این است که بین روزه به ترتیبی که گفته شد و شرکت در قربانی، جمع نماید.

(مسأله ۲۵۴): در قربانی مباشرت شرط نیست، پس می شود انسان کسی را وکیل بگیرد که از جانب او قربانی بنماید، و اگر شک کند که وکیل قربانی نموده یا نه؟ بنا بگذارد که قربانی نکرده، ولی اگر وکیل مورد وثوق باشد و بگوید قربانی کردم، کافی است و این واجب از او ساقط می شود و همچنین است حال در کفّاره.

(مسأله ۲۵۵): نیت در کفّاره و قربانی باید از موکّل و منوب عنه تاهنگام ذبح مستمر باشد، و احتیاط این است که کشنده نیز نیت نیابت از او را بنماید با قصد تقرب.

(مسأله ۲۵۶): شرایطی که در قربانی معتبر است در کفّاره معتبر نیست، اگر چه احتیاط در مراعات آن است.

مصرف قربانی

(مسأله ۲۵۷): احتیاط این است که قربانی را سه قسمت کند، یک قسمت را به فقیر مؤمن صدقه دهد و یک قسمت را برای برادر مؤمن هدیه کند و قسمت سوم را برای خود قرار دهد و چیزی از آن نخورد.

(مسأله ۲۵۸): سهم فقیر را لازم نیست به خود فقیر بدهد، بلکه اگر به وکیل فقیر مؤمن هم بدهد کافی است، و وکیل در آن طبق اجازه موکّل تصرف می کند چه در بخشیدن یا فروختن و یا اعراض از آن و اگر خود

حاجی، وکیل فقیر باشد، به وکالت او هر گونه اجازه داده باشد تصرف می کند.

(مسأله ۲۵۹): صدقه دادن باید به مؤمن فقیر باشد و چون در منی مؤمن فقیر پیدا نمی شود، لہذا باید حجاج محترم هنگام حرکت از وطن، از مؤمن فقیر وکیل شوند تا در ثلث قربانی طبق دستور او عمل کنند.

(مسأله ۲۶۰): تقسیم و جدا نمودن هر قسمت را از دیگری، در خارج واجب نیست و همینکه یک سوم (ثلث) را به نحو مشاع به وکیل فقیر مؤمن بدهد و یک سوم (ثلث) را به نحو مشاع به وکیل فقیر مؤمن بدهد و یک سوم (ثلث) را برای برادر مؤمن هدیه کند و از یک سوم (ثلث) باقیمانده، چیزی بخورد کافی است.

(مسأله ۲۶۱): بعد از آنکه برادر مؤمن و مؤمن فقیر، قسمت هدیه و صدقه را قبول و قبض کنند، هر نحو تصرف در آن حتی بخشیدن به غیر مؤمن و یا اعراض برایشان جائز است.

(مسأله ۲۶۲): هرگاه قربانی را کشت و بعد از آن کسی به زور ببرد و یا سارق آن راسرقت کند و یا به افت سماوی تلف شود، صاحب قربانی ضامن نیست. ولی اگر خودش به غیر مومن صدقه بدهد یا هدیه کند، از برای دو ثلث آن ضامن می باشد بنا بر احتیاط، و همچنین است اگر عمداً تلف کند.

۶) حلق یا تقصیر

(مسأله ۲۶۳): واجب ششم از واجبات حجّ تمتّع حلق (سر تراشیدن) یا تقصیر (گرفتن مقداری از مو یا ناخن) است، و قصد قربت در آن معتبر است و احتیاط این است که بعد از رمی جمره و قربانی در روز عید انجام شود، ولی تقدیم آن بر رمی جمره یا قربانی و یا هر دو از جهت نادانی یا فراموشی مجزی است و اعاده لازم نیست.

(مسأله ۲۶۴): بر زنان تقصیر متعیّن است و سر تراشیدن جائز نیست.

(مسأله ۲۶۵): مردان بین حلق و تقصیر، مخیرند که هر کدام را خواسته باشند اختیار کنند ولی حلق (سر تراشیدن) افضل است.

(مسأله ۲۶۶): سروره (کسی که بار اول حجّ می کند) بنا بر احتیاط باید حلق نماید و کسانی که موی سر را بافته و یا با صمغ یا عسل چسبانیده یا موی سر را در هم پیچیده و گره زده اند، باید سر را تراشند و تقصیر برایشان کافی نیست.

(مسأله ۲۶۷): کسی که می خواهد سر بترشد و می داند که سلمانی سر او را زخمی خواهد کرد، باید اول تقصیر کند و مقداری از موی سر خود را چیده و سپس سر را بترشد.

(مسأله ۲۶۸): خنثای مُسْکِل، اگر موی سر خود را نچسبانده یا نبافته باشد، باید تقصیر نماید و اگر بافته یا چسبانده باشد، باید هم تقصیر و هم حلق نماید و احتیاطاً تقصیر را بر حلق، مقدم بدارد.

(مسأله ۲۶۹): بعد از حلق یا تقصیر، آنچه بر محرم حرام شده بود حلال می شود، بجز زن و بوی خوش و بنا بر احتیاط شکار.

(مسأله ۲۷۰): هر گاه از روی فراموشی یا نداشتن حکم، پیش از حلق و تقصیر از منی خارج شود، باید به منی برگردد و در آنجا سرخود را بتراشد یا تقصیر نماید، و اگر بازگشتن به منی دشوار یا غیرممکن باشد در همان جا که متوجه شده سرش را بتراشد یا تقصیر کند و موی خود را در صورت امکان به منی بفرستد.

(مسأله ۲۷۱): هر گاه از روی فراموشی یا نادانی، حلق و تقصیر نکرد و بعد از فراغ از اعمال حج، متوجه شد و آن را تدارک نمود، اعاده طواف احوط است، بلکه احوط اعاده سعی نیز هست، خصوصاً اگر از مکه خارج نشده باشد.

۷.۸.۹) طواف حجّ و نماز طواف وسیعی

(مسأله ۲۷۲): هفتم و هشتم و نهم از واجبات حج، طواف و نماز طواف و سعی است، و شرائط و کیفیت این سه واجب، عین شرائط می باشد و کیفیت طواف عمدۀ تمتّع و نماز و سعی آن می باشد.

(مسأله ۲۷۳): طواف حجّ تمتّع، باید بعد از حلق یا تقصیر باشد، و اگر با علم و عمد طواف را پیش از حلق یا تقصیر انجام دهد، واجب است بعد حلق یا تقصیر آنرا اعاده نموده و یک گوسفند کفّاره دهد.

(مسأله ۲۷۴): مقتضای احتیاط این است که طواف را روز دهم یازدهم انجام دهد، اگر چه تأخیر آن تا آخر ایام تشویق (۱۳.۱۲.۱۱ ذیحجه) جائز است ولی افضل، روز عید و بعد از آن روز یازدهم است.

(مسأله ۲۷۵) پیش انداختن طواف حجّ و نماز و سعی بر وقوفین در حجّ تمتّع جائز نیست، مگر برای پیران و یا زنی که بیم حیض شدن دارد و یا مریض، که برای اینها جائز است طواف و نمازش را پیش از وقوفین انجام دهند و سعی را در وقت خودش انجام دهند، و احواط این است که سعی را نیز مقدم داشته و در وقت خودش نیز، انجام دهند و اولی و افضل این است که در صورت امکان در ایام تشویق، طواف و نمازش را اعاده کنند.

(مسأله ۲۷۶): کسی که از مراجعت به مکه بعد از حلق و تقصیر، برجان خود می ترسد می تواند از طواف حجّ و نماز و سعی را بر وقوفین، مقدم

بدارد و بلکه تقدیم طواف نساء نیز اشکال ندارد و بعد از اعمال منی هر جا دلش بخواهد برود.

(مسأله ۲۷۷): کسی که داخل شدن در مسجد الحرام برایش جائز نیست مثل زن حائض یا نفساء و نتواند تا پاک شدن، در مکه بماند که طواف کند برایش جائز است برای طواف و نماز نائِب بگیرد و پس از طواف نائِب، خودش سعی را انجام دهد.

(مسأله ۲۷۸): هر گاه در حج تمتع، طواف حج و نماز و سعی را انجام دهد، بوی خوش برایش حلال می شود و از محرّمات احرام، فقط زن و بنا بر احتیاط شکار باقی می ماند.

(مسأله ۲۷۹): هر گاه طواف زیارت و سعی را انجام دهد، عقد نکاح برایش حلال می شود، ولی مقتضای احتیاط، اجتناب از مطلق استمناع به زن می باشد و اما جماع به حرمت باقی است تا اینکه طواف نساء را انجام دهد.

(مسأله ۲۸۰): برای کسانی که تقدم طواف و سعی بروقفین، برایشان جائز است و آنها را انجام دهند، بوی خوش (طیب) برایشان حلال نمی شود تا اینکه مناسک منی را انجام دهند و وقتی که رمی و رنج و حلق یا تقصیر را انجام دهند، بوی خوش (طیب) برایشان حلال می شود.

(۱۰ . ۱۱) طواف نساء و نماز آن

(مسأله ۲۸۱): واجب دهم و یازدهم از واجبات حج، طواف نساء و نماز آن است و این دو اگر چه واجب است ولی از اجزا و مناسک حج نیست، به قسمتی که اگر ترک شود، حجّ باطل نمی شود ولی زن به حرمت باقی می ماند و با قطع نظر از حرمت زن، طواف نساء فی نفسه واجب، و ترکش جائز نیست و بر پیرمردی که اصلاً میل به زن ندارد نیز واجب است، و همچنین بر پیرزن و خنثی.

(مسأله ۲۸۲): گفته شد که طواف نساء همچنانکه بر مردان واجب است بر زنان نیز واجب است و اختصاص به مردان ندارد و اگر زن آن را ترک کند، بر علاوه اینکه ترک واجب نموده مرد نیز بر او حرام است.

(مسأله ۲۸۳): کسی که به نیابت دیگری حجّ را انجام می دهد، طواف نساء را نیز از طرف منوب عنه و به نیابت او انجام می دهد، ولی اگر آن را ترک کند بر علاوه اینکه عمل نیابتی را کامل انجام نداده ترک واجب کرده، زن نیز بر نائب حرام است.

(مسأله ۲۸۴): طواف نساء و نمازش در شرائط و کیفیت، عیناً مثل طواف حجّ و نماز آن است.

(مسأله ۲۸۵): کسی که به جهت مرض یا پیروی نمی تواند طواف نساء را بجا آورد، از دیگری کمک بگیرد و آنرا انجام دهد، اگر چه بر دوش انسان یا پشت حیوانی سوار شود، و اگر به این نحو هم نتواند، باید دیگری را نائب بگیرد و این حکم در نماز طواف نیز جاری است.

(مسأله ۲۸۶): کسی که عمداً با دانستن حکم یا ندانستن یا فراموشی، طواف نساء را انجام ندهد، زن به حرمت خود باقی می ماند تا اینکه آنرا انجام دهد و اگر انجام دادن آن برایش غیرممکن یا دشوار باشد می تواند نائب بگیرد و وقتی که نائب آنرا انجام دهد، زن بر منوب عنه حلال می شود، و اگر پیش از آنکه طواف نساء را خودش یا نائیش انجام دهد بمیرد، احتیاط این است که از ترکه اش قضاء آن انجام داده شود.

(مسأله ۲۸۷): تقدیم طواف نساء بر سعی جائز نیست، و کسی که عمداً آنرا بر سعی مقدم دارد، واجب است بعد از سعی آنرا اعاده کند، و بنا بر احتیاط اعاده واجب است، حتی اگر آنرا از روی نادانی یا فراموشی بر سعی مقدم دارد.

(مسأله ۲۸۸): کسی که از روی عذر طواف نساء را بر و قوفین، مقدم دارد تا وقتی که مناسک منی را انجام نداده، زن بر او حلال نمی شود.

(مسئله ۲۸۹): هر گاه زن حائض شود و قافله تا پاک شدن او منتظر نماند، بنا بر احتیاط می تواند برای طواف نساء و نمازش نائب بگیرد و با قافله حرکت کند.

(مسئله ۲۹۰): هرگاه زن در حال طواف، بعد از تجاوز نصف آن حائض شود، باید آنرا ترک کند و می تواند با قافله خارج شود و احتیاط این است که برای بقیه طواف و نماز آن نائب بگیرد.

(مسئله ۲۹۱): فراموشی نماز طواف نساء، مثل فراموشی نماز طواف حج می باشد، پس اگر در مکه یادش آمد به مسجدالحرام برمی گردد و آنرا بجا می آورد، و اگر از مکه خارج شده باشد و برگشتن موجب عسر و حرج نباشد، بر می گردد و آنرا انجام می دهد و اگر برگشتن غیر ممکن یا دشوار باشد، هر جا که یادش آمد آنرا انجام می دهد.

(مسئله ۲۹۲): در حج تمتع، هر گاه طواف نساء و نماز آنرا بجا آورد، زن بر او حلال می شود، و اگر زن بجا آورد مرد بر او حلال می شود ولی بنا بر احتیاط حرمت شکار از جهت احرام تا ظهر روز سیزدهم بر حاجی باقی می ماند، و اما شکار در حرم و کندن درخت و گیاه حرم اختصاص به محرم ندارد بلکه برای شخص مُحِلٌ نیز حرام است.

(۱۲) بیتوته در منی

(مسأله ۲۹۳): واجب دوازدهم از واجبات حج، بودن در منی است با قصد قربت در شب یازدهم و دوازدهم، پس اگر حاجی روز دهم از جهت طواف زیارت و سعی به مکه برود باید شب به منی برگردد و در آنجا بماند، و اگر روز یازدهم به مکه برود نیز، واجب است برگردد و شب دوازدهم را در منی بماند، و کسی که در حال احرام از صید اجتناب نکرده باشد، شب سیزدهم نیز واجب است در منی باشد و همچنین است بنابر احتیاط، کسی که در حال احرام با زن نزدیکی کرده باشد، پس او نیز شب سیزدهم در منی بیتوته می کند و برای غیر اینها جائز است روز دوازدهم، بعد از زوال از منی کوچ کند ولی اگر تا شب کوچ نکند، واجب است که شب سیزدهم نیز در منی بماند.

(مسأله ۲۹۴): هر گاه آماده برای خروج از منی شود و از جای خود حرکت کند، ولی از جهت ازدحام نتواند قبل از مغرب از منی خارج شود، پس اگر ماندن برایش در منی ممکن باشد، واجب است شب بماند و اگر ممکن نیست یا ماندن در آنجا دشوار باشد، جائز است که کوچ کند و احتیاطاً یک گوسفند کفاره بدهد.

(مسأله ۲۹۵): کسی که بودن شب در منی بر او واجب است، بودن روز در منی، بیش از مقدار زمان رمی جمره ها، بر او واجب نیست و بعد از رمی جمره ها می تواند هر جا بخواهد برود.

(مسأله ۲۹۶): شب ماندن در منی از اول شب تا آخر آن واجب نیست، بلکه واجب بودن در منی از اول شب تا بعد از نصف شب و یا قبل از نصف شب تا طلوع فجر می باشد، ولی کسی که از اول شب تا بعد از نصف آن، در منی می ماند و بعد از نصف شب از آنجا خارج می شود، سزاوار است که پیش از طلوع فجر وارد مکه نشود.

(مسأله ۲۹۷): بیتوته (شب ماندن) در منی بر چند طائفه واجب نیست:

(۱) اشخاص معذور مثل مریض و پرستار و کسی که بر جان و مال خود در منی بترسد.

(۲) کسی که در مکه تمام شب مشغول عبادت باشد و به جز حاجات ضروری مثل خوردن، آشامیدن، تطهیر کردن و امثال آنها، کار دیگری نداشته باشد.

(۳) کسی که طواف کعبه معظمه را نموده و در عبادت باقی مانده و سپس از مکه بیرون رفته و از عقبه مدینین گذشته باشد، چنین شخصی می تواند در راه بیتوته نماید و لازم نیست خود را به منی برساند.

(مسأله ۲۹۸): برای سه طائفه فوق الذکر، تأخیر در رجوع به منی، به مقداری که رمی، جمره های سه گانه در روز یازدهم و دوازدهم فوت نشود، جائز است.

(مسأله ۲۹۹): کسی که بیتوته در منی را در شب یازدهم یا دوازدهم عمداً ترک کند، واجب است که یک گوسفند کفاره دهد و اگر در هر دو شب ترک کند، دو گوسفند کفاره بدهد و مقتضای احتیاط، کفاره دادن است و در صورتی که ترک بیتوته از جهت جهل به وجوب آن یا نسیان وجوب باشد، و همچنین احتیاط در کفاره دادن معذور است، و اما بر کسی که در شب مشغول عبادت در مکه بوده یا اینکه طواف و سعی را در مکه انجام داده باشد و به سوی منی خارج شده و از جهت راه بندان، پیش از طلوع صبح به منی نرسیده، در صورتی که از عقبه مدینین گذشته باشد، کفاره نیست.

(مسأله ۳۰۰): هرگاه در روز دوازدهم از منی کوچ کند ولی بعد از مغرب، در شب سیزدهم به جهت کاری به منی بر گردد، واجب نیست که در منی بیتوته کند بلکه می تواند از منی برود.

(۱۳) رمی جهرات

(مسأله ۳۰۱): واجب سیزدهم از واجبات حج، رمی جمره های سه گانه در روزهای یازدهم و دوازدهم می باشد، و هر گاه شب سیزدهم در منی بماند، رمی جمره ها در روز سیزدهم نیز بنا بر احتیاط واجب خواهد بود.

(مسأله ۳۰۲): رمی جمره ها در حال اختیار، واجب مباحثی می باشد، پس در صورت قدرت و نبودن حرج و مشقت، نائب گرفتن جایز است.

(مسأله ۳۰۳): ترتیب بین رمی جمره های سه گانه واجب است، پس باید اول جمره اولی، پس از آن وسطی و سپس عقبه را رمی کند، پس اگر به خلاف این ترتیب رمی کند واجب است به طوریکه ترتیب حاصل شود رمی کند، هر چند مخالفت از روی نادانی یا فراموشی باشد، ولی اگر جمره سابق چهار ریگ و فراموش نمود و پس از آن جمره بعدی را هفت ریگ زد واجب نیست رمی جمره را از اول اعاده کند، بلکه اگر سه ریگ دیگر به جمله سابق بزند، کافی است.

(مسأله ۳۰۴): شرایطی که در رمی جمره عقبه در روز عید، ذکرشد در رمی جمره های سه گانه در روز یازدهم و دوازدهم نیز معتبر است. رجوع شود به مسئله ۲۱۶

(مسأله ۳۰۵): رمی جمره ها باید در روز باشد، پس کسانی که در روز رمی نمی تواند، مانند چوپان و غلام و بدهکاری که می ترسد گرفتار شود، و هر کسی که بر جان و مال و ناموس خود بترسد، می تواند در شب آن روز رمی کند، و همچنین است پیرمرد و زن و بچه که بر جان خود از اذحام می ترسند.

(مسأله ۳۰۶): هرگاه رمی روز یازدهم را فراموش کند، واجب است روز دوازدهم آن را نماید و هر گاه رمی روز دوازدهم را فراموش کند واجب است قضای آن را در روز سیزدهم به جا آورد، و احتیاط این است که بین

اداء همان روز و قضاء روز قبل فاصله بیندازد. پس اول قضای روز قبل را طرف صبح انجام دهد و اداء آن روز را هنگام زوال .

(مسأله ۳۰۷): هر گاه رمی را در منی فراموش کند، پس از کوچ به مکه، یادش بیاید واجب است به منی برگشته و رمی نماید. و هر گاه فراموش شده، رمی دو یا سه روز باشد، احتیاط این است که بین رمی یک روز و روز دیگر مقدار یک ساعت فاصله بیندازد و هرگاه بعد از خارج شدن از مکه یادش بیاید رجوع به او واجب نیست، بلکه باید فضای آن را بنا بر احتیاط در سال آینده خودش یا نائیش انجام دهد.

(مسأله ۳۰۸): مریضی که امید ندارد تا مغرب حالش خوب شود، باید برای رمی جمرات نائب بگیرد و اگر اتفاقاً پیش از غروب آفتاب بهبودی پیدا کند و حالش خوب شود، احتیاطاً خودش رمی جمرات را انجام دهد.

(مسأله ۳۰۹): حجّ به ترک رمی حجرات باطل نمی شود، اگر چه عمداً آن را ترک کند و بنا بر احتیاط در سال بعد خودش یا نائیش آنرا قضاء کند.

احکام مصدود

(مسأله ۳۱۰): مصدود کسی است که بعد از احرام بستن برای حجّ یا عمره، از انجام اعمال آن منع شود.

(مسئله ۳۱۱): کسی که احرام عمره را بسته و از اتمام آن منع شده، در همان مکان منع، قربانی کند و از احرام خارج می شود، و احتیاط این است که حلق یا تقصیر را نیز در همان مکان انجام دهد.

(مسئله ۳۱۲): مصدود و ممنوع از حج، اگر ممنوع از وقوفین بالخصوص وقوف در مشعر باشد، وظیفه اش قربانی در محل صد (جلوگیری) و بیرون آمدن از احرام است و احتیاط اینست که علاوه بر قربانی، حلق یا تقصیر نیز نماید.

(مسئله ۳۱۳): هر گاه صد و جلوگیری بعد از درک وقوف عرفات و مشعر باشد، چه اینکه پیش از اعمال منی باشد یا بعد از آن، پس اگر تمکن داشته باشد که برای بقیه اعمال نائب بگیرد، احتیاط این است که قربانی را در محل صد، انجام دهد و برای اعمال باقیمانده نائب بگیرد، و اگر تمکن نائب گرفتن نداشته باشد، وظیفه اش قربانی نمودن در محل صد و جلوگیری، است.

(مسئله ۳۱۴) هر گاه بعد از درک وقوفین صد و منع شود از دخول به مکه، در اینجا تنها قربانی کردن کافی است و نائب گرفتن لازم نیست، و اگر به مکه داخل شود و از طواف زیارت و و سعی و طواف نساء منع شود، تنها نائب گرفتن کافی است و قربانی کردن لازم نیست، بنابر احتیاط به جمع هردو وظیفه که در مسئله ۳۱۳ گذشت، احتیاط استحبابی است.

(مسأله ۳۱۵): هر گاه صد و جلوگیری تنها از مناسک منی باشد، پس از نائِب گرفتن ممکن باشد، برای رمی جمرات و زبح، نائِب می گیرد و بعد از آن سر می تراشد یا تقصیر می کند و مُجَل می شود و طواف زیارت و سعی و طواف نساء را در مکه انجام می دهد و اگر نائِب گرفتن ممکن نباشد، باید در محل صد قربانی کند و حلق یا تقصیر نماید و به مکه برگردد از جهت مناسک باقی مانده، و بعد از آن مُجَل می شود نسبت به محرمات احرام و حتی نسبت به زن و حَجَّش صحیح است و فقط رمی جمرات به ذمه اش می ماند که احتیاطاً در سال آینده یا بالمباشره و یا به نیابت انجام میدهد.

(مسأله ۳۱۶): اگر صد و جلوگیری قبل از وقوفین باشد و مصدود، از سالهای پیش مستطیع بوده یا استطاعتش تا سال آینده باقی باشد به قربانی که ذکر شد، حجّ از او ساقط نمی شود، بلکه واجب است در سال بعد، حجّ نماند.

(مسأله ۳۱۷): اگر حاجی بعد از اعمال حج، از بیتوته در منی و رمی حجرات منع شود، حَجَّش صحیح است و برای رمی حجرات، در صورت امکان نائِب بگیرد و اگر ممکن نشود، بنا بر احتیاط در سال بعد نائِب بگیرد.

(مسأله ۳۱۸): هر گاه منع از اتمام اعمال حجّ غیر از صد و حصر، چیز دیگر باشد مثلاً اینکه بعد از احرام بستن، ماشین و سواریش خراب شود یا حیوانی که بر آن سوار است، هلاک شود یا حیوان درنده در راه باشد یا

سرما و گرما به حدی باشد که تحملش ممکن نباشد و امثال اینها، مقتضای احتیاط قربانی نمودن در همانجا است تا از احرام خارج شود.

(مسأله ۳۱۹): شخص مصدود که قربانی می کند، فرق بین اقسام آن (از شتر و گاو یا گوسفند) نیست، و اگر قربانی را قدرت ندارد، بدل آن را که روزه گرفتن است بنابر احتیاط به ترتیبی که گذشت انجام دهد.

(مسأله ۳۲۰): کسی که حجّ خود را به جماع فاسد کرده، مثلاً مصدود شود آیا حکم صد بر او جاری می شود یا نه؟ ظاهر این است که جاری می شود زیرا وظیفه محرمی که حجّ خود را فاسد کرده اتمام همان حجّ است پس در هنگام صد، چون تمام نمی تواند باید قربانی کند و علاوه بر آن کفاره افساد حجّ را نیز بدهد.

(مسأله ۳۲۱): کسی که قربانی همراه خود برده، هر گاه مصدود شود، همان قربانی کفایت می کند و قربانی دیگری بر او واجب نیست.

احکام محصور

(مسأله ۳۲۲): محصور کسی است که به واسطه بیماری و مانند آن، پس از پوشیدن احرامی نتواند اعمال عمره یا حجّ را انجام دهد.

(مسأله ۲۲۳): هر گاه در عمره مفرده محصور شود، مخیر است بین اینکه در مکان حصر قربانی کند و یا اینکه یک قربانی بفرستد و با دوستان خود وقت بگذارد که در آن وقت معین از احرام خارج می شود، و بر چنین

شخصی بعد از به جا آوردن یکی از دو عمل ذکر شده، حلال می شود تمام آنچه که بواسطه احرام حرام شده بود به جز زن، و زن بر او حلال نمی شود، مگر بعد از آنکه خوب شود و عمره مفرده را انجام دهد.

(مسأله ۳۲۴): کسی که در عمره تمتع محصور شود، حکمش حکم سابق است، بجز آنکه زن هم بر این شخص حلال می شود.

(مسأله ۳۲۵): هر گاه در احرام حج محصور شود، باز هم حکمش حکم سابق است و احتیاط این است که با زن نزدیکی نکند تا آنکه طواف حج و سعی طواف نساء را در حج یا عمره مفرد انجام دهد، آن وقت زن بر او حلال می شود.

(مسأله ۳۲۶): هر گاه محصور شود و قربانی خود را بفرستد و بعد از آن مرضش سبک تر شود، اگر گمان کند یا احتمال دهد که حج را درک خواهد نمود، واجب است خود را به حجاج برساند، و اگر هر دو موقف یا فقط مشعر را درک نمود حج را درک نمود حج را درک کرده است، و اگر مشعر را درک نکرده و قربانیش کشته نشده حج او بدل به عمره مفرده می شود و قربانیش کشته شده، از احرام خارج شده و تمام محرّمات بر او حلال شده است به جز زن، و بنا بر احتیاط بر او واجب است که طواف حج و نمازش و سعی و طواف نساء و نمازش را به جا آورد تا زن نیز بر او حلال شود.

(مسئله ۳۲۷): هر گاه حصرش فقط از مناسک و واجبات منی باشد، حکم محصور، بر او جاری نمی شود و برای رمی جمرات و قربانی نأب گرفته و خود، حلق یا تقصیر نموده و به مکه می رود تا مناسکش را انجام دهد، و اگر نأب گیرش نیاید، پول قربانی را نزد شخص امینی به امانت می گذارد که به جای او قربانی کند، و خود، حلق یا تقصیر نموده، به مکه می رود و اعمال مکه را بجا می آورد، و احتیاط این است که رمی را در سال بعد، خودش یا نأبش به جا آورد.

(مسئله ۳۲۸): هر گاه بعد از وقوفین و اعمال منی، فقط از رفتن به مکه و اداء مناسکش محصور شود، برای اداء مناسک مکه نأب بگیرد و وظیفه محصور را نیز بنا بر احتیاط انجام دهد و آن ذبح هدی است و پس از اعمال نأب و ذبح هدی تمام محرّمات احرام، حتی زن بر او حلال می شود.

(مسئله ۳۲۹): هر گاه محصور شود و قربانی را به سوی منی بفرستد و پیش از آنکه هدی به محلش برسد، سرش او را اذیت کند جائز است گوسفندی را در محل حصر ذبح کند یا سه روز روزه بگیرد یا شش مسکین را طعام کند به دادن دو مد طعام به هر مسکین، و سرش را بتراشد.

(مسئله ۳۳۰): محصوری که وقوف معشر را درک نکرده باشد، به واسطه ذبح هدی محل می شود و اگر استطاعتش از سالهای قبل بوده یا

استطاعتش تا سال بعد باقی بماند، حجّ از او ساقط نیست باید در سال آینده حجّ را انجام دهد.

(مسأله ۳۳۱): هر گاه محصور نه قربانی و نه پولش را داشته باشد، باید ده روز روزه بگیرد، چنانچه گذشت

(مسأله ۳۳۲): مستحب است که وقت احرام بستن با پروردگار خود شرط کند، که هر جا نتواند اعمال را از جام دهد از احرام بستن بیرونش آورد. هر چند بیرون آوردن از احرام متوقف به آن شرط نیست، زیرا هر جا که نتوانست و عذر یا مانعی پیدا کرده به وظیفه مصدر و محصور عمل کرد از احرام بیرون می آید، چه شرط مذکور را کرده باشد یا نکرده باشد.

(مسأله ۳۳۳): در گذشته معلوم بود که حجّ تمتّع در بعضی احیان و درب حجّ افراد می شود، لهدابه طور اجمال کیفیت حجّ افراد را بیان می کنیم .

(مسأله ۳۳۴): محشور بین فقها این است که حجّ افراد پیش از عمره به جا آورده می شود و مقتضای احتیاط هم همین است.

(مسأله ۳۳۵): حجّ افراد با حجّ تمتّع در عده ای از اعمال اشتراک دارد و در چند چیز با هم فرق دارند: ۱- حجّ افراد لازم نیست متصل به عمره و در یک سال باشد و حجّ تمتّع در یک سال باید بعد از عمره انجام داده شود چنانچه گذشت. ۲- آنکه در حجّ افراد قربانی لازم نیست ولی در حجّ تمتّع چنانچه بیان شد قربانی لازم است. ۳- آنکه در حجّ افراد جایز است

در حال اختیار طواف زیارت و سعی حجّ را بر وقوفین مقدم نمود ولی در حجّ تمتّع تقدیم جایز نیست. ۴- آنکه احرام حجّ تمتّع باید از مکه باشد، و احرام حجّ افراد از میقات است اگر منزلش دورتر از میقات باشد، و اگر نزدیک تر از میقات باشد از منزلش احرام می بندد. ۵- آنکه عمره حجّ افراد را می شود پیش از حجّ یا بعد از آن انجام داد، و احوط این است که بعد از حجّ انجام دهد ولی در حجّ تمتّع باید عمره پیش از حجّ بجا آورده شود. ۶- آنکه بعد از احرام حجّ افراد جائز است طواف مستحبی انجام داد، ولی در حجّ تمتّع بنابر احتیاط واجب پس از احرام جائز نیست طواف مستحبی انجام داده شود.

(مسأله ۳۳۶): هر گاه در یکی از مواقیت جهت عمره تمتّع احرام بست و وارد مکه شد و نتوانست عمره تمتّع را به جا آورد وظیفه اش عدول به حجّ افراد می باشد مثل زن حائض چنانچه گذشت و همان احرام جهت حجّ افراد کافی است.

مسائل متفرقه

(مسأله ۳۳۷): احرام حجّ باید از مکه بسته شود، و مقتضای احتیاط واجب آن است که از مکه قدیمه احرام ببندد نه از محلات جدیده مثل عزیزیه و شیشه و خنا و امثال آن .

(مسأله ۳۳۸): هرگاه حاجی در شهر مکه قصد اقامه کند و در عرفات و منی و مشعر برود در صورتی که مسافت بین مکه و مناطق مذکوره کمتر از چهار فرسخ باشد در تمام این مناطق وظیفه اش تمام است نه شکسته.

(مسأله ۳۳۹): اگر حاجی قصد داشته باشد در مکه و عرفات و مشعر و منی ده روز بماند نمازش در تمام این امکان شکسته می باشد.

(مسأله ۳۴۰): با آنکه مسجد تنعیم داخل شهر مکه قرار گرفته اگر در آنجا جهت عمره مفرده احرام ببندد باید تا محل اقامت یا مسجدالحرام در ماشین های سرپوشیده نرود و چتر نیز در حال راه رفتن بر سر نگیرد، و اگر زیر سایه برود باید کفاره بدهد.

(مسأله ۳۴۱): مقتضای احتیاط این است که در محلات جدید شهر مکه از تظلیل و زیر سایه مشی کردن اجتناب کند همچنانکه احرام بستن برای حج از آنجا اشکال دارد.

(مسأله ۳۴۲): خدمه کاروان ها که وقوف اختیاری مشعرالحرام رادرک نمی کنند چون قبل از طلوع فجر از مشعرالحرام کوچ می کنند نمی توانند نائب حج شوند .

(مسأله ۳۴۳): قربانی کردن در محل قربانی فعلی که گفته می شود خارج از منی می باشد اشکال دارد پس هر کس برایش مشقت دارد که درمنی

قربانی کند در مذبح فعلی قربانی می تواند و برای کسی که مشقت ندارد باید در منی قربانی کند.

مستحبات سفر

شخصی که اراده سفر مکه یا سفر دیگر را دارد مستحب است که از حضرت جل و علا طلب خیر کند و وصیت بنماید و صدقه بدهد تا آنکه به آن صدقه سلامتی خود را خریداری نماید و وقتی که برای مسافرت مهیا شده مستحب است در خانه خود چهار رکعت نماز در هر رکعتی فاتحه الکتاب و سوره توحید را بخواند و بگوید:

"اللهم انى اتقرب اليك بهنّ فاجعلهنّ خليفتي فى اهلى و مالى".

و مستحب است بدرب خانه خود ایستاده و سه مرتبه از پیش رو و طرف راست و طرف چپ سوره فاتحه و بهمین ترتیب سه مرتبه آیه الکرسی را بخواند و بعد از آن بگوید:

"اللهم احفظنى و احفظ ما معى و سلّمنى و سلّم ما معى و بلّغنى و بلّغ ما معى ببلاغك الحسن الجميل".

مستحبات احرام

مستحبات احرام چند چیز است:

۱ - آنکه قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲ - کسی که قصد حجّ دارد از اول ماه ذی‌القعده و شخصی که قاصد عمره مفرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند و بعضی از فقهاء بوجوب آن قائل شده اند و این قول اگر چه ضعیف است ولی احوط است.

۳ - آنکه پیش از احرام غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است و تقدیم این غسل بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود حائز است و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرامست باز هم اعاده مستحب است و اگر ملکلف در روز غسل نمود آن غسل تا آخر شب آینده کفایت می کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام بحدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

۴- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُوَدِّي فِيهِ فَرَضِي وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَيَّ مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي وَ أَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَ قَبَّلَنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي وَ وَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَ

كَهْفِي وَ حِرْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ رَجَائِي وَ مَنجَايَ وَ دُخْرِي وَ عُدَّتِي
فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي".

۵ - آنکه دو جامه احرام از پنبه باشد.

۶ - آنکه احرام را به ترتیب ذیل ببندد در صورت تمکن بعد از فریضه
ظهر، و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر، و در صورت عدم
تمکن از آن بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد
سوره توحید، و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و شش رکعت أفضل
است، و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را بجا آورد و بر پیغمبر و آل او
صلوات بفرستد آنگاه بگوید:

"اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ وَ اتَّبَعَ
أَمْرَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا
أَعْطَيْتَ وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ
نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تَقْوِيَنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي
فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيَتْ وَ ارْتَضَيْتَ وَ
سَمَّيْتَهُ وَ كَتَبْتَهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَ أَنْفَقْتُ مَالِي ائْتِغَاءً
مَرْضَاتِكَ اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ
إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَإِنْ عَرَّضَ لِي
عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَخَلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَى اللَّهِ إِنْ

لَمْ تَكُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي
وَ مَخْيِي وَ عَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ اُتْنَعِي بِذَلِكَ وَ جَهَّكَ وَ الدَّارَ
الْآخِرَةَ".

مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

۱ - احرام در جامه سیاه بلکه احوط ترک آنست و افضل احرام در جامه سفید است.

۲ - خوابیدن محرم در رخت و بالش زرد رنگ

۳- احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آنستکه مکلف مادامی که در حال احرام است آنرا نشوید.

۴ - احرام بستن در جامه راه راه .

۵ - استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۶- حمام رفتن و اولی بلکه احوط آنست که محرم بدن خود را با کیسه و نحو آن نساید.

۷- لیبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید بلکه احوط ترک آنست.

مستحبات دخول حرم

۱ - همینکه حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید.

۲ - از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جلّ و علا پا برهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۳ - وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: وَأَذَنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُونَكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِنْ أَجَابِ دَعْوَتِكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلِّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَفْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِذَلِكَ الزَّلْفَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ".

۴ - وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آنرا مضغ نماید (یعنی بجود).

مستحبات دخول مکه معظمه

برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل بنماید و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد شود و کسی که از مدینه برود از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

آداب مسجد الحرام و مکه معظمه

مستحب است مکلف برای دخول مسجد الحرام غسل بنماید و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در " بنی شیبه " وارد شود و گفته اند که باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام است و بهتر است اینکه از باب السلام وارد شود و مستقیماً حرکت کند تا از سطونها تجاوز کند، در این صورت دخول او از باب بنی شیبه محقق می شود.

و در در ورودی مسجد بایستد و بگوید:

"السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ".

سپس داخل مسجد شود و دستهای خود را بلند کند و رو به بیت بایستد و بگوید:

"اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامُ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بِلَدِّكَ وَالْبَيْتُ بِبَيْتِكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْمٌ طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ".

و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

"بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

وَرَسُولِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلِّ ثَنَاءً وَجْهَكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَرُؤَاغِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ مَأْتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَأْتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ خ ل) كُفُوًا أَحَدٌ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ اسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِتَائِي بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوْ لَشَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ".

پس سه مرتبه می گوید:

"اللَّهُمَّ فَكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ".

پس می گوید:

"وَأَوْسَعِ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالَ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ".

و مستحب است وقتی که محاذی حجر الأسود شد بگوید:

"أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَمَّا بَالِ اللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدَّيْذَعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ".

پس نزدیک حجر الاسود رفته و آنرا استلام نماید و بگوید:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَخْشَىٰ وَأَخْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ"

و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد ، و سلام بر پیغمبران بدهد چنانچه وقت دخول مسجد سلام میداد آنگاه میگوید:

"أني اومن بوعدك و اوفى بعهدك "

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجر الاسود رسیدی دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را بجا آور، و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حجّ تو را قبول کند پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما. و اگر بوسیدن ممکن نشد با دست استلام نما، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

"اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَعِبَادَةَ الشَّيْطَانِ وَعِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ".

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

"اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمْتَ رَغْبَتِي فَاقْبَلْ سُبْحَتِي وَأَغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ".

آداب و مستحبات طواف

در حال طواف، مستحب است بگوید:

"اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى ظِلِّ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي ذَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأْتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا".

و حاجت خود را بطلبد و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

"اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِيْرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ
إِسْمِي".

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه
کعبه می‌رسد. و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان نگاه نموده
و بگوید:

"اللَّهُمَّ أَذْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَأَجْرِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَعَافِنِي مِنَ السَّمِّ وَأَوْسِعْ
عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ
الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ".

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

"يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلُهُ
مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ".

و چون به رکن یمنی برسد دست بردارد و بگوید:

"يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمُ بِالْعَافِيَةِ وَالْمَنَّانُ
بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَّفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَرَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ
الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ".

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا
وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا اللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ".

و چون میان رکن یمان و حجر الأسود برسد بگوید:

"رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ".

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

"اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنَكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ".

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که انشاء الله تعالی مستجاب خواهد شد بعد بگوید:

"اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي
وَأَعْفِرْ لِي مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ".

و آنچه خواهد دعا کند، و رکن یمان را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

"اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي".

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط آرکان خانه کعبه و حجر
الأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید:
"أَمَاتِي أَدِّيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ".

مستحبات نماز طواف

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در
رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا
آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول
نماید، و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از
نماز طواف به سجده رفته و چنین میگفت:

"سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعَبْدًا وَرِقًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ
وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَهَذَا نَادَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا
يَعْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَذْفَعُ
الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ".

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب
فرو رفته باشد، و بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی مستحبست
بنزد چاه زمزم رفته یک یا دو دلو آب بکشد و آنرا به سر و پشت و شکم
خود بریزد و بگوید:

"اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ".

پس از آن به نزد حجر الاسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجرالاسود است به صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالاسود در او است رو نماید و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و از نعمتهای الهی به خاطر اندازد
آنگاه این اذکار را بگوید:

" الله اکبر " هفت مرتبه " الحمد لله " هفت مرتبه " لا اله الا الله " هفت مرتبه " لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت و هو علی کل شیء قدیر "

سه مرتبه، پس صلوات بر محم و آل محمد بفرستد پس بگوید:

" الله اکبر علی ما هدانا و الحمد لله علی ما ابلانا و الحمد لله الحی القيوم و الحمد لله الدائم "

سه مرتبه، پس بگوید:

" اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً عبده و رسوله لا نعبد الا اياه مخلصین له الدین و لو کره المشرکون "

سه مرتبه، پس بگوید:

" اللهم انی اسالک العفو و العافیه و الیقین فی الدنیا و الاخره "

سه مرتبه، پس بگوید:

"اللّٰهُمَّ اَتْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ".

سه مرتبه، پس بگوید:

"اللّٰهُ اَكْبَرُ" صد مرتبه. "لا اله الا الله" صد مرتبه. "الحمد لله" صد مرتبه. "سبحان الله" صد مرتبه، پس بگوید:

"لا اله الا الله و حده وحده انجزه وعده و نصر عبده و غلب الاحزاب و حده فله الملك و له الحمد وحده اللهم بارك لي في الموت و فيما بعد الموت اللهم اني اعوذ بك من ظلمه القبر و وحشته اللهم اظلني في ظل عرشك يوم لا ظل الا ظلك".

و بسيار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را بخداوند عالم پس بگوید:

"استودع الله الرحمن الرحيم الذي لا تضيع ودايعه ديني و نفسي و اهلي اللهم استعملني على كتابك و سنه نبيك و توفني على ملتة و اعزني من الفتنه"

پس بگوید: "اللّٰهُ اَكْبَرُ" سه مرتبه.

پس آنها را دو مرتبه تکرار کند پس یکبار تکبیر بگوید و باز آنها را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر قدر که میتواند بخواند. و مستحب است که این دعا را بخواند:

"اللهم اغفر لي كل ذنب اذنبته قطاً فان عدت فعد عليّ بالمغفرة فانك انت الغفور الرحيم اللهم افعل بي ما انت اهله فانك ان تفعل بي ما انت اهله ترحمني و ان تعذبني فانت غنيّ عن عذابي و انا محتاج الي رحمتك فيا من انا محتاج الي رحمته ارحمني اللهم لا تفعل بي ما انا اهله فانك ان تفعل بي ما انا اهله تعذبني و لم تظلمني اصبحت اتقى عدلك و لا اخاف جورك فيا من هو عدله لا يجور ارحمني"

در حدیث شریف وارد شده است هر کس که بخواهد مال او زیاد شود ایستادن در صفا را طول دهد و بدانکه مستحب است پیاده سعی نماید و از صفا تا به مناره میانه راه رود و از آنجا تا جائی که بازار عطاران است مانند شتر تند رود و اگر سوار باشد این حد را فی الجمله تند نماید و از آنجا تا بمره نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز بهمان ترتیب مراجعت نماید و از برای زنها هروله نیست، و مستحب است در گریه کردن سعی کند و خود را به گریه وادارد در حال سعی دعاء بسیار کند.

مستحبات احرام تا وقوف بعرفات

اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حج نیز مستحب است و پس از اینکه شخص احرام بسته و از مکه بیرون آمد همینکه بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید، و چون متوجه منی شود بگوید:

"اللهم ایاک ارجوه ایاک ادعو فبلّغنی املی و اصلح لی عملی".

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون بمنی رسید بگوید:

"الحمد لله الذی اقدمنیها صالحاً فی عافیة و بلغنی هذا المكان".

"اللهم هذه منی و هی مما مننت به علینا من المناسک فاسالک ان تمنّ علیّ بما مننت علی انبیائک فانّما انا عبدک و فی قبضتک".

و مستحب است شب عرفه را در منی بوده و باطاعت الهی مشغول باشد، و بهتر آنست که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف بجا آورد، و چون نماز صبح را بخواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت بلکه احوط آنست که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی محسّر رد نشود و روانه شدن پیش از صبح مکروه و از بعضی حرمت آنرا نقل نموده اند مگر از برای ضرورت مانند بیمار و کسی که از ازدحام مردم خائف باشد و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند.

"اللهم اليك صمدت و ايتاك اعتمدت و وجهك اردت اسالك ان تبارك لي في رحلتى و ان تقضى لي حاجتى و ان تجعلنى ممن تباهى به اليوم من هو افضل منى".

و تا رسیدن به عرفات تلبیه بگوید.

مستحبات و قوف به عرفات

در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

- ۱ - با طهارت بودن در حال وقوف.
- ۲ - غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.
- ۳ - آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آنکه قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.
- ۴ - نسبت به قافله‌ای که از مکه می‌آید وقوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.
- ۵ - وقوف او در پائین کوه و در زمین هموار بوده باشد، و بالا رفتن کوه مکروه است.
- ۶ - در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه بجا آورد.

۷ - قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را بجا آورد، پس از آن صد مرتبه: "اللَّهُ أَكْبَرُ" و صد مرتبه: سوره "توحید" را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند:

"اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَسَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَخْدَعْ عَنِّي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا".

و حاجت خود را نام ببرد پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

"اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أُعْطِيتَ بِهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَمِلْكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَأَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أَرَيْتَهَا خَلِيلَكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا ۹ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ وَأَطَلْتَ عُمُرَهُ وَأَخْيَبْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ".

۸ - این دعا را بخواند:

"لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَأَلَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا نَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ تُرَاتِي (براءتي خ ل) وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنَ الْفَقْرِ وَمِنَ وَسْوَاسِ الصَّدُورِ وَمِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَمِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَّاحِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا مَا يَجِيءُ بِهِ الرِّيَّاحُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي وَبَصَرِي نُورًا وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرُوقِي وَمَفْعَدِي وَمَقَامِي وَمَدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا وَأَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ الْقَاكِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ".

و در این روز تا می‌تواند از خیرات و صدقات تقصیر نکند.

۹ - آنکه کعبه را استقبال نموده و این اذکار را بگوید:

"سُبْحَانَ اللَّهِ" صد مرتبه "اللَّهُ أَكْبَرُ" صد مرتبه "ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ" صد مرتبه "أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ" صد مرتبه.

پس از اول سوره بقره ده آیه بخواند پس سوره توحید سه مرتبه و آیه الکرسی را بخواند تا آخر پس این آیات را بخواند:

"إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُعْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ * أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ".

پس سوره "قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ" و سوره "قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ" را بخواند.

پس آنچه از نعم الهی بیاد داشته باشد یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید، و همچنین بر اهل و مال و سائر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده حمد بنماید و بگوید:

"اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ".

و به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده است خدا را حمد نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید و بر محمد و آل محمد علیهم الصلاة والسلام زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن

موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند، و به اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

" هو الله الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ. هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ".

و این دعا را بخواند:

"أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَبِجَمْعِكَ وَبِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا وَبِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ أَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِي".

و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که توفیق حج بیابی در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگو:

"أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ" و هفتاد مرتبه "أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ".

پس بخوان این دعا را:

"اللَّهُمَّ فَكِنِّي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْخَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فِسْقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ".

۱۰ - آنکه نزدیکی غروب آفتاب بگوید:

"اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشْتَتِ الْأُمُورِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَمْسَى ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَأَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَأَمْسَى ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَأَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَأَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى جَلَلَنِي بِرَحْمَتِكَ وَالْأَبْسَى عَافِيَتِكَ وَأَصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ".

و بدان که ادعیه وارده در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است، و بسیار خوب است که در این روز دعای صحیفه کامله و دعای حضرت سید الشهداء و دعای حضرت زین العابدین سلام الله علیهما خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

"اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ أَبَدًا مَا أَتَيْتَنِي وَأَقْلَبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَهَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِي".

و بسیار بگوید:

"اللَّهُمَّ أَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ".

مستحبات و قوف بمزدلفه

بدان که مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات بسوی مزدلفه متوجه شده و استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تلّ سرخ رسید بگوید:

"اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَوْفِيقِي وَرِزْقِي فِي عَمَلِي وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَتَقَبَّلْ مَناسِكِي".

و در راه رفتن میانه روی نماید و کسی را آزار ندهد، و مستحب است نماز شام و خفتن را تا مزدلفه بتأخیر اندازد اگرچه ثلث شب نیز بگذرد، و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را بتأخیر نینداخته و در میان راه بخواند و مستحب است که در وسط وادی از طرف راست راه نزول نماید، و اگر حاجی ضروره باشد مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد به عبادت و اطاعت الهی بسر برد و این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تَقَيِّنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ".

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و به هر مقداری که میسور باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد آنگاه دعاء نماید و بعضی بوجوب آن قائل شده اند و این دعا را نیز بخواند:

"اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكِّرْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَأَذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالنَّاسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ وَلِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَقْبَلَ مَعْذِرَتِي وَأَنْ تُجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنْ الدُّنْيَا زَادِي".

و مستحب است سنگ ریزه‌هایی را که در منی رمی خواهد نمود از مزدلفه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است و مستحب است وقتی که از مزدلفه بسوی منی رفته و به وادی محسّر رسید به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

"اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَأَقْبِلْ تَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي وَاخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكَتُ بَعْدِي".

مستحبات رمی جمرات

در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

- ۱ - با طهارت بودن در حال رمی.
- ۲ - هنگامی که سنگها را در دست گرفته و آماده رمی است این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِيْنِي لِي وَارْفَعْنِي فِي عَمَلِي".

۳ - با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید.

۴ - هر سنگی را که می اندازد این دعا را بخواند:

"اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْخِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقاً بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُوراً وَعَمَلًا مَقْبُولاً وَسَعِيًّا مَشْكُوراً وَذَنْبًا مَغْفُورًا".

۵ - میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد.

۶ - جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی نماید.

۷ - سنگریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.

۸ - پس از برگشتن بجای خود در منی این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ".

مستحبات هدی

مستحبات هدی چند چیز است:

۱ - در صورت تمکن، قربانی شتر باشد، و در صورت نبودن آن گاو و در صورت نبودن آن گوسفند باشد.

۲ - قربانی بسیار فربه باشد.

۳ - در صورت شتر یا گاو بودن آن از جنس ماده و در صورت گوسفند یا بز بودن آن از جنس نر باشد.

۴ - شتری که می‌خواهند او را نحر کنند ایستاده و از سر دستها تا زانوی او را ببندند و شخص از جانب راست او بایستد، و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد، و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

"وَجْهَتْ وَجْهِي لِلذِّي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفاً مُسْلِماً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي".

۵ - اینکه خود، قربانی را بکشد و اگر نتواند دست خود را بالای دست کشنده بگذارد.

مستحبات حلق

در حلق چند چیز مستحب است :

۱- آنکه از جانب راست پیش سر ابتداء کند و این دعا را بخواند:

"اللهم اعطني بكل شعرة نوراً يوم القيامة".

۲- آنکه موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و اولی این است که بعد از حلق از اطراف ریش و شارب خود گرفته و همچنین ناخنها را بگیرد.

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است، و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می آید، در روز عید قربان بیاید و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ اعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ وَسَلِّمْنِي لَهُ وَسَلِّمَهُ لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ
الَّذِي الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي
عَبْدُكَ وَالْبَلْدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأُؤَمُّ طَاعَتَكَ مُتَبِعاً
لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ

مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ".

پس بنزد حجر الأسود بیاید و استلام و بوسه نماید، و اگر بوسیدن ممکن نشد دست به حجر مالیده و دست خود را بیوسد، و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره بجا آورده بود بجا آورد.

مستحبات منی

بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود، و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است مستحب می‌باشد و بعضی آن را واجب دانسته‌اند و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

"اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ أَحْمَدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُؤْتَانَا".

و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بجا آورد، و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است، و هر کس در آنجا صد مرتبه

"سُبْحَانَ اللَّهِ" بگوید ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است، و هرکس در آنجا صد مرتبه "لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیاء نفس کرده باشد و هرکس در آنجا صد مرتبه "الْحَمْدُ لِلَّهِ" بگوید ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید.

مستحبات دیگر مکه معظمه

آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱ - زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

۲ - ختم نمودن قرآن.

۳ - خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ".

و نیز بگوید: "بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ".

۴ - نظر نمودن به کعبه و اکثار از آن.

۵ - در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن؛ در اول شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخول صبح دو طواف، و بعد از ظهر دو طواف.

۶ - هنگام توقف در مکه بعدد ایام سال یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسور نشد هر مقداری که بتواند.

۷ - شخص ضروره به خانه کعبه داخل شود و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

"اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِي مِنْ عَذَابِ النَّارِ!"

پس دو رکعت نماز گزارده در رکعت اول بعد از حمد، "حم سجده" و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بین دو ستون بر سنگ قرمز بخواند.

۸ - دورکعت نماز خواندن درهریک از چهار زاویه کعبه و بعد از نماز این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّبًا أَوْ تَعَبًا أَوْ أَعْدًا أَوْ اسْتَعَدَّ لِيُفَادَهُ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ فَأَلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّبَتِي وَتَعَبَتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَنَوَافِلِكَ وَجَائِزَتِكَ، فَلَا تُحَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتَهُ وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَتَقْلِبَنِي بِرِعْبَتِي وَلَا تَرُدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا

وَلَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ".

و مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه "اللَّهُ أَكْبَرُ" بگوید پس بگوید:

"اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَاعِنَا رَبَّنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الصَّارُّ النَّافِعُ".

بعداً پائین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

مستحبات و قوف بمزدلفه

بدان که مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات بسوی مزدلفه متوجه شده و استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تلّ سرخ رسید بگوید:

"اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَوَقَّفِي وَرَدُّهُ فِي عَمَلِي وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي".

و در راه رفتن میانه روی نماید و کسی را آزار ندهد، و مستحب است نماز شام و خفتن را تا مزدلفه بتأخیر اندازد اگرچه ثلث شب نیز بگذرد، و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را بتأخیر نینداخته و در میان راه

بخواند و مستحب است که در وسط وادی از طرف راست راه نزول نماید، و اگر حاجی ضروره باشد مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد به عبادت و اطاعت الهی بسر برد و این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَّفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تُقَيِّنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ".

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و به هر مقداری که میسور باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد آنگاه دعاء نماید و بعضی بوجوب آن قائل شده اند و این دعا را نیز بخواند:

"اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكِّرْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَأَذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ وَلِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَقْبَلَ مَعْذِرَتِي وَأَنْ تُجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنْ الدُّنْيَا زَادِي".

و مستحب است سنگ ریزه‌هایی را که در منی رمی خواهد نمود از مزدلفه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است و مستحب است وقتی که از مزدلفه

بسوی منی رفته و به وادی محسّر رسید به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

"اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَأَقْبِلْ تَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي وَأَخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكَتُ بَعْدِي".

مستحبات رمی جمرات

در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

- ۱ - با طهارت بودن در حال رمی.
- ۲ - هنگامی که سنگها را در دست گرفته و آماده رمی است این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَخْصِيهِنَّ لِي وَارْفَعْنِي فِي عَمَلِي".

- ۳ - با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید.

- ۴ - هر سنگی را که می اندازد این دعا را بخواند:

"اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْخِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا".

۵ - میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد.

۶ - جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی نماید.

۷ - سنگریزه را برانگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.

۸ - پس از برگشتن بجای خود در منی این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ بِكَ وَنِعْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ".

مستحبات هدی

مستحبات هدی چند چیز است:

۱ - در صورت تمکن، قربانی شتر باشد، و در صورت نبودن آن گاو و در صورت نبودن آن گوسفند باشد.

۲ - قربانی بسیار فربه باشد.

۳ - در صورت شتر یا گاو بودن آن از جنس ماده و در صورت گوسفند یا بز بودن آن از جنس نر باشد.

۴ - شتری که می‌خواهند او را نحر کنند ایستاده و از سر دستها تا زانوی او را ببندند و شخص از جانب راست او بایستد، و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد، و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:

"وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي".

۵ - اینکه خود، قربانی را بکشد و اگر نتواند دست خود را بالای دست کشنده بگذارد.

مستحبات حلق

در حلق چند چیز مستحب است :

۱- آنکه از جانب راست پیش سر ابتداء کند و این دعا را بخواند:

"اللهم اعطني بكل شعرة نوراً يوم القيامة".

۲- آنکه موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و اولی این است که بعد از حلق از اطراف ریش و شارب خود گرفته و همچنین ناخنها را بگیرد.

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است، و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می‌آید، در روز عید قربان بیاید و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ وَسَلِّمْنِي لَهُ وَسَلِّمَهُ لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بِلَدِّكَ وَالْبَيْتُ بَيْنُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأُؤَمِّ طَاعَتَكَ مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ".

پس بنزد حجر الأسود بیاید و استلام و بوسه نماید، و اگر بوسیدن ممکن نشد دست به حجر مالیده و دست خود را ببوسد، و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره بجا آورده بود بجا آورد.

مستحبات منی

بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود، و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول

آنها نماز ظهر روز عید است مستحب می‌باشد و بعضی آن را واجب دانسته‌اند و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

"اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُبْلَاْنَا".

و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بجا آورد، و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است، و هرکس در آنجا صد مرتبه "سُبْحَانَ اللَّهِ" بگوید ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است، و هرکس در آنجا صد مرتبه "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیاء نفس کرده باشد و هرکس در آنجا صد مرتبه "الْحَمْدُ لِلَّهِ" بگوید ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید.

مستحبات دیگر مکه معظمه

آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱ - زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

۲ - ختم نمودن قرآن.

۳ - خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ."

و نیز بگوید: "بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ".

۴ - نظر نمودن به کعبه و اکثار از آن.

۵ - در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن؛ در اول شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخول صبح دو طواف، و بعد از ظهر دو طواف.

۶ - هنگام توقف در مکه بعدد ایام سال یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسور نشد هر مقداری که بتواند.

۷ - شخص صروره به خانه کعبه داخل شود و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

"اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِ النَّارِ".

پس دو رکعت نماز گزارده در رکعت اول بعد از حمد، "حم سجده" و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بین دو ستون بر سنگ قرمز بخواند.

۸ - دورکعت نماز خواندن درهریک از چهار زاویه کعبه و بعد از نماز این دعا را بخواند:

"اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ فَالَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّيْتِي وَتَعَبَيْتِي وَوَعَيْتِي وَإِعْدَادِي وَأَسْتَعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَنَوَافِلِكَ وَجَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخَيِّبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلَا شَفَاعَةٍ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقِرّاً بِالظُّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُعْطِنِي مَسْأَلَتِي وَتَقْلِبِنِي بَرَعَتِي وَلَا تُرَدِّدْنِي مَجْبُوهَا مَمْنُوعاً وَلَا خَائِباً يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ".

و مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه "اللَّهُ أَكْبَرُ" بگوید پس بگوید:

"اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ".

بعداً پائین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

دعاء الحسين (ع) يوم عرفه

روى ان بشر و بشير ولدا غالب الاسدى انهما قالوا لما كان عصر عرفه فى عرفات و كنا عند ابي عبدالله الحسين عليه السلام، فخرج عليه اسلام من خيمته مع جماعه من اهل بيته و اولاده و شيعته بحال التذلل و الخشوع و الاستكانه ، فوقف فى الجانب الايسر من الجبل و توجه الى الكعبه و رفع يديه قبال وجهه كمسكين يطلب طعاما و قرا هذا الدعاء:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعِ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ، جَازَى كُلَّ صَانِعٍ، وَرَأَيْتُ كُلَّ قَانِعٍ، وَرَاحِمٍ كُلَّ ضَارِعٍ، وَمُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ، بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ، وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ، وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ، وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُقِرًّا بِأَنَّكَ رَبِّي، إِلَيْكَ مَرَدِّي، إِيْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا، وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ، ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ، آمِنًا لِرَيْبِ الْمُنُونِ، وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسَّنِينِ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلْبِ إِلَى رَحِمِهِ، فِي تَقَادُمِ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَّةِ، وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي، وَطُفَيْكَ لِي، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فِي دَوْلَةِ أَيْمَّةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى، الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي، وَمِنْ قَبْلِ رَوْفَتِ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ، وَسَوَابِغِ

نَعِمِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيَّ يُمْنِي، وَأَسَكَّنْتَنِي فِي ظُلُمَاتِ ثَلَاثٍ، بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي، وَلَمْ تَجْعَلْ لِي شَيْئًا مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامًا سَوِيًّا، وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا، وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَكَفَلْتَنِي الْأُمَهَاتِ الرَّوَاحِمِ، وَكَلَّاتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ، وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَكْتُ نَاطِقًا بِالْكَلامِ، أْتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْأَنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي أَيْدًا فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي، وَاعْتَدَلْتُ مِرَّتِي، أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ، بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ، وَأَيَّقَنْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَتَبَهَّيْتَنِي لِشُكْرِكَ، وَذَكَرِكَ، وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ، وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى، لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى، وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَصُنُوفِ الرِّيشِ بِمَنْكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أْتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ، وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ، لَمْ يَمْعَعَكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَّتَنِي إِلَى مَا يُقْرَبُنِي إِلَيْكَ، وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُرْفَعُنِي لَدَيْكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي، وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ، مِنْ مُبْدِئِ مُعِيدِ، حَمِيدِ مُجِيدِ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَعَظَّمْتَ أَلْوَاؤُكَ، فَأَيُّ نِعَمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عَدَدًا وَذِكْرًا، أَمْ أَيْ عَطَايَاكَ

أُقُومُ بِهَا شُكْرًا، وَهِيَ يَا رَبُّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ، أَوْ يُبْلَغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ، أَكْثَرَ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ، وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي، وَعَقْدِ عَزَمَاتِي يَقِينِي، وَخَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي، وَبَاطِنِ مَكُونِ ضَمِيرِي، وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ بَصَرِي، وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي، وَخُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَخَذَارِيفِ مَارِنِ عِرْبَنِي، وَمَسَارِبِ سِمَاخِ سَمْعِي، وَمَا ضَمَمْتُ وَأَطَبَقْتُ عَلَيْهِ شَقَاتِي، وَحِرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَمَعْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي، وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي، وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي، وَحِمَالِهِ أُمَّ رَأْسِي، وَبُلُوغِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي، وَمَا شَتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي، وَحِمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي، وَنِيَابِطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَأَفْلَازِدِ حَوَاشِي كَيْدِي، وَمَا حَوَّنُهُ شَرَّاسِيفُ أَضْلَاعِي، وَحِقَاقُ مَفَاصِلِي، وَقَبْضُ عَوَامِلِي، وَأَطْرَافِ أَنَامِلِي وَلَحْمِي وَدَمِي، وَسَعْرِي وَبَشْرِي، وَعَصَبِي وَقَصْبِي، وَعِظَامِي وَمُخَى وَعُرُوقِي، وَجَمِيعُ جَوَارِحِي، وَمَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي، وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَتَوَمَّى وَيَقَطَّتِي وَسَكُونِي وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمَرْتُهَا أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعُمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنَّكَ الْمُوجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرَكَ أَبَدًا جَدِيدًا، وَتَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا، أَجَلٌ وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ، أَنْ نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ، سَالِفِهِ وَأَنفِهِ مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا، وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا، هَيْهَاتَ أَنِّي ذَلِكَ وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَالنَّبِيُّ الصَّادِقِ، وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا، صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَإِنبِأُوكَ، وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَأُوكَ وَرَسُولُكَ، مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ

مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَجِدِّي، وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوُسْعِي، وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونُ مَوْرُوثًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَلَا وَلِيٌّ مِنْ الدُّلِّ فَيُرْفِدَهُ فِيمَا صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ، لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا، سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلَّمَ."

پس شروع فرمود آنحضرت در سوال و اهتمام نمود در دعا و آب از دیدهای مبارکش جاری بود پس فرمود:

"اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَايِكَ، وَلَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِرْلِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصَرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَارْنِي فِيهِ ثَارِي وَمَارِي، وَأَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي، اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَأَسْرُ عَوْرَتِي، وَأَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَأَخْسَأْ شَيْطَانِي، وَفُكَّ رِهَانِي، وَأَجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْأَخِرَةِ وَالْأُولَى، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً

بى، وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا، رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا
 أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفَى نَفْسِي عَاقِبَتِي، رَبِّ
 بِمَا كَلَأْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ
 كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي،
 رَبِّ بِمَا أَعَنْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي، وَيَسَّرْتَ لِي
 مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ
 الدُّهُورِ، وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ،
 وَأَكْفِنِي شَرًّا مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَأَكْفِنِي، وَمَا
 أَحْذَرُ فَكْفِنِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَأَحْرُسْنِي، وَفِي سَفَرِي فَأَحْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي
 وَمَالِي فَأَخْلِفْنِي، وَفِي مَا رَزَقْتَنِي فَابَارِكْ لِي، وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَفِي أَعْيُنِ
 النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَبِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي
 وَبِسِرِّي فَلَا تُخْرِجْنِي، وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي، وَبِعَمَلِكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَإِلَى
 غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي، إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكِلْنِي إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي، أَمْ إِلَى بَعِيدٍ
 فَيَتَجَهَّمُنِي، أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي، وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِكُ أَمْرِي، أَشْكُو إِلَيْكَ
 غُرْبَتِي وَبُعْدَ دَارِي، وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي، إِلَهِي فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ
 غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِيبَتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ عَاقِبَتَكَ
 أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلُكَ يَا رَبُّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ،
 وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلِّحْ بِهِ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى
 غَضَبِكَ، وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ، لَكَ الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ
 ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي

أَخْلَتْهُ الْبَرْكَهَ، وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا
 مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي،
 يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وِلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي، يَا إِلَهِي
 وَإِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ
 وَإِسْرَافِيلَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَإِلَهَ الْمُتَنَجِّبِينَ، مُنْزِلَ التَّوْرَةِ
 وَالْإِنْجِيلِ، وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ، وَمُنْزِلَ كَهْيَعَصَ، وَطِهَ وَيَسَ، وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ،
 أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تَبَيَّنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعْتِهَا، وَتَضَيَّقُ بِي الْأَرْضُ بِرُخْبِهَا،
 وَأَوْلَا رَحْمَتَكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي، وَأَوْلَا سِتْرَكَ إِيَّايَ
 لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَأَوْلَا نَصْرَكَ
 إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَالرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعْزُهُ
 يَتَعَزَّوْنَ، يَا مَنْ جَعَلْتَ لَهُ الْمُلُوكُ نَيْرَ الْمَدْلَةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهَمُّ مِنْ سَطَوَاتِهِ
 خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَرْزِمَةُ
 وَالذُّهُورُ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ
 لَا يَعْلَمُ يَعْلَمُهُ، إِلَّا هُوَ يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ،
 يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقَيِّضَ الرُّكْبِ
 لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْفَقْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، يَا
 رَادَّهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا كَاشِفَ
 الضَّرِّ وَالْبَلْوَى عَنِ أَيُّوبَ، وَمُمْسِكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ،
 وَفَنَاءِ عُمْرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى، وَلَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا،
 يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ

فَأَنجَاهُهُمْ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ
 بَيْنَ يَدَي رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يُعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ
 السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ عَدَّوْا فِي نِعْمَتِهِ يَا كُلُّونَ رِزْقَهُ، وَيَعْبُدُونَ
 غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادُّوهُ وَنَادُّوهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا بَدِي يَا بَدِيعُ، لَا
 نِدْكَ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ، يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، يَا مَنْ هُوَ
 قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرَى فَلَمْ يَحْرِمْنى،
 وَعَظَّمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَى عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ
 حَفِظْتَنِي فِي صِغَرِي، يَا مَنْ رَزَقْتَنِي فِي كِبَرِي، يَا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي لَا
 تُحْصَى، وَيَعْمَهُ لَا تُجَازَى، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ، وَعَارَضْتُهُ
 بِالْأَسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ
 الْإِيمَانِ، يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي، وَعُزِّيَانًا فَكَسَانِي، وَجَائِعًا فَاشْبَعْنِي،
 وَعَطْشَانًا فَأَرَوَانِي، وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي، وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي، وَغَائِبًا
 فَرَدَّنِي، وَمُقِلًّا فَأَعَانَنِي، وَمُتَّصِرًا فَنَصَرَنِي، وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَأَمْسَكْتُ عَنْ
 جَمِيعِ ذَلِّ فَابْتَدَأَنِي، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَنَفَسَ
 كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَرَنِي
 عَلَى عَدُوِّي، وَإِنْ أَعَدَّ نِعْمَكَ وَمِنَّكَ وَكَرَائِمَ مَنَاجِكَ لَا أُحْصِيهَا، يَا مَوْلَايَ
 أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ،
 أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَقَفْتَ،
 أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَوْيْتِ،
 أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ،

أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ،
 أَنْتَ الَّذِي أَعْنَتَ، أَنْتَ الَّذِي عَضَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَيْدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ،
 أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ،
 فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِيًا أَبَدًا، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي
 فَأَغْفِرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي
 جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي غَفِلْتُ، أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي
 تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ، وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي نَكَّثْتُ، أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ،
 أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا
 تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ، وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ، وَالْمَوْفَّقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا
 مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي، إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ،
 وَنَهَيْتَنِي فَأَرْتَكِبْتُ نَهْيَكَ، فَاصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةَ لِي فَأَعْتَدِرُ، وَلَا ذَا قُوَّةَ
 فَأَنْتَصِرُ، فَبِأَيِّ شَيْءٍ اسْتَقْبَلُكَ يَا مَوْلَايَ، أَسْمَعِي أَمْ بَبْصَرِي، أَمْ بِلِسَانِي، أَمْ
 بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي، أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي، وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ،
 فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ

عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ
 وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَلَوْ اطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ
 عَلَيَّ مَا اطَّلَعَتْ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَلَرَفَضُونِي وَقَطَعُونِي، فَهَا أَنَا ذَا يَا
 إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ، حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرَاءَةَ فَأَعْتَدِرُ،
 وَلَا ذُو قُوَّةَ فَأَنْتَصِرُ، وَلَا حُجَّةَ فَأَخْتَجُّ، بِهَا، وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ، وَلَمْ أَعْمَلْ

سُوًّا، وَمَا عَسَى الْجُحُودُ وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي، كَيْفَ وَأَنْتَى ذَلِكَ
 وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنْكَ
 سَأَلْتَنِي مِنْ عِظَائِمِ الْأُمُورِ، وَأَنْكَ الْحَكْمَ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ، وَعَدْلُكَ
 مُهْلِكِي، وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ
 عَلَيَّ، وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
 إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ،
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَخِّدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
 إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا
 إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي
 كُنْتُ مِنَ الرَّاغِبِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ، لَا إِلَهَ
 إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
 مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكَبِّرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ، اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا،
 وَإِخْلَاصِي بِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا، وَأَقْرَارِي بِأَلَائِكَ مَعْدِدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ
 أَحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوعِهَا، وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ
 تَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي بَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمْرِ، مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ،
 وَكَشْفِ الضَّرِّ، وَسَبِّبِ الْيُسْرِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفْرِيجِ الْكُرْبِ، وَالْعَافِيَةِ فِي
 الْبَدَنِ، وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَلَوْ رَفَذَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ
 مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ، تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ
 رَبِّ كَرِيمٍ، عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُحْصَى الْأَوْكُ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَلَا تُكَافَى

نَعْمَاؤُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ، وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَجِيبُ الْمُضْطَرَّ، وَتَكْشِفُ السُّوءَ، وَتُعِثُّ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُعِينُ الْفَقِيرَ، وَتَجْبِرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطْلِقَ الْمَكْبَلِ الْإِسِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْلَتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، مِنْ نِعْمَةٍ تُوَلِّيَهَا، وَالْأَلَاءِ تَجِدُّدُهَا، وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا، وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا، وَسَيِّئَةٍ تَنَعَّمُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ، وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَى، وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ، وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعَوْتُكَ فَأَجَبْتَنِي، وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي، وَوَقَّعْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَنِي، وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ، وَهَنِّئْنَا عَطَاءَكَ، وَاكْتُنِّبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ، وَلَا لِإِيكَ ذَاكِرِينَ، آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَ، وَقَدَّرَ فَفَقِهَرَ، وَعَصَى فَسْتَرَ، وَاسْتَعْفَرَ فَغَفَرَ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِينَ، وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَوَسَّعَ الْمُسْتَغْلِبِينَ رَأْفَةً وَحِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَآمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ،

السَّراجِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ،
 اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِدَلِكِ مِنْكَ يَا عَظِيمُ
 فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، الْمُتَتَّبِعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا
 بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُوفِ اللَّعَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي
 هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ، وَرَحْمَةً
 تَنْشُرُهَا، وَبَرَكَهَةً تُنْزِلُهَا، وَعَافِيَةً تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقًا تَبْسِطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،
 اللَّهُمَّ أَقْلِنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا
 مِنْ الْفَاقِطِينَ، وَلَا تُخَلِّنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا
 تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلِ مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ،
 وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، وَأَكْرَمَ
 الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ، وَلَبَّيْكَ الْحَرَامِ آمِينَ قَاصِدِينَ، فَاعِنَا عَلَى
 مَنَاسِكِنَا، وَأَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا، وَأَعْفُ عَنَّا وَعَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا فَهَيَّ
 بِذَلِكَ الْأَعْتِرَافِ مَوْسُومَةً، اللَّهُمَّ فَاعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَاكْفِنَا مَا
 اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ، نَافِذُ فِينَا حُكْمِكَ،
 مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ، إِفْضُ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ
 الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ، وَكَرِيمِ الدُّخْرِ، وَدَوَامِ الْيُسْرِ،
 وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ
 وَرَحْمَتَكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ
 فَاعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَتَابَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا
 فَعَفَرْتَهَا لَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اللَّهُمَّ وَنَقِّنَا وَسَدِّدْنَا وَاقْبَلْ تَصَرُّعَنَا، يَا خَيْرَ

مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِعْمَاضُ الْجُفُونِ،
 وَلَا لِحْظُ الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ
 الْقُلُوبِ، أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ، وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ
 عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ، وَالْأَرْضُونَ
 وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ، وَعُلُوُّ
 الْجَدِّ، يَا ذَ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْإِيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ
 الْجَوَادُ الْكَرِيمُ، الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ، اَللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْخَالِلِ،
 وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَأَمِنْ خَوْفِي، وَاعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اَللَّهُمَّ لَا
 تَمَكُرْ بِي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي، وَلَا تَخْدَعْنِي، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ
 وَالْإِنْسِ "

پس سر و دیده خود را بسوی آسمان بلند کرد و از دیده‌های مبارکش آب
 میریخت مانند دو مشک و بصدای بلند میگفت:

يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ السَّادَةِ الْيَمَامِينَ، وَأَسْأَلُكَ اَللَّهُمَّ
 حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أُعْطِيتَ بِهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا
 أُعْطِيتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَأكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَخَدَكَ لَا شَرِيكَ
 لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ، وَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبُّ يَا رَبُّ "

پس مکرر می گفت یا رب. و کسانی که دور آنحضرت بودند بتمام گوش داده بودند بدعاء آنحضرت و اکتفا کرده بودند به آمین گفتن پس صداهایشان بلند شد بگریستن با آنحضرت تا غروب کرد آفتاب و بار کردند و بجانب مشعر الحرام روانه شدند. محدث قمی اعلی الله مقامه الشریف میفرماید کفعمی دعاء عرفه امام حسین علیه السلام را در بلد الامین تا اینجا نقل فرموده و علامه مجلسی در زاد المعاد این دعا را موافق روایت کفعمی ایراد نموده و لکن سید بن طاوس در اقبال بعد از ذکر یا رب یارب این زیاد یرا ذکر فرموده:

"إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي، إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي، إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَذْيِيرِكَ، وَسُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ، مَنَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءِ، وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءِ، إِلَهِي مَنِي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي وَمِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ، إِلَهِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي، أَفَتَمَنَعْنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي، إِلَهِي إِنَّ ظَهَرْتَ الْمَحَاسِنَ مَنِي فَيَفْضُلِكَ، وَلَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ، وَإِنْ ظَهَرْتَ الْمَسَاوِي مَنِي فَيَعْدِلِكَ، وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ إِلَهِي كَيْفَ تَكَلَّمْتَنِي وَقَدْ تَكَفَّلْتَنِي، وَكَيْفَ أَضَامُ وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي، أَمْ كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ الْحَفِيُّ بِي، هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَكَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَهُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أُتْرَجِمُ بِمَقَالِي وَهُوَ مِنْكَ بَرَزُ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ أَمَالِي وَهِيَ قَدْ

وَفَدَّتْ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ أَحْوَالِي وَبِكَ قَامَتْ، إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي
مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي، وَمَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي، إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي
وَأَبْعَدَنِي عَنْكَ، وَمَا أَرَأَفَكَ بِي فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ، إِلَهِي عَلِمْتُ
بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ، وَتَثْقَلَاتِ الْأَطْوَارِ، أَنْ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ
شَيْءٍ، حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ، إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لَوْمِي أَنْطَقَنِي كَرَمِكَ،
وَكُلَّمَا آبَسْتَنِي أَوْصَافِي أَطْمَعْتَنِي مِنْكَ، إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي،
فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مُسَاوِيهِ مَسَاوِي، وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي، فَكَيْفَ لَا
تَكُونُ دَعَاوِيهِ دَعَاوِي، إِلَهِي حُكْمُكَ النَّافِذُ، وَمَشِيئَتُكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكْ لِيذِي
مَقَالَ مَقَالًا، وَلَا لِيذِي حَالَ حَالًا، إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا، وَحَالَةٍ شَيَّدْتُهَا،
هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ، بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ، إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي
وَأَنْ لَمْ تَدِّمِ الطَّاعَةَ مِنِّي فِ لَّا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةً وَعَزْمًا، إِلَهِي كَيْفَ
أَعَزَّمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ، وَكَيْفَ لَا أَعَزَّمُ وَأَنْتَ الْأَمِيرُ، إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ
يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ تُوَصِّلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسْتَدَلُّ
عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِعَبْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ
لَكَ، حَتَّى يَكُونَهُ هُوَ الْمُظْهِرَ لَكَ، مَتَى غَيْتَ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ
عَلَيْكَ، وَمَتَى بَعُدْتَ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوَصِّلُ إِلَيْكَ، عَمِيَّتْ عَيْنُ
لَا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا، وَخَسِرْتَ صَفْقَهُ عَبْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا،
إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ، وَهِدَايَةِ
الْإِسْتِيسَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا، مَصُونِ السَّرِّ عَنْ
النَّظْرِ إِلَيْهَا، وَمَرْفُوعِ الْهِمَّةِ عَنِ الْاعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

إلهى هذا ذُلِّي ظاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ
الْوُصُولَ إِلَيْكَ، وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ، وَأَقِمْنِي بِصِدْقِ
الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ، إلهى عَلَّمَنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْرُوجَ، وَصَنَى بِسِتْرِكَ
الْمَصُونِ، إلهى حَقَّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ، وَأَسْأَلُكَ بِى مَسْأَلِكَ أَهْلَ
الْجَذْبِ، إلهى أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي، وَبِاخْتِيَارِكَ عَنْ اخْتِيَارِي،
وَأَوْقِفْنِي عَلَى مَرَائِزِ اضْطِرَارِي، إلهى أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي، وَطَهِّرْنِي مِنْ
شَكِّي وَشِرْكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَأَنْصُرُنِي، وَعَلَيْكَ أَنْوَكِّلُ فَلَا
تَكْلُمْنِي، وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي،
وَبِحَبَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي، وَبِبَابِكَ أَقِفُ فَلَا تَطْرُدْنِي، إلهى تَقَدَّسَ
رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلْمٌ مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلْمٌ مِنِّي، إلهى أَنْتَ الْغَنِيُّ
بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي، إلهى إِنَّ
الْقَضَاءَ وَالْقَدْرَ يُمَيِّنِي، وَإِنَّ الْهُوَى بِوَتَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي، فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ
لِي، حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبَصِّرَنِي، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَغْنِيَ بِكَ عَنْ طَلْبِي،
أَنْتَ الَّذِي أَسْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ، وَأَنْتَ
الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَائِكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ، وَلَمْ يَلْجَأُوا
إِلَى غَيْرِكَ، أَنْتَ الْمُؤَيِّسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ، وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ
حَيْثُ اسْتَبَانَ لَهُمُ الْمَعَالِمُ، مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ، وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ،
لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَعِيَ عَنْكَ مُتَحَوِّلاً، كَيْفَ
يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ، وَكَيْفَ يُطَلَبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا
بَدَّلْتَ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ، يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّاءَهُ حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ

مُتَمَلِّقِينَ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَابِسَ هَبْيَتِهِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ،
 أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ، وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْأِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ، وَأَنْتَ
 الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِينَ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ
 الْمُسْتَقْرِضِينَ، إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجْذُبْنِي بِمَنْكَ
 حَتَّى أَقْبِلَ عَلَيْكَ، إِلَهِي إِنْ رَجَأْنِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ، كَمَا أَنْ
 خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ، وَقَدْ أَوْعَى عَلْمِي
 بِكَرَمِكَ عَلَيَّكَ، إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ أَمَلِي، أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَعَلَيْكَ
 مُتَكَلِّي، إِلَهِي كَيْفَ أَسْعِزُ وَفِي الذَّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي، أَمْ كَيْفَ لَا أَسْعِزُ وَإِلَيْكَ
 نَسَبْتَنِي، إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي، أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ
 وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي، وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ
 فَمَا جِهَلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، فَارْتَيْتُكَ ظَاهِرًا فِي
 كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ فَصَارَ الْعَرْشُ
 غَيْبًا فِي ذَاتِهِ، مَحَقَّتْ الْأَثَارَ بِالْأَثَارِ، وَمَحَوَّتِ الْأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ
 الْأَنْوَارِ، يَا مَنْ اخْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنِ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، يَا مَنْ
 تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ، فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ مِنَ الْأَسْتَوَاءِ، كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ
 الظَّاهِرُ، أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ."

دعاء علي بن الحسين (ع) (در صحیفه سجادیه) در روز عرفه

" الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبَّ الْأَرْبَابِ، وَإِلَهُ كُلِّ مَالُوهِ، وَخَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَوَارِثَ كُلِّ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ، وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ. أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحَّدُ الْفَرْدُ الْمُفْرَدُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكْرِمُ، الْعَظِيمُ الْمُتَعَطِّمُ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ، الشَّدِيدُ الْمُحَالِ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ. وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ، الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ، وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ، وَ الْعَالِي فِي دُنُوِّهِ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَجْدِ، وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْحَمْدِ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي أَنْشَأَتِ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سِنْحٍ، وَ صَوَّرَتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ، وَ ابْتَدَعَتِ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلَا اخْتِذَاءٍ. ۱۳) أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، وَ بَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَيْسِيرًا، وَ دَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعْنِكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ، وَ لَمْ يُؤَاوِرَكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ، وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَ لَا نَظِيرٌ. أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ، وَ قَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا

قَضَيْتَ، وَ حَكَمْتَ فَكَانَ نِصْفًا مَا حَكَمْتَ. أَنْتَ الَّذِي لَا يَحْوِيكَ مَكَانٌ، وَ لَمْ
 يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ، وَ لَمْ يُعِيكَ بُرْهَانٌ وَ لَا بَيَانٌ. أَنْتَ الَّذِي أَحَ صَبَيْتَ
 كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، وَ جَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا، وَ قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا. أَنْتَ
 الَّذِي قَصَّرْتَ الْأَوْهَامَ عَنِ ذَاتِيَّتِكَ، وَ عَجَزْتَ الْأَفْهَامَ عَنِ كَيْفِيَّتِكَ، وَ لَمْ
 تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَبِيَّتِيكَ. أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَدُّ فَتَكُونُ مَحْدُودًا، وَ لَمْ تُمَثَّلْ
 فَتَكُونِ مَوْجُودًا، وَ لَمْ تَلِدْ فَتَكُونِ مَوْلُودًا. أَنْتَ الَّذِي لَا ضِدَّ مَعَكَ فَيُعَانِدُكَ، وَ
 لَا عِدْلَ لَكَ فَيَكَاثِرُكَ، وَ لَا نِدًّا لَكَ فَيُعَارِضُكَ. أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ، وَ اخْتَرَعَ، وَ
 اسْتَحْدَثَ، وَ ابْتَدَعَ، وَ أَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ. سُبْحَانَكَ مَا أَجَلَ شَأْنِكَ، وَ
 أَسْنَى فِي الْأَمَاكِينِ مَكَانِكَ، وَ أَصْدَعَ بِالْحَقِّ فِرْقَانِكَ سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفِ مَا
 أَلْفَكَ، وَ رَعُوفِ مَا أَرَأَفَكَ، وَ حَكِيمِ مَا أَعْرَفَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِيكَ مَا
 أَمْنَعَكَ، وَ جَوَادِ مَا أَوْسَعَكَ، وَ رَفِيعِ مَا أَرْفَعَكَ ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَجْدِ وَ الْكِبْرِيَاءِ
 وَ الْحَمْدِ. سُبْحَانَكَ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ، وَ عَرَفْتَ الْهَدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ،
 فَمَنْ التَّمَسَكَ لِذَيْنِ أَوْ ذُنْيَا وَجَدَكَ سُبْحَانَكَ خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي
 عِلْمِكَ، وَ خَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ، وَ انْقَادَ لِتَسْلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ
 سُبْحَانَكَ لَا تُحَسُّ وَ لَا تُجَسُّ وَ لَا تُمَسُّ وَ لَا تُكَادُ وَ لَا تُمَاطُ وَ لَا تُنَازَعُ وَ لَا
 تُجَارَى وَ لَا تُمَارَى وَ لَا تُخَادَعُ وَ لَا تُمَارَكُ سُبْحَانَكَ سَبِيلَكَ جَدُّ. وَ أَمْرُكَ
 رَشْدٌ، وَ أَنْتَ حَيٌّ صَمْدٌ. سُبْحَانَكَ قَوْلِكَ حُكْمٌ، وَ قَضَاؤُكَ حَتْمٌ، وَ إِرَادَتُكَ
 عَزْمٌ. سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ لِمَشِيَّتِكَ، وَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ. سُبْحَانَكَ بَاهِرَ الْآيَاتِ،
 فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ، بَارِيَّ النَّسَمَاتِ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومُ بِدَوَامِكَ وَ لَكَ
 الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ. وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ

حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ. وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَ شُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ حَمْدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّكَ، وَ لَا يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَ يُسْتَدْعَى بِهِ دَوَامُ الْأَخْرِ. حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَى كُرُورِ الْأَرْمَنِ، وَ يَتَزَايَدُ أَضْعَافًا مُتْرَادِفَةً. حَمْدًا يَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفْظَةُ، وَ يَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَتْهُ فِي كِتَابِكَ الْكُتُبَةُ حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ وَ يُعَادِلُ كُرْسِيِّكَ الرَّفِيعَ. حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ، وَ يَسْتَعْرِقُ كُلَّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَوْقَ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفَوْقَ لِيَدِيقِ النَّيِّهِ حَمْدًا لَمْ يَحْمَدْكَ خَلْقٌ مِثْلَهُ، وَ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ حَمْدًا يُعَانُ مَنْ اجْتَهَدَ فِي تَعْدِيدِهِ، وَ يُؤَيِّدُ مَنْ أَعْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيَّتِهِ. حَمْدًا يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ، وَ يَتَنظَّمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدُ. حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَيَّ قَوْلِكَ مِنْهُ، وَ لَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ بِهِ. حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوَفُورِهِ، وَ تَصِلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوَّلًا مِنْكَ حَمْدًا يَجِبُ لِكِرَمِ وَجْهِكَ، وَ يُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَّجِبِ الْمُصْطَفَى الْمُكْرَمِ الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ، وَ بَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ، وَ تَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْنَعَ رَحْمَاتِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةَ زَاكِيَّةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَرْكَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَّةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أُنْمَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَّةً لَا تَكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُرْضِيهِ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيكَ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا تُرْضِي لَهُ إِلَّا بِهَا، وَ لَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ، وَ يَتَّصِلُ انْتِصَالُهَا بِبِقَاتِكَ، وَ لَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً

تَتَّظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَ تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةِ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَ بَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ، صَلَاةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونِكَ، وَ تُنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَ تَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفٍ لَا يَعُدُّهَا غَيْرُكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْيَابِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَفَظْتَ دِينِكَ، وَ خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَسْلُوكَ إِلَى جَنَّتِكَ رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ، وَ تُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَ نَوَافِلِكَ، وَ تُوفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَ فَوَائِدِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِي أُولَئِهَا، وَ لَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا، وَ لَا نِهَائِيَةَ لِآخِرِهَا. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِنَةَ عَرْشِكَ وَ مَا دُونَهُ، وَ مِلْءَ سَمَاوَاتِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ، وَ عَدَدَ أَرْضِيكَ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ، صَلَاةً تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى، وَ تَكُونُ لَكَ وَ لَهُمْ رِضَى، وَ مُتَّصِلَةً بِنَظَائِرِهِنَّ أَبَدًا. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَ حَذَرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَ أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوَامِرِهِ، وَ الْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَ أَلَّا يَتَقَدَّمَ مُتَقَدِّمًا، وَ لَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ، وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَ عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَ بَهَاءُ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِيُؤَيِّدَكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَ أَعِنهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ، وَ اشْدُدْ أَرْزُهُ، وَ قُوِّ عَضُدُهُ، وَ رَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَ احْمِهِ بِحِفْظِكَ وَ انصُرْهُ بِمَلَأَتِكَ، وَ امْدُدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ. وَ أَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَحْيِ بِهِ مَا آمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَ اجْلُ بِهِ صِدَاءَ الْجُورِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَ ابْنِ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَ أزلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَ امْحَقْ بِهِ بَعَاةَ قَصْدِكَ عِوَجًا وَ الْبِنْ جَانِبَهُ لِيَأُولِيائِكَ، وَ ابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ وَ تَحَنُّنَهُ، وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَ فِي رِضَاهُ سَاعِينَ، وَ إِلَى نَصْرَتِهِ وَ الْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَ إِلَيْكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ جَهْتَهُمْ، الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّكَايَاتِ النَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَ اجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَ اصْلُحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَ تَبَّ عَلَيْهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَ اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ يَوْمٌ شَرَفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَ مَنَّتْ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَ أَجْرَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ إِبَاهُ، فَجَعَلْتَهُ

مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ، وَ وَفَّقْتَهُ لِحَقِّكَ، وَ عَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَ أَدْخَلْتَهُ فِي حِزْبِكَ، وَ أَرْسَدْتَهُ لِمَوْلَاهِ أَوْلِيَايِكَ، وَ مُعَادَاهِ أَعْدَائِكَ. ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ، وَ زَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ، وَ نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ، لَا مُعَانَدَةً لَكَ، وَ لَا اسْتِكْبَاراً عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ وَ إِلَى مَا حَذَرْتَهُ، وَ أَعَانَهُ عَلَى ذَلِكَ عَدُوُّكَ وَ عَدُوُّهُ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفاً بِوَعِيدِكَ، رَاجِياً لِعَفْوِكَ، وَائْتِفاً بِتَجَاوُزِكَ، وَ كَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ أَلَّا يَفْعَلَ. وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاحِراً ذَلِيلاً خَاضِعاً خَاشِعاً خَائِفاً، مُعْتَرِفاً بِعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمُّلْتَهُ، وَ جَلِيلِ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتَهُ، مُسْتَجِيرِياً بِصَفْحِكَ، لِأَنِّدَا بِرَحْمَتِكَ، مُوقِنِياً أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ، وَ لَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ. فَعُدُّ عَلَى بِنَا تَعُوذُ بِهِ عَلَى مَنْ اقْتَرَفَ مِنْ تَعَمُّدِكَ، وَ جُدُّ عَلَى بِنَا تَجُودُ بِهِ عَلَى مَنْ أَلْفَى بِيَدِهِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ، وَ أَمُنُّ عَلَى بِنَا لَا يَتَعَاظَمُكَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَى مَنْ أَمَلَكَ مِنْ عُفْرَانِكَ، وَ اجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصيباً أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَ لَا تَرُدَّنِي صِفْراً مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ وَ إِنِّي وَ إِنْ لَمْ أَقْدِمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَ نَفْيَ الْأَضْدَادِ وَ الْأَنْدَادِ وَ الْأَشْبَاهِ غُنْكَ، وَ أَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى مِنْهَا، وَ تَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَ التَّذَلُّلِ وَ الْاسْتِكَانَةِ لَكَ، وَ حُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، وَ الثَّقَةِ بِمَا عِنْدَكَ، وَ شَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيبُ عَلَيْهِ رَاجِعِيكَ. وَ سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْخَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، وَ مَعَ ذَلِكَ خِيفَةً وَ تَضَرُّعاً وَ تَعَوُّداً وَ تَلَوُّداً، لَا مُسْتَطِيلِياً بِتَكْبُرِ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَ لَا مُتَعَالِياً بِدَالِهِ

الْمُطِيعِينَ، وَ لَا مُسْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ. وَ أَنَا بَعْدُ أَقْلُ الْأَقْلِينَ، وَ أَدْلُ الْأَدْلِينَ، وَ مِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ ذُوْنَهَا، فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيئِينَ، وَ لَا يَنْدُهُ الْمُتْرَفِينَ، وَ يَا مَنْ يَمُنُّ بِإِقَالِهِ الْعَاثِرِينَ، وَ يَتَفَضَّلُ بِإِنظَارِ الْخَاطِئِينَ. أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ. أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِبًا. أَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا. أَنَا الَّذِي اسْتَخَفَى مِنْ عِبَادِكَ وَ بَارَزَكَ. أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَ أَمِنَكَ. أَنَا الَّذِي لَمْ يَرْهَبْ سَطْوَتَكَ، وَ لَمْ يَخَفْ بِأَسْكَ. أَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ أَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبِلِيَّتِهِ. أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ. أَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ. بِحَقٍّ مِنْ اتَّجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ بِمَنْ اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ، بِحَقٍّ مِنْ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، وَ مِنْ اجْتَبَيْتَ لِشَانِكَ، بِحَقٍّ مِنْ وَصَلْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ، وَ مَنْ جَعَلْتَ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ، بِحَقٍّ مِنْ قَرَنْتَ مَوْلَاتَهُ بِمَوْلَاتِكَ، وَ مَنْ نُطِتَ مَعَادَاتَهُ بِمَعَادَاتِكَ، تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَعَمَّمْتُ بِهِ مِنْ جَارِ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا، وَ عَادَ بِاسْتِعْفَارِكَ تَائِبًا. وَ تَوَلَّيْنِي بِمَا تَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَ الرُّلْفَى لَدَيْكَ وَ الْمَكَانَةَ مِنْكَ. وَ تَوَخَّضْنِي بِمَا تَتَوَخَّضُ بِهِ مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ، وَ اتَّعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ، وَ أَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ. وَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ، وَ تَعَدَّى طُورِي فِي حُدُودِكَ، وَ مُجَاوَزَةَ أَحْكَامِكَ. وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي بِأَمْلَانِكَ لِي اسْتِدْرَاجٍ مِنْ مَنَعْنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَ لَمْ يَشْرُكْكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي. وَ تَبَهَّنِي مِنْ رَفْدَةِ الْغَافِلِينَ، وَ سِنَّهُ الْمُسْرِفِينَ، وَ نَعْسَهُ الْمَخْذُولِينَ وَ خُذْ بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِينَ، وَ اسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ، وَ اسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَابِئِينَ. وَ أَعِزَّنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَظِّي مِنْكَ، وَ يَصُدُّنِي عَمَّا أَحْوَلُ لَدَيْكَ وَ سَهَّلَ لِي مَسَلَكَ الْخَيْرَاتِ

إِلَيْكَ، وَ الْمُسَابَقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتُ، وَ الْمُسَاحَةَ فِيهَا عَلَيَّ مَا أَرَدْتُ. وَ لَا تَمَحِّقْنِي فَيَمَنْ تَمَحَّقُ مِنَ الْمُسْتَحْفِينِ بِمَا أَوْعَدْتِ وَ لَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَفْتِكِ وَ لَا تُتَبِّرْنِي فَيَمَنْ تُتَبِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنِ سُبُلِكَ وَ نَجِّنِي مِنَ غَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ، وَ خَلِّصْنِي مِنَ لَهَوَاتِ الْبُلُوَى، وَ أَجِرْنِي مِنْ أَخْذِ الْأِمَاءِ. وَ حُلِّ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَدُوِّ يُضِلُّنِي، وَ هُوَى يُؤْبِقُنِي، وَ مَنْقَصَهُ تَرْهَقُنِي وَ لَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ وَ لَا تُؤَيِّسُنِي مِنَ الْأَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تَمْتَحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَطْنِي مِمَّا تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ. وَ لَا تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِرْسَالَ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ، وَ لَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ، وَ لَا إِنْابَةَ لَهُ وَ لَا تَرْمِ بِي رَمَى مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ، وَ مَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ سَقَطَةِ الْمُتَرَدِّينَ، وَ وَهَلْهُ الْمُتَعَسِّفِينَ، وَ زَلَّهُ الْمُعْرُورِينَ، وَ وَرَطَّهُ الْهَالِكِينَ. وَ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَ إِمَائِكَ، وَ بَلَّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنِيَتْ بِهِ، وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَ رَضِيَتْ عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِيداً، وَ تَوَقَّيْتَهُ سَعِيداً وَ طَوْقِي طَوْقَ الْأِقْلَاعِ عَمَّا يُحْبِطُ الْحَسَنَاتِ، وَ يَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ وَ أَشْعِرُ قَلْبِي الْإِلَازِجَارَ عَنِ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ، وَ فَوَاضِحِ الْحَوَابِ. وَ لَا تَشْغَلْنِي بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يُرْضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ وَ أَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دِينِي تَهَيَّ عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَ تَذْهَلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ. وَ زَيْنٌ لِي النَّفَرْدُ بِمُأْجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هَبْ لِي عِصْمَةً تُدِينُنِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَ تَقْطَعْنِي عَنِ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ، وَ تَفَكِّعْنِي مِنْ أَسْرِ الْعَطَائِمِ. وَ هَبْ لِي التَّطَهِيرَ مِنْ دَسَسِ الْعِصْيَانِ، وَ أَذْهِبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا، وَ سَرِّبْنِي

بِسِرْبَالِ غَافِيَتِكَ، وَ رَدِّي رِدَاءَ مُعَافَاةِكَ، وَ جَلَّلَنِي سَوَابِغَ نِعْمَائِكَ، وَ ظَاهِرُ
لَدِي فَضْلِكَ وَ طَوْلِكَ وَ أَيَّدَنِي بِتَوْفِيْقِكَ وَ تَسْدِيدِكَ، وَ أَعْنَى عَلَى صَالِحِ
النَّبِيَّةِ، وَ مَرْضِي الْقَوْلِ، وَ مُسْتَحْسِنِ الْعَمَلِ، وَ لَا تُكَلِّبْنِي إِلَى حَوْلِي وَ قُوَّتِي
دُونَ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ. وَ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنُنِي لِلْقَائِكَ، وَ لَا تَفْضَحْنِي بَيْنَ
يَدَيِ أَوْلِيَائِكَ، وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزِمْنِيهِ فِي
أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَائِكَ، وَ أَوْزِعْنِي أَنْ أَثْنِيَ بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ،
وَ اعْتَرِفْ بِمَا أَسْدَيْتَهُ إِلَيَّ. وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاعِيَيْنِ، وَ
حَمْدِي إِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ وَ لَا تَخْذَلْنِي عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَ لَا
تُهْلِكْنِي بِمَا. أَسْدَيْتَهُ إِلَيْكَ، وَ لَا تَجْهِنْنِي بِمَا جَبَّهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ، فَإِنِّي
لَكَ مُسْلِمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ، وَ أَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ، وَ أَعُوذُ بِالْإِحْسَانِ، وَ
أَهْلُ التَّقْوَى، وَ أَهْلُ الْمَعْرِفَةِ، وَ أَنَّكَ بَانَ تَعْفُو أَوْلَى مِنْكَ بَانَ تَعَاقِبِ، وَ
أَنَّكَ بَانَ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَيَّ أَنْ تَشْهَرَ. فَأُحِبُّنِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا
أُرِيدُ، وَ تَبْلُغُ مَا أَحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي مَا تَكْرَهُ، وَ لَا أُرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَ
أَمْتِنِي مِيْتَةً مَنْ يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ عَن يَمِينِهِ. وَ ذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ
أَعِزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ، وَ صَعْنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَ ارْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ، وَ أَغْنِنِي
عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي، وَ زِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً وَ فَقْرًا. وَ أَعِزَّنِي مِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ،
وَ مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ، وَ مِنْ الدُّلِّ وَ الْعَنَاءِ، تَعَمَّدْنِي فِيْمَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا
يَتَعَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ، وَ الْآخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْ لَا أَنَاتُهُ وَ
إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَجَجِّنِي مِنْهَا لَوْأدَّا بِكَ، وَ إِذْ لَمْ تُقِمْنِي مَقَامَ
فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ وَ اشْفَعْ لِي أَوْلِيَاكَ مِنْكَ

بِأَوَاطِرِهَا، وَ قَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا، وَ لَا تَمُدُّ لِي مَدًّا يَقْسُو مَعَهُ قَلْبِي، وَ لَا تَفْرَعْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بِهَائِي، وَ لَا تَسْمُنِي حَسِيْسَةً يَصْعُرُ لَهَا قَدْرِي وَ لَا نَفِيْسَةً يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي. وَ لَا تَرْعُنِي رَوْعَةً أُبْلِسُ بِهَا، وَ لَا خِيْفَةً أُوجِسُ دُونَهَا، اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ، وَ حَذْرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَ إِنْذَارِكَ، وَ رَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ. وَ اعْمُرْ لَيْلِي بِإِيقَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَ تَفَرِّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ، وَ تَجَرِّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ، وَ إِزْأَلِ حَوَائِجِي بِكَ، وَ مُنَازِلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ، وَ إِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ. وَ لَا تَذَرْنِي فِي طُعْيَانِي عَامِيَةً، وَ لَا فِي غَمْرَتِي سَاهِيًّا حَتَّى حِينٍ، وَ لَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنْ اتَّعَطَّ، وَ لَا نَكَالًا لِمَنْ اعْتَبَرَ، وَ لَا فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ، وَ لَا تَمْكُرْ بِي فِيمَنْ تَمْكُرُ بِهِ، وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي، وَ لَا تُغَيِّرْ لِي اسْمًا، وَ لَا تُبَدِّلْ لِي جِسْمًا، وَ لَا تَتَّخِذْنِي هُزُوءًا لِخَلْقِكَ، وَ لَا سُخْرِيًّا لَكَ، وَ لَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ، وَ لَا مُمْتَهَنًا إِلَّا بِالتَّنْقَامِ لَكَ. وَ أُوجِدُنِي بَرْدَ عَفْوِكَ، وَ حَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَ رَوْحِكَ وَ رِيحَانِكَ، وَ جَنَّةَ نَعِيمِكَ، وَ أَذِقْنِي طَعْمَ الْفَرَاعِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ، وَ الاجْتِهَادِ فِيمَا يُزِلُّ لَدَيْكَ وَ عِنْدَكَ، وَ اتَّخِضْنِي بِتُخْفِهِ مِنْ تُخَفَاتِكَ، وَ اجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَ كَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةً، وَ أَخْفِنِي مَقَامَكَ، وَ شَوْقِي لِقَاءِكَ، وَ تَبَّ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً، وَ لَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَ لَا سَرِيرَةً. وَ انْزِعِ الْعِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ اعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ، وَ كُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ، وَ حَلِّبِي حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ، وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَابِرِينَ، وَ ذِكْرًا نَامِيًّا فِي الْآخِرِينَ، وَ وَا فِ بِي عَرِصَةَ الْأَوَّلِينَ. وَ تَمِّمْ سُبُوعَ نِعْمَتِكَ، عَلَيَّ، وَ ظَاهِرَ كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ،

امثاً مِنْ فَوَائِدِكَ يَدِي، وَ سَقُّ كَرَامِكَ مَوَاهِيكَ إِلَيَّ، وَ جَاوِرُ بِيِ الْأَطْيَبِينَ مِنْ
 أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ، وَ جَلَّلَنِي شَرَّافَ نِحْلِكَ فِي
 الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ. وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا أَوْى إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَ
 مَثَابَةً أَنْبَوُّوْهَا، وَ أَقْرُ عَيْنًا، وَ لَا تُقَايِسْنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَ لَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ
 تُبْلَى السَّرَائِرُ، وَ أزلْ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَ شُبُهَةٍ، وَ اجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا
 مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ، وَ اجْزِلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ، وَ وَفِّرْ عَلَيَّ حُطُوطَ
 الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ. وَ اجْعَلْ قَلْبِي وَائِقًا بِمَا عِنْدَكَ، وَ هَمِّي مُسْتَفْرَعًا لِمَا
 هُوَ لَكَ، وَ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَسْتَعْمَلُ بِهِ خَالِصَتَكَ، وَ اشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ ذُهُولِ
 الْعُقُولِ طَاعَتِكَ، وَ اجْمَعْ لِي الْغِنَى وَ الْعَفَافَ وَ الدَّعَةَ وَ الْمُعَافَاةَ وَ الصِّحَّةَ وَ
 السَّعَةَ وَ الطَّمَأْنِينَةَ وَ الْعَافِيَةَ. وَ لَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوْهُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ،
 وَ لَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْرِضُ لِي مِنْ نَزَعَاتِ فِتْنَتِكَ، وَ صُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ
 إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ، وَ ذُبْنِي عَنِ

الْتِمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ. وَ لَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا، وَ لَا لَهُمْ عَلَيَّ مَحْوٍ
 كِتَابِكَ يَدًا وَ نَصِيرًا، وَ حُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حِيَاطَةَ تَقْيِينِي بِهَا، وَ افْتَحْ
 لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ رَأْفَتِكَ وَ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ، إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ
 الرَّاعِيِينَ، وَ أَتَمِّمْ لِي إِعْطَاكَ، إِنَّكَ خَيْرُ الْمُنْعِمِينَ وَ اجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي
 الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ ائْتِنَاءَ وَجْهِكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
 الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَبَدَ الْأَبْدِينَ. "

استفتانات جدید در مناسک حج

بسمه تعالی محضر مبارک حضرت آیه الله العظمی محقق کابلی (دام
عزه)

بعد از آرزوی توفیق و سلامتی حضرت عالی لطفاً به سئوالات ذیل پاسخ
بفرمایید.

س: ۱ - کسیکه سال خمسی ندارد و احیاناً با پول غیر مخمس برای حج
ثبت نام کرده و احیاناً لباسهای احرام او هم با پول غیرمخمس تهیه شده،
آیا چنین حج صحیح است یا نه؟

بسمه تعالی

ج - در صورتیکه با حاکم شرع مراجعه نکرده باشد تا خمس را در ذمه او
قرار دهد حجش باطل است.

س: ۲ - اگر کسی مقداری از مخارج را قرض کند ولی وضع کار و
معیشتش جوری باشد که بسهولت بعد از مراجعت از سفر مکه می تواند آنرا
ادا کند آیا با چنین حجتی حجه الاسلام از او ساقط می شود یا نه؟

ج - حجه الاسلام ساقط میشود، ولی قرض کردن واجب نیست.

س: ۳ - آیا کسی مستطیع است می‌تواند از کسی دیگر نیابت کند؟ و اگر در صورت عدم توجه به مسئله نائِب شده و در حین عمل و بعد از انجام عمره تمتع یا بعد از مراسم حج متوجه و شد وظیفه او چیست؟

ج - بسمه تعالی حجّ نیابتی صحیح است ولی اگر اجیر مستحق اجرة المسمّی نیست بلکه مستحق اجرة المثل می‌باشد.

س: ۴ - آیا کسی وظیفه او وقوف اضطراری است مثل زنان و پیر مردان می‌توانند نائِب بشوند یاخیر؟

ج - نمی‌توانند نائِب شوند.

س: ۵ - کسیکه استطاعت مالی برای انجام حجّ دارد ولی پسرش هم نیاز به ازدواج و خانه دارد کدام یکی مقدم است؟ اگر فرأپول برای پسرش صرف کرد، آیا حجّ بر او مستقر میشود یانه؟

ج - برای مستطیع جائز نیست تفویت استطاعت اگر چه سبب تفویت ازدواج پسر باشد، اگر چنین کند عصیان نموده و حجّ درذمه‌اش مستقر می‌شود

س: ۶ - اگر خود شخص هم مستطیع است و هم نیاز به ازدواج دارد، آیا حجّ مقدم است یا ازدواج؟

ج - حجّ مقدم است.

۷ - اگر کسی خانه ندارد و در عالم مهاجرت نمی‌تواند خانه بخرد آیا بر چنین کسی حج واجب میشود یا نه؟ با اینکه با رهن و اجاره منزل زندگی می‌کند.

ج - در مفروض سؤال حج واجب است.

س: ۸ - اگر کسی به اندازه پول حج به شخصی بذل کند که به مکه برود با اینکه شرائط استطاعت را ندارد، و غیبت او در ایام حج موجب اخلال در معاش و زندگی او هم نمی‌شود آیا چنین حج مجزی از حجه الاسلام هست یا نه؟

ج - بلی از حجه الاسلام کفایت می‌کند.

س: ۹ - اگر کسی استطاعت بدنی ندارد و امید به استطاعت بدنی هم تا آخر عمر ندارد آیا لازم است خودش در زمان حیات خودنائب بگیرد؟ در صورت لزوم آیا استنابه از میقات کفایت می‌کند یا نه؟ و در فرض مذکور اگر بعد از انجام حج توسط نائب استطاعت بدنی حاصل شد وظیفه چیست؟

بسمه تعالی

ج: ۱) واجب است در زمان حیاتش نائب بگیرد.

ج: ۲) استنابه از میقات کفایت می‌کند.

ج: ۳) در صورتیکه استطاعت بدنی و مالی حاصل شود بنا بر احتیاط واجب، مباشرة حج را انجام دهد.

س: ۱۰ - کسیکه قرائت نمازش صحیح نیست برای نماز طواف چه کار کند؟

ج - مقتضای احتیاط این است که خودش هم بخواند و نائب هم بگیرد.

س: ۱۱ - کسیکه قرائتش درست نیست می تواند نائب بشود یا نه؟

ج - نمی تواند نائب شود.

س: ۱۲ - آیا کسیکه معذور است در ارتکاب بعض محرمات احرام مثل تظلیل و پوشاندن سر میتواند نائب بشود یا نه؟ و کفاره به عهده کیست؟

ج - نائب شده می تواند ولی کفاره به عهده نائب است.

س: ۱۳ - آیا کسیکه از انجام دادن بعضی از اعمال حج معذور است مثل قرائت و رمی جمره... و در اثر ندانستن مسئله نائب شده میتواند کسی دیگر را برای انجام آن اعمال نائب بگیرد یا نه؟

ج - در صورتیکه متوجه نبوده و نائب شده در آنجا هم خودش از منوب عنه آن اعمال را انجام دهد و هم نائب بگیرد.

س: ۱۴ - آیا عدم جواز تظلیل برای محرم مرد اختصاص به روز دارد، یا در شب هم تظلیل صدق می‌کند؟ به عبارت روشن‌تر وقتی از جده به میقات و از میقات بعد از احرام به طرف مکه حرکت میکنیم با ماشین غیر مسقف حرکت کنیم، و یا اینکه با ماشین مسقف هم حرکت کردیم مانعی ندارد

ج - باید ما ماشین غیر مسقف حرکت کند.

س: ۱۵ - نظر حضرت عالی راجع به نگهداری محرم خودش را از سرما و باران در روز و شب چیست؟

ج - معنی حرمت تظلیل نگهداری از سرما و گرما می‌باشد و اگر ترک تحفظ مشقت داشته و سرما یا گرما شدید باشد، تظلیل با دادن کفاره جائز است.

س: ۱۶ - حکم تظلیل در شهر مکه یعنی آمدن از هتل به طرف حرم برای انجام اعمال عمره تمتع چیست؟

ج - بعد از رسیدن مکه تظلیل جائز است.

س: ۱۷ - نظر شما راجع به اتیان عمره مفردة در ماه ذی الحجة بعد از انجام حج چیست؟ آیا فاصله دو عمره لازم است یا نه؟ و در صورت لزوم چه مقدار فاصله باید باشد؟

ج - احوط این است که فصل بین دو عمره یکماه باشد، و اقوی کفایه فصل به ده روز می باشد و اگر دو عمره ز طرف دوشخص فاصله به کمتر از ده روز نیز جائز است.

س: ۱۸ - بعضی از افراد ساکن در عربستان برای ورود به مکه مشکل دارند و اگر از میقات محرم شوند برای عمره تمتع چه بسامأموراین حکومت سعودی آنها را دستگیر می کند فلذا اینها بدون احرام به صورت مخفی وارد مکه می شوند، و وظیفه اینها برای انجام دادن اعمال چگونه است؟

ج - آنها باید بعد از گذشتن از میقات در هر جا که تمکن پیدا کنند در خارج حرم به رفتن در میقات دیگر بروند آنجا احرام ببندند و اگر ممکن نشد به حدیبیه و یا جعرانه و یا تنعیم رفته ببندند.

س: ۱۹ - اشخاص که محرم میشوند برای عمره تمتع و بعد ز آن دستگیر میشوند و حکومت مانع از ورود شان به مکه میشود چگونه از احرام خارج شوند؟

ج - آنها گوسفند را در محل صد و منع قربانی نموده با ضمیمه تقصیر و یا حلق از احرام خارج می شوند.

س: ۲۰ - اگر کسی نماز طواف عمره تمتع را اشتباهاً در حجر اسماعیل بخواند به خیال اینکه مقام ابراهیم است، و بعد از محرم شدن برلی حج و یا بعد از اعمال متوج شود وظیفه او چیست؟

ج - بنا بر احتیاط نماز طواف را رجاء در مقام ابراهیم اعاده کند.

س: ۲۱ - اگر کسی در تلبیه به جای لَبَّيْكَ اَللّهُمَّ... بگوید: لَبَّيْكَ (بکسر ب) صحیح است یا نه؟

ج - صحیح نیست.

س: ۲۲ - اگر هوا سرد باشد و محرم خوف ابتلاء به مرض داشته باشد میتواند از لباس مخیط مثل پتو استفاده کند یا نه؟ و در صورت جواز کفاره هم دارد یا نه؟

ج - استفاده از پتو مانعی ندارد چون مخیط نیست.

س: ۲۳ - آیا در مسجد شجره و جحفه لازم است داخل مسجد محرم شود یا از بیرون مسجد هم کفایت می کند؟ و آیا بین این دو مسجد در این حکم فرق است یا نه؟

ج - احرام اگر از خارج مسجد ببندد نیز صحیح است فرق بین هردو مسجد نیست.

س: ۲۴ - واجبات تلبیه چند جمله است؟

ج - واجب است بعد از نیت بگوید: لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ

س: ۲۵ - اگر زن حائض است و می‌داند تا روز هشتم هم پاک نمیشود چگونه محرم شود و وظیفه او چیست؟ و یا در میقات حایض نیست و میداند قبل انجام اعمال عمره حایض می‌شود، و تا آخر پاک نمی‌شود.

ج - حجّ تمتع آن زن تبدیل به حجّ افراد می‌شود و تفضیل را در مسأله‌ای ۸۷ مناسک حقیر مراجعه کنید.

س: ۲۶ - اگر در فرض مذکور کشف خلاف شد به این صورت که قبل از یوم الترویبه پاک شد به طوریکه میتواند اعمال عمره تمتع را انجام بدهد، یا اصلاً عادت نشد چه کار کند؟

ج - باید غسل کند و اعمال عمره تمتع را انجام دهد و تا ظهر روز نهم ذیحجه خود را به عرفات برساند.

س: ۲۷ - لطفاً کیفیت و الفاظ معتبره در نیت احرام عمره تمتع را بیان فرماید؟

ج - بعد از پوشیدن لباس احرام در میقات بگوید: احرام می‌بندم از جهت عمره تمتع از فرض حجه الاسلام قربه الی الله: لبیک...

س: ۲۸ - مقدار واجب تلبیه چه مقدار است؟ و جای قطع آن کجاست؟

ج - در جواب سؤال ۲۴ گذشت.

س: ۲۹ - اگر لباس یا بدن محرم نجس شود تطهیر آن فوراً لازم است یا نه؟ و اگر دسترسی به آب ندارد چکار کند؟

ج - باید فوراً تطهیر کند و در مکه معظمه آب فراوان است با امکان آب طواف بادن یا لباس نجس باطل است.

س: ۳۰ - لباس احرام بانوان باید چگونه باشد؟ آیا اگر حریر خالص هم باشد جایز است یا نه؟ و آیا طهارت لباس آنها هم لازم است یا نه؟

ج - لباس زن از حریر باشد مانعی ندارد و لی طهارت بدن و لباس برای زن شرط صحت طواف است مثل مرد.

س: ۳۱ - اگر در حین احرام بعضی از لباسهای دوخته را عمدتاً نسیاناً در نیورد و لباس احرام را روی آن بپوشد احرامش صحیح است یا نه؟ و در صورت نسیان بعد از التفات چه کار کند؟

ج - اگر عمدتاً لباس مخیط کرده باشد احرام صحیح است ولی یک گوسفند کفاره بدهد، و اگر نسیاناً کرده باشد بعد از التفات فوراً در آورد.

س: ۳۲ - اگر کسی جهلا یا نسیانا یکی از محرّمات احرام را مرتکب شد مثل نگاه کردن در آئینه، یا پوشیدن سر، و یا ازاله مو از بدن، یا خون کردن دندان، دادن کفاره لازم است یا نه؟

ج - در غیرصید (شکار) کفاره لازم نیست اما در صید (شکار) اگر جهلا و نسیانا باشد نیز کفاره دارد.

س: ۳۳ - آیا گرفتن بینی از بوی بد یا دود و بخار ماشین از محرّمات احرام است یا نه؟ اگر از محرّمات است کفاره هم دارد یا نه؟

ج - از محرّمات احرام است ولی کفاره ندارد، بعد از آن استغفار کند.

س: ۳۴ - اگر محرمی در حال طواف بدنش به بدن جنس مخالف چسبید و احیاناً تحریک هم شد و خود را هم نمیتواند از آن حالت نجات دهد در اثر کثرت جمعیت آیا بر چنین شخصی کفاره لازم است یا نه؟ و اگر در فرض مذکور منی از او خارج شود چه کار کند؟

ج - اگر تماس از جهت کثرت جمعیت و بدون قصد بوده یعنی از جهت اضطرار و قهراً چسبیده باشد و نتواند از تماس جلوگیری کند، حکمش حکم زنی است که در اثناء طواف، حیض شود و حکم آن در مسأله ۸۸ مناسک ذکر شده است و اگر قدرت داشته که جلوگیری کند و نکرده باشد، کفاره اش یک شتر است.

س:۳۵ - اگر به اجنبیه یازن خودش از روی شهوت نگاه کند کفاره دارد یا نه؟

ج - نظر کردن از روی شهوت حرام است اگر منی خارج شود کفاره اش شتر است و اگر منی نشود استغفار کافی است.

س:۳۶ - آیا خوردن و بوئیدن میوه های خوشبو مثل سیب و به اشکال دارد یانه؟

ج - خوردن آنها اشکال ندارد ولی از بوئیدن آنها اجتناب کنید.

س:۳۷ - آیا بوئیدن خلوق کعبه جایز است یانه؟ و کفاره استعمال بوی خوش چیست؟ و آیا در کفاره فرقی بین صورت جهل ونسیان و عمد هست یانه؟

ج - بوئیدن خلوق که یک نوع عطر است مانعی ندارد، و کفاره استعمال بوی خوش بنابر احتیاط یک گوسفند است و در غیرصید در صورت جهل و نسیان کفاره نیست و در صید مطلقا کفاره است.

س:۳۸ - آیا گره زدن لباس احرام یا دوختن تکمه یا پرس کردن تکمه قابلمه در آن و یا با سوزن و سنجاق به هم وصل کردن دوطرف آن جایز است یانه؟

ج - احوط این است که در لنگ از امور مذکوره اجتناب کند و ردا، را اگر با سوزن و سنجاق به هم وصل کند مانعی ندارد.

س: ۳۹ - آیا حمل ساک دستی مخیط برای محرم جایز است یا نه؟

ج - مانعی ندارد.

س: ۴۰ - حکم پوشیدن صورت برای زن که محرم است را بیان بفرمایید، و همینطور حکم پوشیدن دستکش دوخته را، و پوشاندن قسمتی از صورت را، در حال نماز و غیر نماز و برای حفظ از نظر نامحرم؟

ج - پوشانیدن صورت برای زن محرمه جائز نیست به مثل پوشیه و نقاب، و در حال نماز کمی از بالای صورت از جهت سترمو از باب مقدمه علمیه اشکال ندارد و بعد از نماز بردارد و از جهت حفظ از نامحرم گوشه چادر را آویزان کند و با دست مانع شود از اصابت آن به صورت.

س: ۴۱ - حکم عینک زدن و انگشتر به دست کردن برای محرم چیست؟

ج - برای زینت حرام است و اگر چشم ضعیف باشد، جهت قرئت قرآن و دعا، اشکار ندارد و اگر غرض از انگشتر استجاب باشد جائز است.

س: ۴۲ - آیا فسوق که بر محرم حرام اختصاص به دروغ گفتن دارد، و یا فحش دادن و عیبی را از خود دور کردن و به دیگری نسبت دادن، و فخر کردن به دیگران مثلاً بگوید: من وابسته به فلان شخصیت علمی یا سیاسی... هستم را هم شامل می‌شود.

ج - فسوق دروغ گفتن و دشنام دادن می‌باشد، و تفاخر اگر موجب توهین و تحقیر دیگران باشد حرام است و الا جائز است اگر تفاخر به کذب نباشد.

س: ۴۳ - لطفاً کفاره فسوق را هم بیان فرمایید؟

ج - کفاره اش توبه و استغفار می‌باشد.

س: ۴۴ - آیا بر محرم زن لازم است که زیور و زینتهایی که همیشه داشته برای احرام از بدنش در بیاورد یانه؟

ج - بیرون آوردن واجب نیست و لی باید به هیچ مرد حتی شوهرش نشان ندهد.

س: ۴۵ - آیا مالیدن پماد و ویکس به بدن در حال احرام برای جلوگیری یا در مان عرق سوزی جائز است یانه؟

و در صورت عدم جواز کفاره آن چیست؟

ج - جائز است.

س: ۴۶ - اگر کسی نسیباً یا جهلاً سر یا قسمتی از آن را بپوشاند مثل صورت عمد کفاره دارد یا نه؟

و آیا گوش‌ها هم از سر محسوب می‌شود یا نه؟ - گوش‌ها از سر محسوب می‌شود ولی پوشانیدن سر یا قسمتی از آن جهلاً یا سهواً اشکال ندارد.

س: ۴۷ - محل کشتن کفارات کجا است؟ و آیا میشود آن را در مجلس که حاجی بعد از بازگشتن مکه برقرار میکند مصرف کرد یا نه؟

ج - محل ذبح مکه مکرمه است و آن اختصاص به ارتکاب صید در احرام عمره و اگر در احرام حج مرتکب صید شود محل ذبح کفاره‌اش منی می‌باشد و احوط و اولی این است که کفارات احرام عمره را در مکه و کفارات احرام حج را در منی ذبح کنند اگر موجب آن غیر صید باشد.

س: ۴۸ - اگر زن در حال طواف حایض بشود وظیفه‌اش چیست؟

ج - در مسئله ۸۸ مناسک حقیق مراجعه کنید.

س: ۴۹ - اگر زن بعد از طواف و قبل از نماز آن حایض شود چکار کند؟

ج - در مسئله ۸۹ مراجعه کنید.

س: ۵۰ - خوردن قرص برای جلوگیری از حیض چه حکمی دارد؟

و از قرص استفاده کردن و اتفاقاً در همان ایام که محرم شد و برای انجام اعمال عمره وارد مکه شد لک ببیند، آیا در این حال میتواد طواف کند یانه؟

ج - قرص خوردن مانعی ندارد، و اگر لکه ببیند و قطع شود اعمال استحاضه را انجام طوافش صحیح است چون خون کمتر از سه روز حیض نیست.

س: ۵۱ - اگر در حال طواف بدن یالباس محرم خونی شود وظیفه او چیست؟ و اگر بعد از طواف متوجه شود که در حال طواف بدن یا لباسش نجس بوده طوافش صحیح است یانه؟

ج - خون را تطهیر کند، و اگر بعد از طواف ببیند طوافش صحیح است.

س: ۵۲ - اگر نجاست لباس و بدن را فراموش کند و بعد از طواف یادش بیاید طوافش صحیح است یانه؟

ج - صحت طواف بعید نیست ولی احوط اعاده طواف است ولی نماز طواف را حتماً اعاده کند.

س: ۵۳ - آیا طواف از پشت مقام ابراهیم صحیح است یا نه؟

ج - صحیح است و اگر ازدحام زیاد باشد و خوف داشته باشد که بدون اختیار به فشار مردم حرکت کند، باید از پشت مقام ابراهیم طواف کند.

س: ۵۴ - اگر در حال طواف چند قدمی انسان را هول دادند بطوریکه هیچ اختیاری از خود نداشت وظیفه چیست؟

ج - باید برگردد و همان مقدار را اعاده کند و اگر برگشتن مشکل باشد جهت ازدحام از بیرون مقام ابراهیم برگردد آن مقدار را اعاده کند.

س: ۵۵ - نوعاً در اثر کثرت جمعیت و ازدحام در حال طواف حرکت اختیاری کامل نیست، فقط پاهارا انسان بلند میکند، ولی حرکت بدن دسته جمعی است مثلاً چند هزار نفر به هم چسپیده باهم حرکت می کنند آیا این طواف صحیح است یا نه؟

ج - صحت آن بعید نیست ولی احوط این است که از پشت مقام ابراهیم طواف کند.

س: ۵۶ - اگر هفت شوط طواف انجام داد بعد بگوید این طواف به دلم نچسبید، یک شوط یا طواف دیگر انجام میدهد احتیاطاً بعد نماز آن را می خواند آیا این طواف صحیح است یا نه؟

ج - به اعاده یک شوط احتیاط نمی‌شود، و اگر احتیاطاً یک طواف کند مانعی ندارد.

س: ۵۷ - اگر شک کرد که شش شوط طواف کرده یا هفت شوط، گفت حالا من یک شوط دیگر احتیاطاً اضافه می‌کنم، آیا صحیح است یا نه؟

ج - صحیح نیست زیرا طواف فرضیه شک بردار نیست فقط در یک صورت شک موجب بطلان نیست مثل اینکه به حجراسود برسد و شک کند که این شوط هفتم بود یا هشتم بنا را بر هفت بگذارد صحیح است و در غیر این صورت اگر شک کند طواف را به هم بزند و اعاده کند.

س: ۵۸ - آیا نشستن برای رفع خستگی و تجدید قوی جائز است یا نه؟

ج - نشستن مختصر مانع ندارد.

س: ۵۹ - قطع طواف و سعی بواسطه اقامه جماعت چه صورت دارد؟

ج - قهراً قطع میشود بعد از تمام نماز اعاده کند.

س: ۶۰ - آیا لازم است که نماز طواف پشت مقام ابراهیم خوانده شود یا نه؟

ج - در صورت تمکن باید آنجا بخواند و در صورت ازدحام الاقرب فالاقرب را در پشت مقام ابراهیم مراعات کند.

س: ۶۱ - اقتدا کردن به جماعت مکه و مدینه لازم است یا نه؟ اگر لازم است به چه صورت؟ آیا حمد و سوره خود انسان بخواند یا نه؟

ج - حمد و سوره را خود انسان بخواند و صورت متابعت امام جماعت را بنماید.

س: ۶۲ - در صوت امکان سجده کردن بر سنگ فرشهای مسجد النبی (ص) آیا سجده بر فرش جایز است یا نه؟

ج - جایز نیست.

س: ۶۳ - اگر نماز طواف را فراموش کند در اثناء سعی یا بعد از آن متوجه شود وظیفه آن چیست؟

ج - به مسأله ۱۴۳ مناسک مراجعه کنید.

س: ۶۴ - اگر کسی قرائت نمازش صحیح نیست آیا همان نماز خودش کفایت می‌کند یا نائب هم بگیرد؟

ج - هم خودش بخواند و هم نائب بگیرد.

س: ۶۵ - آیا کسی که نمازش درست نیست میتواند آنرا با جماعت بخواند یا نه؟

ج - اگر امام جماعت اثنا عشری باشد احوط خواندن به جماعت است.

س: ۶۶ - گاهی اوقات در اثر کثرت جمعیت زن و مرد محاذی هم، یا زن جلو مرد نماز طواف می‌خوانند، و همین طور در نمازهای یومیه، آیا این نماز صحیح است یا نه؟

ج - در صورتیکه بین زن و مرد یک وجب فاصله باشد اشکال ندارد ولی اگر ده ذراع فاصله نباشد کراهت دارد و نمازش صحیح است.

س: ۶۷ - در نماز جماعت مسجد الحرام که بصورت دایره وار نماز می‌خوانند و چه بسا انسان در مقابل امام جماعت قرار می‌گیرد، آیا این نماز جماعت صحیح است؟

ج - اگر امام جماعت اثنا عشری نباشد، صورتاً اقتدا کند و نماز خود را بخواند و اگر اثنا عشری باشد نیز اقتدا محل اشکال است و احوط عدم اقتدا است.

س: ۶۸ - آیا جایز است بین طواف و سعی فاصله انداختن یانه؟

ج - افضل عدم تأخیر سعی است از طواف و نماز آن ولی از جهت خستگی یا گرمی هوا تأخیر تا شب جائز است ولی تا فردا جائز نیست.

س: ۶۹ - آیا سعی در طبقه فوقانی جائز است یانه؟

ج - بر خلاف احتیاط است حتی الامکان سعی در زمین باشد.

س: ۷۰ - شخصی قادر بر سعی یا طواف نبوده او را سوار چرخ کرده‌اند در حال سعی یا طواف خواب رفته و نمی‌داند چه مقدار خواب بوده آیا سعی و طواف او صحیح است یا نه؟

ج - احوط این است که سعی را از سر بگیرد و توجه داشته باشد که خواب نرود.

س: ۷۱ - و اگر از روی جهل و ندانستن مسأله تقصیر را ترک کند وظیفه‌اش چیست؟

ج - ظاهراً جاهل ملحق به ناسی می‌باشد در صورتیکه قاصر باشد و اگر مقصر باشد، الحاقش به عامد اظهر است و حکم آن درمسأله ۱۷۹ مناسک مذکور است.

س: ۷۲ - آیا در عمره تمتع طواف نساء واجب است یا نه؟

ج - واجب نیست.

س: ۷۳ - برای احرام حج لازم است که از محله قدیم مکه محرم شویم یا از محله‌های جدید مثل عزیزیه و شیشه هم کفایت می‌کند؟

ج - از محله قدیم باید احرام بست.

س: ۷۴ - اگر در رمی جمره شک کند که سنگ به جمره اصابت کرد یا نه وظیفه چیست؟ و همینطور اگر شک کند در عدد سنگها وظیفه چیست؟

ج - به مسأله ۲۱۷ مناسک رجوع کنید باید یقین کند ۷ سنگ رسیده است.

س: ۷۵ - آیا رمی از طبقه فوقانی جایز است یا نه؟

ج - احتیاط واجب در ترک آن است.

س: ۷۶ - آیا رمی جمره از چهار طرف کفایت میکند یا از طرف که سنگ چین است باید رمی بشود؟

ج - احوط آن است که طرف سنگ چیده را رمی کند

س: ۷۷ - آیا به خاطر ازدحام جمعیت یا گرانی گوسفند می توانیم قربانی را از روز عید تأخیر بیندازیم یا نه؟

ج - در صورتیکه روز عید غیر ممکن یا حرجی باشد، فردایش انجام دهد

س: ۷۸ - آیا در نیابت در ذبح لازم است که نائب شیعه باشد یا نیابت سنی هم مانعی ندارد؟

ج: اگر سنی ناصبی نباشد و استقبال و تسمیه را مراعات کند ذبحش صحیح است

س: ۷۹ - هل يجوز الذبح بغير الحديد أم لا؟

ج - لا يجوز ذلك.

س: ۸۰ - آیا نائب می تواند شخص دیگر را برای قربانی وکیل کند یانه؟
در هر صورت آیا بودن نام منوب عنه، هنگام نیت قربانی لازم است یانه؟

ج - اگر مستأجر مباشرت را شرط کرده باشد نائب گرفته نمیتواند احوط
ذکر اسم منوب عنه می باشد.

س: ۸۱ - اگر در وادی محسّر قربانی کرد بعد همانجا تقصیر هم کرد
مجزی است یا باید حلق و تقصیر در منی باشد؟ و در صورت جهل به
مسأله و تقصیر در وادی محسّر وظیفه چیست؟

ج - می تواند بعد از آن در منی تقصیر کند و بر او چیزی نیست.

س: ۸۲ - مخیر بودن مسافر بین قصر و تمام اختصاص به مسجدالحرام
قدیم و مسجدالنبی قدیم دارد یا حکم دیگر در مسأله است؟

ج - اختصاص به قدیم دارد.

س: ۸۳ - آیا برداشتن سنگ ریزه از قبرستان بقیع به عنوان تیمن و تبرک
جایز است یانه؟

ج - برداشتن از قبور ائمه اربعه ممکن نیست از جای دیگر تبرک نیست.

س: ۸۴ - آیا در تشهد نماز بعد از صلوات کلمه عجل فرجهم گفتن جایز است یا نه؟ در صورت عدم جواز میشود به کسی که این کلمه را میگوید اقتدا کرد یا نه؟

ج - اگر واجد شرایط امامت باشد اقتدا جایز است و احوط این است که مصلی آنرا ترک کند.

س: ۸۵ - شخصی که عمره تمتع را انجام داده در مکه فوت می کند آیا برای انجام حج تمتع نایب لازم دارد یا که انجام عمره تمتع از حجّه الاسلام کفایت می کند؟

ج - نائب گرفتن واجب نیست عمره تمتع از حجّه الاسلام در فرض سوال کفایت می کند.

س: ۸۶ - شخصی را که بعد از انجام عمره تمتع ماشین می زند در بیمارستان بستری می شود آیا این شخص برای اعمال تمتع نایب لازم دارد یا خیر؟ اگر چنانچه نایب لازم داشته باشد کسی که خودش حج واجب انجام می دهد می تواند از این شخص نایب شود یا خیر؟

ج: این شخص حکم محصور از حج را دارد اگر حج در ذمه اش مستقر شده (یعنی قبلاً مستطیع شده و اقدام به حج نکرده است) و یا

استطاعتش تا سال آینده باقی بماند در هر دو صورت بر او واجب است که در سال آینده حجّش را انجام دهد در صورتی که در این سال امکان نداشته باشد و الاّ محرم شود بمقدار واجب درک و قوفین کند و سایر اعمال را خودش انجام دهد اگر نمی تواند نائب بگیرد.

س: ۸۷ - شخصی که از مدینه منوره احرام می بندد به امید که در مسجد شجره نیت نماید در مسجد شجره هم متوجه نمی شود می آید در مکه نیت می کند حجّ او صحیح است یا خیر؟

ج: در فرض سوال حجّش صحیح نیست و اگر قبل از اعمال برگردد و از یکی از میقاتها محرم شود کافی است و همچنین است بعد از اعمال در صورت بقاء وقت.

س: ۸۸ - اگر شخصی با احرامی وارد مکه شود اعمال عمره تمتع را انجام بدهد و قبل از انجام حجّ تمتع می تواند عمره مفرده انجام دهد یا خیر؟

ج: نمی تواند.

س: ۸۹ - اگر شخصی اعمال عمره تمتع را انجام بدهد و قبل از انجام حجّ تمتع میتواند عرفات، منی، مشعر، غار حراء، غار ثور برود یا خیر؟

ج: در غیر ضرورت و حاجت خارج شدن از مکه جواز ندارد و تا آن مقدار که صدق مکه عرفاً می کند تردد حرام نیست.

س: ۹۰ - شخصی بعد از طواف و سعی صفا و مروه از اعمال عمره تمتع تقصیر کرده بعد می آید به اطاق سرش را می تراشد آیا این کفاره دارد یا خیر؟

ج: اگر عمره تمتع را در ماه شوال انجام داده است تا آخر ماه شوال تراشیدن سر جایز است و بعد از آن اگر عالماً و عامداً سرش را بتراشد بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.

س: ۹۱ - اگر کسی از اعمال عمره تمتع فارغ شده می تواند با خانمش نزدیکی نماید یا خیر؟

ج: بعد از انجام دادن تقصیر نزدیکی با خانمش اشکال ندارد.

س: ۹۲ - زنی از دنیا رفته است و قبل از مرگش شخصی را وصی گرفته و به او گفته است که زمینهای من را بفروش و با پولش به نیابت از من به حج برو، برادر شوهر این زن که زمینهای مذکور بعد از فوت موصی در دست او بوده بدون اجازه وصی و موصی به حج می رود و ادعا می کند به نیابت از میت رفته، در این صورت آیا این حج نیابتی درست است؟

ج: اگر در زمان حیاتش حجّ در ذمه او استقرار پیدا کرده بوده آن وصیت نافذ است و نیاز به اجازه ورثه ندارد و اگر مستطیع نبوده آن وصیت بمقدار ثلث میت نافذ است و زاید بر ثلث بین ورثه تقسیم می شود و آن شخص که بدون اجازه وصی به نیابت میت حجّ انجام داده است صحیح است و میت بری الذمه می شود ولی مستحق اجرت المثل نیست اگر وصی و ورثه از باب احسان اجرت او را بدهند خوب است.

س: ۹۳ - در این سالها در مکه معظمه ایام حجّ قربانگاه را از منی بیرون برده پشت جبل النور که غار حرا در آن قرار دارد از طرف دیگر هم از هر حاجی چهار صد ریال، دولت سعودی می گیرد بعد گوسفند و یا بز را که میدهد واجد شرائط نیست بنابراین آیا میشود که حجاج روز عید قربان از طریق تلفن تماس بیگیرند قربانی را در وطن خودشان انجام دهند؟

ج: در مفروض سوال تلفن در منطقه بنمایند تا بنیابت حاجی قربانی کنند.

فهرست مطالب

۶	مقدمه
۶	اقسام حجّ
۷	اجزاء عمره تمتع
۷	اجزاء حج تمتع
۸	احکام عمره تمتع
۸	۱- احرام
۸	احکام میقات ها
۱۰	محرمات احرام
۲۴	محل کشتن کفّارات
۲۴	۲- طواف عمره تمتع
۲۴	شرایط صحت طواف
۲۵	۱- نیت
۲۵	۲- طهارت از حدث اکبر و اصغر
۳۱	۳- طهارت از خبث
۳۳	۴- ختنه بودن برای مردان

- ۵ - داشتن ساتر عورت..... ۳۴
- واجبات طواف..... ۳۴
- احکام طواف..... ۳۶
- شک در عدد اشواط (دور ها)..... ۳۹
- ترک یا فراموش کردن طواف..... ۴۰
- ۳- نماز طواف..... ۴۲
- ۴ - سعی بین صفا و مروه..... ۴۴
- شک در عدد اشواط سعی..... ۴۹
- (۵) تقصیر..... ۵۰
- اعمال حج..... ۵۲
- (۱) احرام..... ۵۲
- (۲) وقوف در عرفات..... ۵۴
- (۳) وقوف در مشعر الحرام..... ۵۶
- (۴) رمی جمره عقبه..... ۶۰
- (۵) ذبح و نحر در منی..... ۶۳
- مصرف قربانی..... ۷۰

- ۶) حلق یا تقصیر.....۷۲
- ۷.۸.۹) طواف حجّ و نماز طواف وسعی.....۷۴
۱۰. ۱۱) طواف نساء و نماز آن.....۷۶
- ۱۲) بیتوته در منی.....۷۹
- ۱۳) رمی جهرات.....۸۱
- احکام مصدود.....۸۳
- احکام محصور.....۸۶
- مسائل متفرقه.....۹۰
- مستحبات سفر.....۹۲
- مستحبات احرام.....۹۲
- مکروهات احرام.....۹۵
- مستحبات دخول حرم.....۹۶
- مستحبات دخول مکه معظمه.....۹۷
- آداب مسجد الحرام و مکه معظمه.....۹۷
- آداب و مستحبات طواف.....۱۰۱
- مستحبات نماز طواف.....۱۰۴

- ۱۰۸ مستحبات احرام تا وقوف بعرفات
- ۱۰۹ مستحبات وقوف به عرفات
- ۸ - این دعا را بخواند: ۱۱۱
- ۱۱۵ مستحبات وقوف بمزدلفه
- ۱۱۷ مستحبات رمی جمرات
- ۱۱۸ مستحبات هدی
- ۱۱۹ مستحبات حلق
- ۱۱۹ مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی
- ۱۲۰ مستحبات منی
- ۱۲۱ مستحبات دیگر مکه معظمه
- ۱۲۳ مستحبات وقوف بمزدلفه
- ۱۲۵ مستحبات رمی جمرات
- ۱۲۶ مستحبات هدی
- ۱۲۷ مستحبات حلق
- ۱۲۸ مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی
- ۱۲۸ مستحبات منی

مستحبات دیگر مکه معظمه ۱۲۹

دعاء الحسین (ع) یوم عرفه ۱۳۲

دعاء علی بن الحسین (ع) (در صحیفه سجادیه) در روز عرفه ۱۴۸

استفتائات جدید در مناسک حج ۱۵۹